



همایش ملی

میراث مشترک زبان، ادبیات و فرهنگ فارسی و عربی در حوزه خلیج فارس

چکیده مقالات

تدوین:

دکتر رسول بلاوی



۲۷-۲۸ بهمن ماه ۱۳۹۵



همایش ملی

میراث مشترک زبان، ادبیات و فرهنگ فارسی و عربی در حوزه خلیج فارس

۲۸-۲۷ بهمن ۱۳۹۵

چکیده مقالات

تدوین: دکتر رسول بلاوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محورهای همایش:

الف) پژوهش‌های زبانی و گویش‌شناسی

۱. مطالعات زبانی، گویش‌شناسی و تنوع زبانی در حوزه شمالی خلیج فارس
۲. مهاجرت اقوام، جابجایی جمعیتی و تأثیرات زبانی
۳. تأثیر زبان عربی و فارسی در گویش‌های حوزه شمالی خلیج فارس
۴. بررسی زبان و اقوام عربی حوزه شمالی خلیج فارس در نسخه‌های خطی و اسناد تاریخی
۵. آسیب‌شناسی آموزش زبان عربی در آموزش و پرورش استان بوشهر

ب) پژوهش‌های فرهنگی - ادبی

۱. معرفی شخصیت‌های علمی و ادبی حوزه شمالی خلیج فارس و زیباشناسی آثار آنان
۲. بازتاب ادب و فرهنگ فارسی در شعر شاعران کشورهای عربی خلیج فارس
۳. ادبیات پایداری و متعهد در حوزه شمالی خلیج فارس
۴. ادبیات تطبیقی، تأثیر و تأثر ادبی در حوزه خلیج فارس
۵. بررسی ادبیات محلی و ضرب‌المثل‌های مشترک کشورهای حوزه خلیج فارس
۶. بازتاب آداب و رسوم، سنت‌ها و موسیقی عربی در استان بوشهر و بالعکس
۷. سیمای خلیج فارس در ادبیات عربی

ج) دیپلماسی علمی و روابط همجواری با کشورهای عربی

۱. تعاملات فرهنگی، تاریخی و تجاری بین کشورهای عربی و کرانه شمالی خلیج فارس در گذر تاریخ
 ۲. نقش زبان عربی در روابط تجاری با کشورهای خلیج فارس
 ۳. نقش گروه‌های عربی در شکوفایی شاخه‌های مختلف صنعت گردشگری
 ۴. گروه‌های عربی و نقش آن‌ها در گسترش تعاملات علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی
 ۵. نقش ترجمه در معرفی فرهنگ و هنر ایرانی به کشورهای حوزه خلیج فارس
 ۶. نقش گروه‌های عربی در تبیین فرصت‌ها و تهدیدهای جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ قطر
- برگزار کنندگان: دانشگاه خلیج فارس بوشهر و انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی

تاریخ برگزاری همایش: ۲۷ و ۲۸ بهمن ۱۳۹۵

سایت همایش: iaall7.pgu.ac.ir

ایمیل همایش: pgu.iaall@gmail.com

آدرس دبیرخانه: بوشهر، دانشگاه خلیج فارس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، طبقه دوم، گروه زبان و ادبیات

عربی.

دبیر علمی همایش: دکتر علی اصغر قهرمانی مقبل (دانشیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر)

دبیر اجرایی همایش: دکتر خداداد بحری (استادیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر)

کمیته علمی همایش:

- دکتر حسین ابویسانی (دانشیار دانشگاه خوارزمی)
- دکتر حمید احمدیان (دانشیار دانشگاه اصفهان)
- دکتر زهرا افضلی (دانشیار دانشگاه بوعلی سینا، همدان)
- دکتر خداداد بحری (استادیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر)
- دکتر خلیل خلف بشیر (استادیار دانشگاه بصره، عراق)
- دکتر رسول بلاوی (استادیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر)
- دکتر خلیل پروینی (استاد دانشگاه تربیت مدرس)
- دکتر محمدجواد پورعابد (استادیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر)
- دکتر ناصر جابری اردکانی (استادیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر)
- دکتر مهین حاجی زاده (دانشیار دانشگاه شهید مدنی، آذربایجان)
- دکتر حسین لفته حافظ (استاد دانشگاه کوفه، عراق)
- دکتر علی خضری (استادیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر)
- دکتر حسن دادخواه (استاد دانشگاه شهید چمران، اهواز)
- دکتر فرهاد رجبی (دانشیار دانشگاه گیلان)
- دکتر اسحق رحمانی (دانشیار دانشگاه شیراز)
- دکتر رقیه رستم‌پور (دانشیار دانشگاه الزهرا)
- دکتر ناصر زارع (استادیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر)
- دکتر مسلم زمانی (استادیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر)
- دکتر محمد علی حسین السویطی (استادیار دانشگاه واسط، عراق)
- دکتر حیدر شیرازی (استادیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر)
- دکتر علی ضیغمی (استادیار دانشگاه سمنان)
- دکتر شاکر عامری (دانشیار دانشگاه سمنان)
- دکتر عاطی عبیات (استادیار دانشگاه فرهنگیان رسول اکرم، اهواز)

- دکتر صادق عسکری (دانشیار دانشگاه سمنان)
- دکتر عبدالرضا عطاشی (استادیار دانشگاه آزاد آبادان)
- دکتر علی اصغر قهرمانی مقبل (دانشیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر)
- دکتر شاکر مجید کاظم (استاد دانشگاه بصره، عراق)
- دکتر غنیة یاسر کباشی (استاد دانشگاه بغداد، عراق)
- دکتر حسین کیانی (دانشیار دانشگاه شیراز)
- دکتر نرگس گنجی (دانشیار دانشگاه اصفهان)
- دکتر قاسم مختاری (دانشیار دانشگاه اراک)
- دکتر سید حسین مرعشی (استادیار دانشگاه شیراز)
- دکتر علی خیری مطرود (استادیار دانشگاه واسط، عراق)
- دکتر حسین مهتدی (استادیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر)
- دکتر فرامرز میرزایی (استاد دانشگاه تربیت مدرس)
- دکتر علی نظری (استاد دانشگاه لرستان)
- دکتر یوسف نظری (استادیار دانشگاه شیراز)

داوران همایش:

- | | |
|-----------------------------|---------------------------------|
| - دکتر حسین ابویسانی | - دکتر علی ضیغمی |
| - زهرا احمدیان | - حسین عباسی |
| - عبدالرسول الهایی | - دکتر عاطی عبیات |
| - دکتر خداداد بحری | - دکتر محمد عثمانی |
| - دکتر رسول بلاوی | - دکتر عبدالباسط عرب یوسف آبادی |
| - دکتر فاطمه پرچگانی | - دکتر محمدرضا عزیزی پور |
| - دکتر حمیدرضا پیرمردیان | - دکتر عبدالرضا عطاشی |
| - دکتر حمیدرضا پیغمبری | - علی عندلیب |
| - دکتر محمدجواد پورعابد | - دکتر محمد غفوری فر |
| - دکتر مهدی ترکشوند | - دکتر علی اصغر قهرمانی مقبل |
| - فاطمه توانا | - دکتر ناصر کاظم خانلو |
| - دکتر محمودرضا توکلی محمدی | - دکتر حسن کاظمی سهلوانی |
| - دکتر ناصر جابری اردکانی | - مالک کعب عمیر |
| - دکتر امیدجهان بخت لیلی | - نرگس گبانچی |
| - دکتر شکوه السادات حسینی | - دکتر سهیلا محسنی نژاد |
| - دکتر علیرضا حسینی | - دکتر سید حسین مرعشی |
| - عبدالعزیز حمادی | - نعمت الله مقصودی |
| - احمد حیدری | - دکتر حسین مهتدی |
| - دکتر علی خضری | - دکتر مصطفی مهدوی آرا |
| - دکتر احمد خنیفی زاده | - دکتر سیده ریحانه میرلوحی |
| - دکتر علی رسولی | - دکتر جمال نصاری |
| - دکتر ناصر زارع | - دکتر یوسف نظری |
| - دکتر مرتضی زارع برمی | - دکتر احمدنور وحیدی |
| - دکتر حسین سلیمی | - زهرا هاشمی تزنگی |
| - دکتر فاطمه صحرائی سرمزده | - لیلا یادگاری |

حامیان همایش به ترتیب حروف الفبا

- اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر
- اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر
- استانداری بوشهر
- بنیاد نخبگان استان بوشهر
- پارک علم و فناوری خلیج فارس
- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)
- دانشگاه فرهنگیان، پردیس بنت الهدی صدر بوشهر
- حوزه هنری استان بوشهر
- سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس
- شورای اسلامی شهر عسلویه
- شهرداری عسلویه
- مدیریت اسناد و کتابخانه ملی بوشهر

مسئولیت نقطه‌نظرها و مطالب مندرج در چکیده هر یک از مقالات به عهده نویسندگان آن مقالات است، و برگزارکنندگان همایش هیچ گونه مسئولیتی در قبال محتوای مقالات ندارند.

فهرست

چکیده‌های فارسی:

- ۱ «الکتاب» (مطالعه موردی: خلیل بن احمد و سیبویه در
معصومه ابوالفضلی
- ۲ "دیگر" (The other) و عبدالعزیز بابطین (مطالعه موردی: تعامل میان زبان و فرهنگ فارسی
و عربی) دکتر حسین ابویسانی
- ۳ تحلیل سیلان نشانه‌ها در اشعار سپید نجمه عبدالله ادریس
دکتر طاهره اختری و دکتر فریده داودی مقدم
- ۴ نقش دو بندر بصره و بوشهر در مناسبات اقتصادی ایران و عثمانی از دوره صفویه تا قاجار (با
تکیه بر اسناد و معاهدات)
طیبه ادیسی و دکتر حمید اسدپور
- ۶ نگاهی به قصیده «مناجاة عید المولود» سروده «فهد العسکر» از منظر تحلیل متن ادبی
دکتر رضا افخمی عقدا و فاطمه جمشیدی
- ۷ تصویر دیگری ایرانی در شعر عربی (نمونه موردی: تصویر امرای طاهری در شعر بحتری)
دکتر زهرا افضلی و خدیجه حسینی
- ۸ "رسوا" شاعری محلی با اندیشه‌های ملی
پردیس اکبرزاده و دکتر صادق عسکری
- ۹ بررسی روانکاوانه نوستالژی در شعر بهرام اکبر زاده
میترا اکبرزاده و دکتر یوسف نیکروز
- ۱۰ میراث علمی و فرهنگی سادات بحرانی در دوره صفویه
دکتر حسن الهیاری
- ۱۱ روش‌شناسی و نقد مطالعات ادبی دکتر محمد حسین علی الصغیر در حوزه قرآن کریم
محمد امیری فر، دکتر خلیل پروینی و دکتر عیسی متقی‌زاده
- ۱۲ جایگاه علمی عبد الله بن محمد توزی
.....

- دکتر خداداد بحری
- ۱۳ نمود دریا و زندگی ساحل نشینی در شعر فایز
دکتر خداداد بحری
- ۱۴ تصویر خلیج فارس در سفرنامه ابن بطوطه
صغری بدری
- زیباشناسی رمانهای منیرو روانپیور؛ مطالعه موردی رمانهای «کولی کنار آتش»، «دل پولاد» و
«اهل غرق»
امید بذرافکن و نسیم پورصادقی
- ۱۷ نگاهی به اندیشه‌های سیاسی و انقلابی در اشعار نازک الملائکه
مرتضی براری رئیسی
- ۱۸ نقد اجتماعی اشعار حافظ شیرازی و حافظ ابراهیم
اکرم بغدادی و دکتر علی نظری
- ۱۹ ادبیات تطبیقی و خاستگاه اروپایی زبان
کسری بقائی پور و زهرا ازوجی
- بازتاب سیمای کودک انقلابی در شعر وفاء عبدالرزاق (مطالعه موردی دیوان "از خاطرات
کودک جنگ")
دکتر رسول بلاوی و مریم حاجی زاده
- ۲۱ تأثیر زبان و فرهنگ عربی بر زبان و فرهنگ بومی مردم بوشهر
معصومه بهزادی
- نقش نمایشنامه در بهبود و گسترش گفتمان فرهنگی بین ایران و کشورهای عربی همسایه ..
دکتر فاطمه پرچگانی
- ۲۲ ملاحظاتی درباره توصیف خلیج فارس و دریای عمان در کتاب حدود العالم
دکتر حمیدرضا پیغمبری
- ۲۴ مطالعه تطبیقی «موضوع عشق» در امثال و حکم عربی و فارسی (با تکیه بر نظریه بینامتنیت)
حامد توکلی دارستانی
- ۲۵ خانخال شوم: اثری شاخص در انعکاس مختصات ادبیات اقلیمی بوشهر
دکتر سید ناصر جابری و دکتر زهره ملاکی
- ۲۶ بررسی جریان سیال ذهن در رمان "طیور آیلول" اثر املی نصر الله
دکتر امید جهان بخت لیلی و فاطمه وارسته

- جلوه‌های رئالیسم عاطفی در دیوان «قصائد حب» سعاد محمد الصباح ۲۷
دکتر مهین حاجی زاده و یگانه اکبرپوراصل
- بازتاب آراء و اندیشه های سید جمال الدین اسدآبادی در اشعار محمد مهدی جواهری ۲۸
سیده فیروزه حسینی کارکمی و دکتر محمد رضا خضری
- نقش بنیادی ترجمه در معرفی و شناخت فرهنگ و هنر ایرانی به کشورهای حوزه خلیج فارس . ۲۹
سیده فیروزه حسینی کارکمی و دکتر عبد العلی فیض الله زاده
- بررسی ساختار و درون‌مایه‌های سبک شعری "ابوذیه" در خوزستان ۳۰
عبدالعزیز حمادی
- بازتاب مسائل اجتماعی و انسانی در اشعار منوچهر آتشی ۳۱
فاطمه حیات داودیو دکتر عبدالمجید محقق
- بازتاب رنگ محلی در اشعار شاعران بوشهر ۳۲
فاطمه حیات داودی، دکتر عبدالمجید محقق و میترا اکبرزاده
- نقش گروه‌های عربی در شکوفایی شاخه‌های مختلف گردشگری ۳۳
الهام خادمی
- آرایه‌های بلاغی در شعر ابو عطا أفلحُ بنُ یسار السُّندی (؟ - ۱۸۰ هـ - ق) ۳۴
دکتر مهدی خرمی
- مطالعه تطبیقی سفالهای اشکانی به دست آمده از کاوشهای شبه جزیره عمان با تمرکز بر
داده‌های سفالی سایت‌های دبا، ملیحا و اددور ۳۵
دکتر علیرضا خسروزاده، سامر نظری و مرضیه شعرباف
- بررسی تأثیر کلیله و دمنه بر ادبیات عربی ۳۷
دکتر علی خضری
- نگرشی بر تهذیب اخلاق در کلیله و دمنه ابن مقفع ۳۸
دکتر علی خضری
- فراخوانی شخصیت‌های مقاومت در شعر محمود درویش ۳۹
دکتر علی خضری و نجمه ایزدی
- عاطفه، غالب‌ترین عنصر شعریت در اشعار فایز دشتستانی ۴۰
دکتر فریده داودی مقدم و دکتر طاهره اختری

- ژئوپلیتیک ورزش و تاثیر آن بر دیپلماسی روابط همجواری «مطالعه موردی ایران و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس برای جام جهانی ۲۰۲۲ قطر» ۴۱
 سید محمد تقی رئیس السادات، دکتر افشین متقی و دکتر عطا اله عبدی
- کارکرد ترجمه در ایجاد تعامل بین ایران و همسایگان عربی با توجه به تجربه تاریخی آن .. ۴۲
 دکتر فرهاد رجبی
- جابجایی جمعیتی ایلات خمسه و تأثیرات مهاجرت بر ویژگی‌های زبانی این اقوام..... ۴۳
 دکتر اسحاق رحمانی و فاطمه برزگر
- نقش گروه‌های عربی در شکوفایی شاخه‌های مختلف صنعت گردشگری..... ۴۴
 دکتر رقیه رستم پور و مهناز اعتضادی فر
- بررسی تطبیقی بینامتنیت قرآنی در شعر هوشنگ ابتهاج و جواهری ۴۵
 دکتر حجت رسولی و سمیرا جوکار
- جغرافیای سکونت ازدی‌های عمان در سواحل ایرانی خلیج فارس در اوایل دوره اسلامی .. ۴۶
 دکتر علی رسولی
- جغرافیای تاریخی اقتصادی سواحل خلیج فارس در سده‌های هفتم تا نهم هـ. ق..... ۴۷
 دکتر علی رسولی و نرگس امیری
- نقش ترجمه در انتقال فرهنگ اصیل ایرانی به تمدن عربی-اسلامی ۴۸
 دکتر ابوالفضل رضایی، داود شیروانی و زهرا هاشمی تزنگی
- انعکاس جنگ و ادبیات پایداری خلیج فارس در رمان هستی ۵۰
 محدثه السادات رضایی کلاته میرحسن، امیر الهامی و دکتر علیرضا عابدیان
- بررسی عناصر پایداری در شعر جواد جمیل و طاهره صفارزاده ۵۱
 علی رومی پور و دکتر محمد حسین معصومی
- واکنش ادبیات اعتراضی عراق و ایران در قبال قدرتهای متجاوز پیرامونی و جهانی (تحلیل موردی: اشعار مظفر النواب، بشری البستانی، سیاوش کسریایی و طاهره صفار زاده)..... ۵۲
 دکتر مرتضی زارع برمی و حسین آشوری
- طبقه‌بندی و تحلیل عناصر نمادین شعر اعتراض در ادبیات معاصر عراق با تکیه بر اشعار «مظفر النواب» ۵۳
 دکتر مرتضی زارع برمی و فاطمه کاظمی
- فرایند واجی ابدال در گویش عربی شهرستان کنگان؛ مطالعه موردی: روستای پرک ۵۴
 دکتر ناصر زارع و احمد حیدری

- ۵۵ تجلی آرمان‌گرایی در شیوه داستان پردازی چوبک در رمان تنگسیر
معصومه سپهری عسگر و دکتر لیلا هاشمیان
- ۵۶ بررسی جغرافیای تاریخی خلیج فارس از منظر جغرافی نگاران مسلمان با تکیه بر تقویم البلدان
اسماعیل سپهوند و مسعود آدینه‌وند
- ۵۷ خلیج فارس از منظر منابع جغرافیایی مسلمانان؛ نمونه موردی مسالک و ممالک اصطخری و
نخبه‌الدهر انصاری دمشقی
اسماعیل سپهوند و شبنم جهانمیر
- ۵۸ فرافکنی در ضرب المثل‌های عربی خوزستان
طارق سلامات
- ۵۹ ... جایگاه موسیقی و صورخیال در سروده‌های شاعر مقاومت و پایداری: سید حسن حسینی
دکتر حسین سلیمی
- ۶۰ کارکردهای نمادین و بلاغی رنگ‌ها در شعرسید حسن حسینی
دکتر حسین سلیمی
- ۶۱ مقایسه سبکی و محتوایی گلستان سعدی و منشآت فاضل جمی
دکتر حسین سلیمی و دکتر سید ناصر جابری اردکانی
- ۶۳ برخی واژگان مشترک بویراحمدی و برازجانی و ریشه باستانی و اوستایی آنها
دکتر کشواد سیاهپور
- ۶۴ کاوشی در بن مایه‌های ادبیات مقاومت در شعر معاصر بحرین
دکتر فاطمه صحرايي سرمزده و دکتر شیرین سالم
- گروه‌های زبان و ادبیات عربی حلقه‌های مفقوده توسعه صنعت گردشگری ایران با کشورهای
عربی (کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به عنوان نمونه)
۶۵
دکتر علی ضیغمی
- ۶۷ ... جایگاه ویژه دریا در داستان‌های کوتاه منیر و روانی‌پور و ریشه آن در اساطیر و افسانه‌ها
دکتر پوران طاحونی و محمد صادق گرانبها
- نگاهی تطبیقی اجتماعی بین دو رمان "أم‌النذور" عبدالرحمن منیف و "درخت انجیر معابد"
۶۸
احمد محمود
- حسین طرفی علیوی و حسین جرفی

- تعامل زبانی، فرآیندی بر هم گرایی فرهنگی؛ بررسی هم سازگرایانه زبانی، قومیت عربی و فارس ۶۹
- محمد عثمانی
- ۷۰ بررسی تطبیقی مصادیق غزلیات محمد الفیحانی و رهی معیری
- دکتر عبدالباسط عرب یوسف آبادی و دکتر فائزه عرب یوسف آبادی
- ۷۱ زیبایی‌شناسی اقتباس در دیوان ابومعتوق موسوی
- دکتر محمدرضا عزیزی پور، دکتر عبدالله رسول نژاد و سحر محمدیان
- ۷۲ تاثیر زبان و میراث عربی بر «منشآت» فاضل جمی
- علی عندلیب و دکتر محمد جواد پورعابد
- ۷۳ بررسی مضامین مشترک ضرب‌المثل‌های فارسی (زبان بوشهری) و عربی
- مرضیه غزنوی
- ۷۴ بررسی و تحلیل سبک شناسی قصیده «أشک حتی» و فاء عبد الرزاق
- دکتر محمد غفوری فر، دکتر علیرضا حسینی و دکتر ابوالفضل رحمانی
- ۷۵ بازتاب مضامین انسانی و اخلاقی در شعر «صقر الشیب» شاعر معاصر کویتی
- دکتر فاطمه قادری و فاطمه جمشیدی
- ۷۶ ضرب المثل‌های مشترک بین مردم عرب خوزستان و دو کشور کویت و بحرین
- دکتر جاسم قیم و لیلیا فکاری
- دلنای ادبیات، تاریخ و جغرافیا (مطالعه موردی خلیج فارس و جزایر ایرانی آن، در معجم البلدان) ۷۷
- دکتر حسن کاظمی سهلوانی
- طبقه بندی و تحلیل خطاهای عبارات عربی مندرج بر بسته های صنایع غذایی صادراتی ایران (بر اساس نظریه کوردن) ۷۸
- دکتر نرگس گنجی، دکتر مریم جلائی و نفیسه لاوی
- ۷۹ سیری در معادل های فارسی و عربی اصطلاحات ادبیات داستانی
- دکتر علی گنجیان و فاطمه بیات فر
- ۸۰ بررسی و تحلیل مضامین زندان سروده‌های عبدالوهاب البیاتی
- دکتر احمد لامعی گیو و غلامحسین سنگ کوب
- ۸۱ واکاوی آیین قرقیعان و رمضان‌خوانی در حوزه خلیج فارس و شرق ایران
- دکتر علی اکبر محمدی و دکتر محمد رضا عزیزی

- صراحت بیان یحیی سماوی در قصیده "هموم عراقیه" در پرتو نظریه سیستمی - نقشی هلیدی ۸۲
دکتر قاسم مختاری و مریم یادگاری
- نامه فرصت‌الدوله شیرازی به حاکم بصره و جلوه‌های فرهنگی آن ۸۳
دکتر سید حسین مرعشی
- آسیب‌شناسی آموزش زبان عربی در آموزش و پرورش شهرستان بوشهر ۸۴
نعمت اله مقصودی و جواد مقصودی
- جلوه‌های نوستالژی در شعر بدر شاکر السیاب ۸۵
سیده هدی موسوی و دکتر جاسم قیم
- مهاجرت اقوام و مسائل زبانی - فرهنگی (نمونه مورد پژوهانه مهاجرت عربهای جنگ‌زده به
مشهد مقدس) ۸۶
دکتر مصطفی مهدوی‌آرا
- تصویرپردازی هنری در شعر محمد حسین وائلی بررسی موردی قصیده بائیه در رثای امام
حسین (ع) ۸۷
دکتر زینه عرفت پور و سیده صغری میرسالاری
- بررسی کتابهای آموزش زبان فارسی به عرب‌زبانان (تلاش‌های نویسندگان عرب در تدوین
متون آموزشی) ۸۸
دکتر یوسف نظری و کوثر تقوایی فر
- تحلیل محتوای تیتراهای خبری رسانه‌های الجزیره و العربیه درباره ایران ۸۹
دکتر یوسف نظری و عهدیه میرشکاری
- بررسی تطبیقی تأثیر و تأثر ادبیات فارسی و عربی ۹۰
دکتر احمدنور وحیدی
- بررسی بازتاب عناصر دریایی خلیج فارس در شعر محمدعلی بهمنی با نگاهی بر مفهوم
روانشناختی هویت مکان ۹۱
دکتر لیلا هاشمیان، زهرا خزایی، آرزو بهاروند و رویا استواری
- الملخصات العربیة**
- رمز التاریخ والإنسان فی قصیده "طفل" تیتم مرّات" جمال نصّاری ۹۴
الدکتورة رجاء أبو علي ومحمود مسلمي

- ٩٥ صدى مأساة فلسطين قبل النكبة في شعر الجواهري. عبدالرسول الهايي والدكتور صادق فتحي دهكردي
- ٩٦ التجارب المكتسبة من ممارسة الترجمة الفورية من الفارسية إلى العربية والعكس عبدالرسول الهايي والدكتور جهاد فيض الإسلام
- ٩٧ التقارب اللغوي والأدبي بين العربية والفارسية منصة مفتوحة للدبلوماسية العلمية بين إيران ودول الخليج الفارسي الدكتور طيبة امريان والدكتور فرامرز ميرزايي
- ٩٨ جهود السيد محمد باقر الحكيم في الدراسات القرآنية والتفسير الدكتور خليل خلف بشير
- ٩٩ الراوي في الشعر الحكائي؛ دراسة مقارنة بين قصيدتين: للشاعر العراقي عبد الكريم كاصد والشاعر الإيراني علي رضا قزوه الدكتور علي مجيد البديري
- ١٠٠ دراسة وصفية في الشعر الزجلي المعاصر (تأريخه، نشأته وتطوره). الدكتور رسول بلاوي
- ١٠١ ظاهرة القناع البسيط في شعر بدر شاكر السياب الدكتور راضي بوعدار
- ١٠٢ أسباب الالتزام الديني ومظاهره في ديوان علي بن خلف الحويزي سالم بوعدار والدكتور محمد جواد پورعابد
- ١٠٣ جمالية اللون ودلالاته في ديوان «أندلسيات لجروح العراق» لبشرى البستاني الدكتور علي بيانلو، سارا مؤمني وفاطمه ياري
- ١٠٤ جمالية التكرار في قصيدة «أندلسيات لجروح العراق» لبشرى البستاني الدكتور علي بيانلو، فاطمه ياري وسارا مؤمني
- ١٠٥ اللهجات الدارجة على الساحل الشرقي للخليج الفارسي وعلاقتها مع الفصحى في المستوى الصربي والدلالي (دراسة في لهجة جشة نموذجاً) الدكتور خليل پرويني، الدكتور حامد صدقي وفهديه محمدنژاد
- ١٠٦ دور الترجمة ومساهمة الأفلام المدبلجة في غرس القيم الأخلاقية لدى أبناء الدول المطلّة على خليج فارس

- الدكتور محمد جواد پورعابد
التواصل الحضاري والثقافي بين الفارسيّة والعربيّة في منطقة الخليج الفارسيّ ١٠٧
الدكتور يعقوب يوسف پورنجف
- الهجرة والتبادل اللغوي بين اللهجة الإماراتية والعجمية أو الأشمية ١٠٨
فاطمة توانا، خديجة ملاً والدكتور سيد حيدر شيرازي
- الأبويّة الأهوازيّة، دراسة في الشّكل والمضمون ١٠٩
الدكتور محمود رضا توکلي محمدي وحسين مقدم
- دراسة صورة النبي(ص) في شعر الشيخ أحمد الوائلي ١١٠
الدكتور محمود رضا توکلي محمدي وحسين مقدم
- جهود الدكتور محمود البستاني في تجديد الدراسات القرآنية والبلاغية والأدبية ١١١
أحمد جاسم ثاني
- شُعراء العربيّة بلنّجة في العصر الحديث واتجاهاتهم الفكرية والعقائدية ١١٢
عبدالرحمن حقّاني والدكتور سيد حسين مرعشي
- القيم الإجتماعية في الأمثال الشعبية الأهوازية ١١٣
عيسى دمني
- الأسماء في اللغة العربية الفصحى واللهجة الأهوازية (دراسة تطبيقية) ١١٤
الدكتور اسحق رحمانبي وعلي حيدري
- دراسة تأثير الألفاظ الفارسية في مفردات اللغة العربية ١١٥
الدكتور عبدالرزاق رحمانبي والدكتور يعقوب خرسند
- أثر اللغة الفارسية في اللهجة القطيفية ١١٦
الدكتور عبدالرزاق رحمانبي وصديقة دريانورد
- فن الأبوزية في خوزستان نشأته وتطوره ١١٧
محمد رضازاده كاوري، الدكتور كبرى خسروي والدكتور حسين چراغي وش
- التحليل السيميائي لقصيدة «الشهداء» للشاعر السعودي غازي القصيبي ١١٨
الدكتور كبرى روشنفكر وطارق بار احمدي
- إستراتيجية الحذف والإضافة في الترجمة من العربية إلى الفارسية ١١٩

- الدكتور علي سعيداوي
 ما الذي تقدمه الثقافة الإسلامية والثقافة الغربية للإنسان المعاصر ١٢٠
 (العراق وإيران أنموذجاً)
 الدكتورة هدى محمد سلمان
- النشاط الثقافي والرحلات العلمية بين العراق وإيران حتى القرن الثالث عشر الميلادي ١٢١
 الدكتور محمد حسين علي السويطي والدكتور علي خيرى مطرود
- تعيين الأصالة فيما بين «عجائب الهند» و«الصحيح من أخبار البحار وعجائبها» ١٢٢
 محمد شكري
- جهود الدكتور مهدي المخزومي وأثره في تيسير النحو ١٢٣
 محمد ياسين عليوي الشكري
- الأثر القرآني في الموروث الشعري العماني (الشيخ سعيد بن محمد بن راشد الخروصي نموذجاً) ١٢٤
 الدكتور عاطي عبيات
- أهل البيت (عليهم السلام) في الموروث الشعري العراقي - نموذجاً عبدالحسين الحويزي ١٢٥
 الدكتور عاطي عبيات واحمد باجي
- التنافس في الشعر الشعبي الخوزستاني - ديوان الشاعر الراحل "فاضل السكراني" - نموذجاً .. ١٢٦
 الدكتور عاطي عبيات واحمد باجي
- أحمد السقّاف .. شاعر الكويت وباني ثقافتها ١٢٧
 الدكتور شاكر عامري
- علي السبتي .. شاعر متعدّد الأبعاد ١٢٨
 الدكتور شاكر عامري
- إستمرار الفصحى في اللهجة الأهوازية (معلقة امرئ القيس نموذجاً) ١٢٩
 طالب عسكرة، حسين مقدم وعباس عبيداوي
- الأضداد في ميزان الدّراسة والمقارنة (بين قطرب البصري وأبي الطّيب الخوزستاني أنموذجاً) ١٣٠
 الدكتور عبدالرضا عطاشي وجعفر عموري
- أثر الكتابات الفارسية القديمة في قراءة الكتابة المسمارية ١٣١
 الدكتور عادل هاشم علي
- عبدالله بن المقفع بين حضارتين (كاتباً ومفكراً) ١٣٢

- الدكتور عبدالحسين العُمري و فاطمة تونا
رثاء الإمام الحسين (ع) في شعر الفقيه السيد محمد علي العدناني ١٣٣
مسعود فرهاني عرب
- بحر فارس وخليج فارس في المصادر الدينية: بحار الأنوار نموذجاً ١٣٤
الدكتور علي أصغر قهرماني مقبل
القاموس المحيط للفيروز آبادي مصدراً عن اصنام العرب قبل الاسلام "دراسة تاريخية، تحليلية، نقدية" ١٣٥
الدكتور شاکر مجيد کاظم
- حجة العراقيين حميد الدين الكرمانی (٤١٠ - ١٠١٩م) آثاره الفكرية والعلمية ١٣٦
الدكتورة غنية ياسر كباشي
- تجلیات المقاومة والنضال الفلسطيني في الشعر العربي الفصيح في خوزستان ١٣٧
مالك كعب عمير
- المرأة ورمزية الوجود المشترك في الادبين العراقي والإيراني ١٣٨
الدكتور عواد كاظم لفته والدكتور حسين لفته حافظ
- توظيف الكلمات الفارسية في معجم جمهرة الامثال الشعبية لعبد الرحمن التكريتي ١٣٩
الدكتور خالد جعفر مبارك وعبد الكريم جعفر الكشفي
- أبوسعید السیرانی وجهوده النحویة ١٤١
الدكتور عيسى متقي زاده، سمیرا حیدري راد وآزاده شه بخش مجبور
- الواقع الاجتماعي الكويتي في الحياة الزوجية في رواية (بيني وبينك حكاية) لخولة القزويني ١٤٢
الدكتورة سهيلا محسني نژاد
- العلاقات الدبلوماسية العراقية- الايرانية بعد عام ٢٠٠٣م وآفاقها المستقبلية ١٤٣
الدكتور علي خيرى مطرود
- اللغة والكتابة في بلاد فارس حتى نهاية العهد الساساني ١٤٤
الدكتورة مهدي فيصل صالح الموسوي والدكتور ميثم عبد الكاظم جواد النوري
- اللهجة الأهوازية وتاريخها لقواعد العربية الفصحى (أ نموذجاً لهجة الزوار الأهوازيين) ١٤٦
الدكتور أسعد عباس كاظم المياحي
- مناظرة بين السيرافي ومتى بن يونس القنائي حول مفاضلة النحو والمنطق ١٤٧

الدكتور سيد على ميرلوحى والدكتورة سيده ربحانه ميرلوحى

التشاكل في شعر آمال عواد رضوان ١٤٨

الدكتور جمال نصاري

التناص الأدبي في الشعر الشعبي الأهوازي..... ١٤٩

الدكتور يوسف نظري وعلي حيدري

صدى المقاومة والصمود في الشعر البحريني المعاصر (ديوان "جراحات البحرين" للشاعر "ابن

البحرين" أمودجاً..... ١٥٠

الدكتور فاروق نعمتي والدكتور حسين حديدي

دراسة رثاء الإمام الحسين(ع) في شعر الشيخ محمد التستري..... ١٥١

ايداد نيسي والدكتور ولي بهاروند

بررسی تأثیر و تأثر نحویان فارس و عرب (مطالعه موردی: خلیل بن احمد و سیبویه در "الکتاب")

معصومه ابوالفضلی^۱

چکیده

آخذ و عطا و تأثیر و تأثر با رعایت شرایط و با در نظر گرفتن فواید و منافع غیر قابل انکار آن، از جمله عوامل غنای اندیشه بشری و از اسباب و راهکارهای رشد و بالندگی انسان هاست. خلیل بن احمد فراهیدی که او را دانشمندی عمانی و یا ایرانی تبعه عمان دانسته اند، سیمت استادی سیبویه را دارد؛ همو که اُمالی خلیل بن احمد را تحریر می نمود و آنها را ثبت و ضبط می کرد. اما با وجود شاگردی سیبویه، "الکتاب" او را "قرآن النحو" می خوانند و خالق آن را نحوی بزرگ زبان عربی می دانند. سیبویه با، هنر خویش، اُمالی خلیل را تحریر و تبویب نمود، آنها را در کنار افکار و آرای خویش که گاه مخالف نظر استاد نیز بود، قرار داد و به آنها انسجام و کمال بخشید. لذا دیگرانی که پس از وی پا به میدان نهادند چیزی به الکتاب نیافزودند، و بلکه خود را مشغول شرح و تحلیل آن یافتند.

جستار حاضر که به شیوه توصیفی - تطبیقی به رشته تحریر در آمده، در پی آن است تا ضمن معرفی مختصر خلیل بن احمد و سیبویه و بیان اندیشه های ایشان، آثار تأثیر و تأثر را در الکتاب سیبویه به نمایش گذارد. از جمله نتایج حاصله در این گفتار آن است که: اصل تأثیر پذیری سیبویه از خلیل را نمی توان انکار کرد، اما در مقابل، از نقش و جایگاه ویژه ی سیبویه هم، نمی توان غافل شد.

کلیدواژگان: خلیل بن احمد، سیبویه، الکتاب، تأثیر و تأثر.

«دیگر» (The other) و عبدالعزیز بابطین

(مطالعه موردی: تعامل میان زبان و فرهنگ فارسی و عربی)

دکتر حسین ابویسانی^۱

چکیده

برای ترویج و انتقال ادب، فرهنگ و تمدن یک قوم، گاه کسانی پای به میدان می نهند که فرامرز یا "دیگر" اند و به عبارتی خود را متعهد به انجام مسؤولیت هایی فراتر از مرزهای خود می دانند. عبدالعزیز سعود الباطین شاعر کویتی که در کنار هنر شاعری، از فعالان عرصه ی کسب و کار و تجارت نیز می باشد و موفق شده است تعداد قابل توجهی جایزه و دکترای افتخاری از کشورهای مختلف مانند ایران به دست آورد، تاکنون همایش ها، گردهمایی ها، نشست ها و کارگاه های متعددی را برای غنای زبان و ادب عربی و گاه غیر عربی، از جمله فارسی، در ایران و در دیگر کشورهای دنیا برگزار نموده و هزینه های هنگفتی را نیز بابت آن تقبل کرده است.

این نوشتار که به شیوه ی توصیفی-تحلیلی به رشته ی تحریر در آمده، در پی آن است تا ضمن معرفی بابطین به عنوان شخصیتی "دیگر"، و جایگاه وی در معرفی زبان و ادب عربی و فارسی به ایرانیان و عرب ها، نقش وی در کمک به غنای فرهنگی آنان در حوزه های یاد شده را تبیین نماید. نتایج حاصله نشان می دهد اثر بخشی از تلاش های بابطین، به مثابه صدقه ی جاریه، در حافظه ی ایرانیان علاقه مند به زبان و ادب فارسی و عربی، قابل رصد است.

کلیدواژگان: «دیگری»، عبدالعزیز بابطین، کویت، فارسی، عربی.

تحلیل سیلان نشانه‌ها در اشعار سپید نجمه عبدالله ادریس

دکتر طاهره اختری^۱ و دکتر فریده داودی مقدم^۲

چکیده

دکتر نجمه عبدالله ادریس، از استادان و شاعران توانای زبان عربی است که اشعار سپید او جنبه‌های بلاغی برجسته‌ای دارد و سرشار از تصاویر بدیع و بکر است. از جمله ویژگی‌های شعر او هنجارگریزی معنایی است که عامل اصلی «شعر آفرینی» است. این شگرد، نشانه‌های زبانی را به کلی از قید مدلول‌های آشنا و پذیرفته شده شان در نقش ارجاعی جدا می‌کند و به دل‌ها استقلال نشانه شناختی می‌دهد و معنا را برای همیشه به تعویق می‌اندازد.

به عبارت دیگر، هنجارگریزی معنایی یعنی تخطی از معیارهای تعیین‌کننده هم‌آیی واژگان و تخطی از مشخصه‌های معنایی حاکم بر کاربرد واژگان در زبان معیار و نقش ارجاعی زبان. اما در شعر با اتکا به همین هنجارگریزی معنایی و با کاربرد استعارای زبان، دل‌ها از قید مشخصه‌های معنایی ثابت رها می‌شوند و به سیلان در می‌آیند. این سیلان به آن معناست که نشانه‌ها در شاخصه‌هایی نقش بازی می‌کنند که متعلق به آنها نیستند. از جمله جاندار پنداری، گیاه پنداری و... با توجه به بسامد فراوان این سیالیت در شعر نجمه ادریس، بانوی شاعر کویتی، این پژوهش به توصیف و تحلیل سیلان نشانه‌های شعری در اشعار سپید او می‌پردازد.

کلیدواژگان: سیلان نشانه‌ها، شعر سپید، نجمه عبدالله ادریس، هنجارگریزی معنایی.

۱. استادیار دانشگاه شاهد؛ akhtari_ta@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه شاهد

نقش دو بندر بصره و بوشهر در مناسبات اقتصادی ایران و عثمانی از دوره صفویه تا قاجار (با تکیه بر اسناد و معاهدات)

طیبه ادیسی^۱ و دکتر حمید اسدپور^۲

چکیده

خلیج فارس و مناطق کرانه‌ای پیرامون آن و از جمله دو بندر بصره و بوشهر، به علت موقعیت جغرافیایی و کارکرد اقتصادی، از جمله مهم ترین کانون‌های تجاری بشمار می‌آیند. تحولات این بنادر، نه تنها در اقتصاد این مراکز، بلکه در جابجایی کانون‌های تجارت و دگرگونی مسیر-های دریانوردی در خلیج فارس مؤثر بوده‌اند. همچنین تحولات این بنادر، پیوستگی بسیار جدی با سیاست‌های حکومت‌های مرکزی پیرامون خلیج فارس از جمله ایران و عثمانی داشته است. بندر بصره از اواخر دوره صفویه و سپس از عهد افشاریه و زند، رفته رفته به کانون تجاری مهمی در شمال خلیج فارس تبدیل شد. حضور ترکان عثمانی در بصره و تبدیل آن به یک پایگاه برای عثمانی‌ها نه تنها در تاریخ روابط ایران و عثمانی به یک عنصر مهم تبدیل شد، بلکه جایگاه تجاری و اقتصادی بصره نیز در کیفیت و کمیت روابط ایران و عثمانی تأثیر گذار شد و به رقیب اصلی بندر بوشهر تبدیل شد. بطوری که در عهد زندیه کریم خان به شکل مستقیم در پی مهار بندر بصره بعنوان یک مانع بزرگ در راه بازرگانی خلیج فارس و بویژه بندر بوشهر برآمد.

در واقع شناخت و تبیین جایگاه اقتصادی دو بندر بوشهر و بصره و تأثیر آنها در مناسبات اقتصادی ایران و عثمانی با تکیه بر جایگاه خلیج فارس، مسئله‌ی اصلی این پژوهش به حساب می‌آید. در این پژوهش سعی می‌شود که با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی جایگاه بندر بوشهر و بندر بصره در مناسبات اقتصادی ایران و عثمانی در طول تاریخ پرداخته شود. پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که دو بندر بوشهر و بصره چه جایگاهی در مناسبات اقتصادی ایران و عثمانی در دوره‌های تاریخی داشته‌اند و فرضیه آن این است که

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه خلیج فارس، بوشهر؛ tayebedrisi@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

بندر بوشهر و بندر بصره با توجه به موقعیت ویژه ی اقتصادی در دوره ی زمانی مورد بحث، نقش تعیین کننده ای در مناسبات اقتصادی ایران و عثمانی داشته اند و رقیبان اصلی هم در تجارت خلیج فارس بوده اند.

کلیدواژگان: بندر بصره، بندر بوشهر، بازرگانی دریایی، ایران، عثمانی.

نگاهی به قصیده «مناجاة عید المولود» سروده «فهد العسکر»

از منظر تحلیل متن ادبی

دکتر رضا افخمی عقدا^۱ و فاطمه جمشیدی^۲

چکیده

ادبیات معاصر کویت از جمله زمینه‌های ادبی است که بسیار مورد غفلت قرار گرفته و بایسته است که بررسی آثار ادبی این سرزمین از جنبه‌های مختلف ساختاری و محتوایی و وجهه همّت پژوهشگران قرار گیرد. در این پژوهش کیفی که با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده، پس از بررسی کوتاه زندگی شخصی و ادبی «فهد العسکر» شاعر معاصر کویتی، یکی از قصاید وی به نام «مناجاة عید المولود» بر اساس معیارهای تحلیل متن ادبی مورد واکاوی قرار گرفته و پس از اشاره به چهار تفکر اصلی شاعر یعنی (۱) تبریک میلاد پیامبر (ص) و اظهار شغف از این واقعه فرخنده، (۲) اشاره به غفلت و عقب‌ماندگی عرب‌ها و فراموش کردن تعالیم دینی و انسانی، (۳) یادآوری مجد و عظمت گذشته آن‌ها و (۴) دعوت به مبارزه با ظلم و عقب‌ماندگی و گام نهادن در راه وحدت و پیروزی، تناسب و ترتیب افکار شاعر، صدق عاطفه و ارزش آن، هماهنگی الفاظ، جملات با این اندیشه‌ها و عواطف دینی و انسان‌دوستانه بررسی و اثبات گردیده و قدرت ادبی وی بیش از پیش آشکار شده است.

کلیدواژگان: شعر معاصر کویت، تحلیل متن ادبی، فهد العسکر، قصیده «مناجاة عید المولود».

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد؛ mf.ghaderi@gmail.com

تصویر دیگری ایرانی در شعر عربی (نمونه موردی): تصویر امرای

طاهری در شعر بحتری)

دکتر زهرا افزلی^۱ و خدیجه حسینی^۲

چکیده

تصویرشناسی که به مطالعه تصویر "دیگری بیگانه" در متون ادبی می‌پردازد، یکی از شاخه‌های ادبیات تطبیقی و علوم مرتبط با آن است. این علم به وسیله فرانسویان در قرن بیستم شکل گرفت و به تدریج با تلاش و کوشش صاحب‌نظران در فرانسه و دیگر کشورها رو به رشد و تکامل نهاد. تصویر "دیگری بیگانه" در تصویرشناسی بر مبنای قواعد خاصی مورد بررسی واقع می‌شود. روش تصویرسازی، عوامل مؤثر بر تصویرسازی و حالت‌های خوانش بیگانه از مهمترین این قواعد هستند.

در همین راستا آثار ادبی‌ای که دربردارنده تصویر از ملت‌های بیگانه باشند، آثاری مناسب و درخور بررسی در حوزه تصویرشناسی‌اند. دیوان بحتری شاعر مشهور عرب در عصر عباسی از جمله این آثار است که در آن تصویر امرای خاندان طاهری (یکی از سلسله‌های ایرانی در عصر عباسی) منعکس شده است؛ از همین رو در پژوهش حاضر تصویر امرای مذکور در اشعار او با هدف پی بردن به دیدگاه وی درباره آنها به روش توصیفی - تحلیلی بررسی گردیده است. نتایج بررسی بیانگر آن است که تصویرسازی به روش مستقیم از طریق ارتباط بدون واسطه بحتری و آن امرای صورت گرفته و مؤلف تصویرساز نسبت به سایر عوامل تأثیر بیشتری بر تصویرسازی نهاده است ضمن اینکه "بیگانه" در سه حالت شیدایی، هراس و اشتیاق خوانش شده و در این میان حالت هراس در شواهد کمتری نمود یافته است.

کلید واژگان: تصویرشناسی، تصویر "دیگری بیگانه"، بحتری، امرای طاهری.

^۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا؛ afzali9407@gmail.com

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا

"رسوا" شاعری محلی با اندیشه‌های ملی

پردیس اکبرزاده^۱ و دکتر صادق عسکری^۲

چکیده

بهرام اکبرزاده متخلص به رسوا، معلم و شاعر دشتستانی در سال ۱۳۲۵ در روستای «زیراه» از توابع شهرستان دشتستان در استان بوشهر دیده به جهان گشود. وی اشعار متنوعی در قالب غزل، قصیده، مثنوی، رباعی، دوبیتی، شعر نیمایی داشته و در سرودن اشعار محلی نیز چیره دست بوده است. برخی از سروده هایش در کتابی به نام «تازیانه بهرام» که برگرفته از یکی از شعرهای ایشان است گردآوری و به همت دکتر جعفر حمیدی منتشر شده است.

بیشتر شهرت این شاعر بزرگ دشتستانی به خاطر اشعار سیاسی - اجتماعی اوست که به بحرانهای اجتماعی و اوضاع سیاسی اواخر عصر پهلوی را در دهه های ۴۰ - ۵۰ هجری پرداخته است. مهمترین مضامین اشعار اجتماعی وی شامل عشق به آزادی و آزادیگی برای برافراشتن پرچم عدالت و انسانیت برای هم نوعان خود می باشد.

رسوا در بیان مسائل و مشکلات اجتماعی و همچنین آلام و آرزوهای مردم خود فردی شجاع و بی پروا بود. او با استفاده از استعاره و کنایه و آداب و رسوم و رنگ و بوی محلی و همچنین با بهره گیری از قالب طنز و شوخ طبعی به بیان اندیشه های سیاسی و اجتماعی خود پرداخته است. در دو سروده مورد بحث یعنی "سی چنه" و "مکلو" از سبک استفهام و ندا بهره برده است.

کلیدواژگان: رسوا، بهرام اکبرزاده، آثار و اندیشه ها، سی چنه، مکلو.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

۲. دانشیار دانشگاه سمنان؛ s_askari@semnan.ac.ir

بررسی روانکاوانه نوستالژی در شعر بهرام اکبرزاده

میترا اکبرزاده^۱ و دکتر یوسف نیکروز^۲

چکیده

از مباحث مهم روان‌شناسی "نوستالژی" یا غم‌غربت است که ارتباط قومی با حافظه و خاطرات جمعی بشر دارد و به طور ناخودآگاه در ذهن شاعر یا نویسنده متجلی می‌شود. نوستالژی را حسرت شیرین و تقابل زمان حال با گذشته‌ها دانسته‌اند که تاریخی به قدمت هیبوط آدم (ع) دارد و از دیرباز درون مایه‌ی بسیاری از آثار ادبی بوده است. بهرام اکبرزاده از جمله شاعران مبارز محلی جنوب کشور است که چون بخشی از دوران شیرین کودکی و نوجوانی خود را در میان روستاییان ساده دل گذرانده و با آداب و رسوم زندگی آنان پرورش یافته است، به علت دوری از سرزمین مادری و حسرت گذشته‌های خوش از دست رفته و آداب و سنت‌های بومی، اندوهی عمیق در شعرش به صورتی ملموس موج می‌زند. از آنجا که قسمتی از زندگی شاعر در مبارزات سیاسی علیه رژیم ستمشاهی پهلوی سپری شده و به زندان و تبعید انجامیده است، پیوسته با خویشتن خویش به خلوت می‌نشسته و با تفکر در هستی و غربت انسان و سرگردانی در چرخه‌ی زندگی مدرنیته معاصر، آرزوی بازگشت به دوران پاک و صفای وطن اصلی را داشته که این مهم در جای‌جای اشعارش دیده می‌شود. مقاله حاضر با روش تحلیل محتوا و بر اساس مطالعه‌ی اسناد کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در این راستا ابتدا تعریف لغوی و اصطلاحی نوستالژی و ارتباط آن با روان‌شناسی و مکتب رومانیتیک شرح داده شده، سپس مصادیق و انواع آن از جمله حسرت خاطرات گذشته، هویت ملی و دوری از سرزمین مادری و وطن ازلی به همراه شواهد متعدد شعری بررسی شده است، تا گامی در شناخت بیشتر اندیشه‌های شاعر فرهیخته جنوب برداریم؛ زیرا تبلور این نگرش (نوستالژی) از عوامل تأثیرگذار بر شعر فارسی بوده است.

کلیدواژگان: شعر معاصر، شعر محلی، روانکاوی نوستالژی، بهرام اکبرزاده.

۱. کارشناسی ارشد و مدرس حق التدریس دانشگاه آزاد واحد سما؛ akbarzade.nasim@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه یاسوج

میراث علمی و فرهنگی سادات بحرانی در دوره صفویه

دکتر حسن الهیاری^۱

چکیده

دوره صفویه در تاریخ ایران بنابر تغییرات عمیق در رویکردهای سیاسی و مذهبی، عصر طلایی حضور سادات محسوب می شود. این مهم با ادعای تشیع و سیادت خاندان حکومت گری صفوی حاصل شده بود. بر همین اساس علاوه بر رشد جایگاه گروههایی از سادات که در دوران پیشا صفوی در ایران مقیم بودند، گروههایی از سادات نیز در همین عصر به درون فلات ایران مهاجرت نمودند. دسته ای از این خاندان ها، سادات بحرانی بودند که از موطن خود بحرین به نواحی شمالی خلیج فارس مهاجرت نمودند. این پژوهش که به روش تاریخی و با استفاده از داده های کتابخانه ای انجام یافته بر آن است تا نتایج علمی و فرهنگی مهاجرت سادات بحرانی به درون فلات ایران در دوره صفویه را بررسی نماید. نتایج این تحقیق نشان می دهند سادات بحرانی علاوه بر توسعه ادبیات عربی در قالب متون نظم و نثر، با تالیف کتب حدیثی بنیان گذار مکتب حدیثی در حوزه شمالی خلیج فارس و زمینه ساز فکر اخباری گری در فارس و ایران بوده اند.

کلیدواژگان: دوره صفویه، سادات بحرانی، ادبیات عربی، حدیث گرای.

روش‌شناسی و نقد مطالعات ادبی دکتر محمد حسین علی الصغیر در حوزه قرآن کریم

محمد امیری فر^۱، دکتر خلیل پروینی^۲ و دکتر عیسی متقی‌زاده^۳

چکیده

دکتر محمد حسین علی الصغیر نویسنده، ادیب و شاعر معروف شیعی عراقی از جمله‌ی نویسندگانی است که در حوزه مطالعات ادبی قرآنی، دارای پژوهش‌های فراوان و گرانسنگی است و با پژوهش در قرآن کریم و منابع کهن ادبیات عربی، اطلاعات وسیعی را در زمینه علوم قرآنی و مباحث ادبی قرآن به مخاطبان خود عرضه می‌کند. وی در این پژوهش‌ها روش خاص خود را پی گرفته است. لذا مقاله‌ی حاضر بر آن است تا روش پژوهش‌های وی را از لابلای کتاب‌هایش استخراج کند و به نقد و بررسی روش و نتایج حاصله از آن بپردازد. بنابراین روش تحقیق در این پژوهش بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش توصیفی-تحلیلی خواهد بود.

به طور کلی از ویژگی‌های بارز مطالعات ایشان در حوزه مذکور می‌توان به گرایش وی به تجدید، استناد به سخنان ائمه اطهار(ع)، تلاش برای اثبات اصالت موضوعات مختلف در ادبیات کلاسیک عرب و کثرت منابع پژوهشی، اشاره کرد.

کلیدواژگان: محمد حسین علی الصغیر، روش‌شناسی، مطالعات ادبی.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس؛ amirifarm@gmail.com

۲. استاد دانشگاه تربیت مدرس

۳. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

جایگاه علمی عبد الله بن محمد تَوّزی

دکتر خداداد بحری^۱

چکیده

توز یکی از شهرهای باستانی جنوب ایران است که در عهد ساسانی و مدتی پس از آن روفوق فراوان داشت. بر اساس برخی اسناد تاریخی، این شهر در بخش جنوبی فارس و در استان بوشهر کنونی قرار داشته است. علمایی چند از این دیار برخاسته‌اند که از سرآمدان روزگار خود بوده‌اند از آن جمله است، ابو محمد عبدالله بن محمد توزی که در لغت و نحو از اساتید زمان خویش بوده است.

نگارنده در این پژوهش در پی آن است که ابتدا به معرفی این دانشمند بپردازد سپس جایگاه علمی و نقش وی را در میان علما نشان دهد. با توجه به اینکه از توزی جز کتاب بیست صفحه‌ای «الأصداد» اثر دیگری باقی نمانده، نگارنده آراء و اندیشه‌ها و منزلت علمی وی را بر اساس نقل قول‌ها و روایت‌هایی که در کتب مختلف باقی مانده نشان خواهد داد.

روشی که نویسنده در این تحقیق به کار گرفته است روش توصیفی و تحلیلی است. از نتایج تحقیق آن است که توزی از برجستگان طبقه هفتم نحویان به شمار می‌آید و در میان عالمان عصر خویش از جایگاه رفیعی برخوردار بوده تا جایی که بسیاری از علمای پس از وی برای اثبات مدعای خود به اقوال این عالم استناد می‌کرده‌اند. علاوه بر این، وی در میان راویان ادب شخصی قابل اعتماد است تا آنجا که برخی به وی لقب صدوق داده‌اند. این پژوهش همچنین اشاره دارد به اینکه روایات فراوان توزی موجب انتقال علوم علمای پیشین به نسل بعد از او شده است.

کلیدواژگان: عبد الله بن محمد توزی، جایگاه علمی، نحو، لغت.

نمود دریا و زندگی ساحل نشینی در شعر فایز

دکتر خداداد بحری^۱

چکیده

محمد علی دشتی معروف به فایز (م: ۱۳۳۰ق) پس از بابا طاهر معروف‌ترین دوبیتی سرای ایران و مشهورترین شاعر استان بوشهر است. زبان شعر او عامیانه است و کلامش در میان مردم این استان رواج فراوان دارد. پژوهش حاضر در پی آن است که به این پرسش پاسخ دهد که با توجه به نزدیکی محل زندگی شاعر با دریا و آشنایی با زندگی ساحل نشینان آیا طبیعت خلیج فارس و زندگی ساحل نشینان در دوبیتی‌های وی تجلی یافته است یا خیر؟

نویسنده در این جستار با روش توصیفی-تحلیلی دوبیتی‌های فایز را مورد کنکاش قرار داده است و نمودهای طبیعت ساحلی و زندگی ساحل نشینی را در اشعار وی برشمرده است. همچنین به تحلیل زیبا شناختی تصویرهای هنری شاعر که با استفاده از این طبیعت یا برای به تصویر کشیدن آن انجام شده پرداخته است. نویسنده به این نتیجه رسیده است که هر چند شمار ابیاتی که به دریا و زندگی ساحلی اشاره دارد در شعر فایز فراوان نیست، همین اندک جنبه‌هایی از طبیعت دریایی و زندگی ساحل نشینی را نمایش می‌دهد. همچنین نتیجه تحقیق به این امر اشاره می‌کند که شاعر برای به تصویر کشیدن مقصود خویش به خوبی از این طبیعت بهره برده است.

کلیدواژگان: دریا، طبیعت ساحلی، خلیج فارس، فایز، صور خیال.

تصویر خلیج فارس در سفرنامه ابن بطوطه

صغری بدری^۱

چکیده

سفرنامه‌ها بدلیل در بر داشتن اطلاعاتی متنوع در زمینه آداب و رسوم، آیین و مذهب، امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، در میان انواع ادبی جایگاه ممتازی دارند. سفرنامه ابن بطوطه نیز بازتابی از فرهنگ سرزمین‌های اسلامی در قرن هشتم هجری است که هم از نظر تنوع و هم از نظر گستره‌ی زمانی جایگاهی ممتاز دارد.

ابن بطوطه یکبار از طریق بصره، وارد آبادان و ماهشهر شده و بار دیگر، در سفری نه‌چندان کوتاه از هرمز، لار، خنج و کیش دیدار کرده است. همچنین پس از بازگشت از چین، از راه ظفار به مسقط و از آنجا برای بار دوم به هرمز می‌رود. زمانی که به توصیف و ثبت دیده‌های خود از این شهرها پرداخته است، خاطرات خود را در سفر به هرمز ادغام کرده و بصورت یکجا می‌آورد.

مقاله حاضر تصویر خلیج فارس یعنی شهرهای متصل به خلیج فارس که ابن بطوطه از آن بازدید کرده، مورد نظر بوده است. این شهرها شامل: آبادان، ماهشهر، هرمز، خنج، لار و کیش بوده است که به روش اسنادی و تحلیل محتوا، به بررسی و بازشناختی تصویر خلیج فارس در حوزه‌های گوناگون فرهنگی، اقتصادی، تاریخی، ادبی و جغرافیایی در سفرنامه ابن بطوطه پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که ابن بطوطه بدلیل حضور شخصی در این مناطق، تصویری واقع‌گرایانه از آداب و رسوم، عقاید، شخصیت‌های بزرگ، صید مروارید، بازارها، خانقاه‌ها و... در این مناطق ارائه می‌دهد. گاهی تصاویر ارائه شده، تکرارگونه و عمومی است، اما بیشترین تصاویری که ارائه می‌دهد مربوط به خانقاه‌ها و معرفی بزرگان این سرزمین‌هاست.

کلید واژه‌ها: تصویر، سفرنامه، ابن بطوطه، خلیج فارس.

زیباشناسی رمان‌های منیرو روانی پور؛

مطالعه‌ی موردی رمان‌های «کولی کنار آتش»، «دل پولاد» و «اهل

غرق»

امید بذرافکن^۱ و نسیم پورصادقی^۲

چکیده

منیرو روانی پور متولد جفره از توابع شهرستان بوشهر است. وی تحصیلاتش را در رشته‌ی روان‌شناسی دانشگاه تهران به پایان رساند. با وجود اینکه مدت‌ها دور از زادگاه خود بود اما در همه داستان‌هایش توجه به عقاید، رسوم و آیین‌های جنوب ایران و شمال خلیج فارس به ویژه زادگاهش وجود دارد. از ویژگی مهم روانی پور در داستان نویسی این است که در حالی که در تمام آثارش وجوه مشترکی همچون؛ قهرمان‌هایی از جنس زن، بیان و نقد عقاید و رسوم و آیین‌های جنوب وجود داشته و حتی حس نوستالژیک بر آن‌ها حاکم است اما در سه رمان مورد بحث، سه سبک متفاوت را دنبال می‌کند. رئالیسم جادویی؛ تلفیق خیال و واقعیت روح حاکم بر رمان «اهل غرق» است. در این رمان نویسنده داستانی فولکلور از منطقه را بازگو کرده و در ادامه به واقعیت می‌رسد. در رمان «دل پولاد» خواننده باید به دنبال اولین جرقه از تجربه مشترک میان خود و متن بپردازد. در این رمان پیش‌بینی با متن هم‌خوانی ندارد و خواننده پس از ناامیدی سرانجام به دوباره‌سازی متن در ذهن می‌پردازد. در کولی کنار آتش پیوند سنت و مدرنیته به چشم می‌خورد. در این رمان خواننده با نوسانات عدیده‌ای روبروست. چرخش زاویه‌ی دید باعث تمرکز زدایی می‌شود که از ویژگی‌های سبکی روانی پور است. در این پژوهش کوشیده شده که عناصر زیباشناسی براساس سبک نویسندگی و متن اثر مورد بررسی قرار گیرد و در هر رمان عناصر زیباشناختی به‌طور جداگانه بررسی و تحلیل شده و بیان گردد.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ omidbazrafkan@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی

شیوه‌ی تحقیق در این پژوهش تحلیل محتوایی _ کیفی براساس عناصر زیباشناختی متن و بهر-
ه‌گیری از روش تحلیل روایت است.

کلیدواژگان: منیرو روانی‌پور، اهل غرق، رئالیسم جادویی، دل فولاد، کولی کنار آتش،
زیباشناسی.

نگاهی به اندیشه‌های سیاسی و انقلابی در اشعار نازک

الملائکه

مرتضی براری رئیسی^۱

چکیده

گرایش‌ها و اندیشه‌های سیاسی و انقلابی، از بارزترین ویژگی‌های شعر معاصر عرب می‌باشد. نازک الملائکه، از جمله این شاعران نوپرداز در کشور عراق است که با توجه به شرایط سیاسی - اجتماعی حاکم بر عراق، با زبانی نو به بیان این اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی پرداخته است. بنابراین ما در این پژوهش بر آن هستیم که به شیوه توصیفی - تحلیلی، مضامین سیاسی و اجتماعی او را مورد بررسی قرار دهیم. گفتنی است که نازک الملائکه، با زبانی ساده، اسلوبی تازه و فکری نو همواره در اشعار خود به دنبال آن است که مشکلات مردم، غم‌ها و حوادث جامعه انسانی و آنچه که یک زن شرقی از آن رنج می‌برد را به تصویر بکشد. به تصویر کشیدن فقر و گرسنگی و مشکلات مردم، مبارزه با بی عدالتی و نابرابری در جامعه، مبارزه با حاکمان ستمگر و استبداد، فراخوانی اقشار مختلف مردم به همبستگی، نوع‌دوستی و غیره از جمله مضامینی است که این شاعر با زبانی صادقانه و صریح، در دفاع از آرمان کشور خود بدان پرداخته است. نکته آخر این است که شعر این شاعر در بیان مضامین سیاسی و اجتماعی، گاهی در قالب شعر سنتی و گاهی در قالب شعر نو بوده و از رمز و نماد نیز خالی نیست. کلیدواژگان: شعر، ادبیات معاصر، اندیشه سیاسی، نازک الملائکه، مبارزه.

نقد اجتماعی اشعار حافظ شیرازی و حافظ ابراهیم

اکرم بغدادی^۱ و دکتر علی نظری^۲

چکیده

هدف از نگارش این مقاله بیان دیدگاه های مشترک نقد اجتماعی بین "حافظ شیرازی" غزل-سرای قرن هشتم معروف به "لسان الغیب" و "حافظ ابراهیم" شاعر معاصر مصری معروف به "شاعر نیل" است. شهرت حافظ شیرازی به عرفان بیش از مصلح اجتماعی بودن اوست. اما او در اشعارش آسیب های اجتماعی را می شناسد و درصدد درمان آنها بر. حافظ ابراهیم نیز به عنوان یک منتقد اجتماعی توانست آرمان های ملتش را برای آنها مجسم کند و با طنزپردازی، بیداری نوینی را گوشزد کند.

این مقاله با مقایسه موضوعات مشترک به بررسی این موضوع می پردازد که هر چند بین حافظ شیرازی و حافظ ابراهیم قرن ها فاصله است، اما هر دو، منتقد اجتماعی زمان خویش و هر دو طنز پرداز بوده اند. با توری در دیوان هر دو شاعر به دردهای مشترکی همچون ثروت اندوزی، فقر و... برمی خوریم که هر دو همچون یک مصلح با آنها به مبارزه پرداخته اند. لذا با ذکر موضوعات مشترکی از اشعار و تحلیل آنها درمی یابیم که اسلوب حافظ ابراهیم ساده و روان، نقل تاریخش با اطناب و تکرار، انتقادش مستقیم، خیال پردازی اش ساده و حسی، طنزش قابل درک، الهام گیری اش از قرآن به صورت قصصی و شعر ملی اش به تقلید از بارودی و ابو تمام است. اما شعر حافظ شیرازی با غموض و تکلف همراه است و آمیخته با ایجاز، انتقادش در پرده، تخیلش قوی، کنایه اش نیش دار و تیز، الهام گیری اش از قرآن بیشتر به صورت تلمیحی و دیوانش غزل بزمی است. لیکن هر دو نقاد توانسته اند تصویری جامع از جامعه خود در ذهن مخاطب بنگارند.

کلیدواژگان: حافظ شیرازی، حافظ ابراهیم، نقد اجتماعی، انتقاد طنزآمیز، مصلح اجتماعی.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه لرستان؛ A.baghdadi998@yahoo.com

۲. استاد دانشگاه لرستان

ادبیات تطبیقی و خاستگاه اروپایی زبان

کسری بقائی پور^۱ و زهرا ازوجی^۲

چکیده

آیا دانستن یک یا چند زبان خارجی برای درک چگونگی ادبیات تطبیقی و اینکه این دانش چه کاری انجام می دهد، واقعا لازم است؟ ما ادعا می کنیم که دانستن دو یا چند زبان لازم است، چون ادبیات تطبیقی در سراسر مرزهای زبانی اجرا می شود تفاوت ها و شباهت ساختاری و روش ادبیات تطبیقی جستجوی این طبیعت است. در این نوشتار به بررسی این موضوع که خاستگاه زبان کجاست و ریشه ادبیات تطبیقی که از فرانسه شروع و در سراسر اروپا تسری پیدا کرد پرداخته و سپس تاثیر آن را بر روی دیگر کشورها و آثار نوشتاری آنها مورد بررسی قرار داده است. اگر در مقایسه نتوانیم مرزها و اهمیت آنها را بشناسیم و تحمیل کنیم، نوع خاصی از تفاوت ها در طول هدف به وجود می آید. بنابراین، در مقایسه، همیشه نه تنها به بررسی مرزهای موجود می پردازیم، بلکه چگونگی شکل گیری این مرزها را در طول تاریخ و در عمل خود مشخص می کنیم، تا مفاهیم ادبی را بهتر درک کنیم. این موضوع به هر دو قسمت انگلیس و اروپا که روی یک سکه هستند بر می گردد. از طرفی، اثرات همگنی صحنه های فرهنگی و زبانی انگلیسی از طریق یک کالبد شکافی وحدت زبانی نسبت به زبان انگلیسی باید مورد بررسی قرار بگیرد، همچنین اصرار بر زبانهای خارجی و ادبیات آن ها که معمولا انگلیسی شمرده می شوند نیز باید مورد تجزیه و تحلیل واقع شوند.

کلیدواژگان: ادبیات، ادبیات تطبیقی، زبان، خاستگاه اروپایی.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد تهران شمال؛ Email:k.baghaei52@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی علوم اجتماعی گرایش ارتباطات دانشگاه پیام نور استان تهران

بازتاب سیمای کودک انقلابی در شعر وفاء عبدالرزاق (مطالعه

موردی دیوان "از خاطرات کودک جنگ")

دکتر رسول بلاوی^۱ و مریم حاجی زاده^۲

چکیده

شعر بازتاب احساسات و نگرش‌های افرادی است که به وسیله آن، باورهای درون خود را در زبان‌شان جاری می‌کنند. از جمله این باورهای درونی، اشاره به کودک و کودکی است که در واقع به نوعی تجربه بازگشت به دوران کودکی را در شاعران و نویسندگان نشان می‌دهد. در میان شاعران معاصر نیز وفاء عبدالرزاق شاعر عراقی به دنیای کودکان انقلابی اشاره‌هایی دارد که احساس زنانه بودن به ویژه حس مادری وی به وضوح خودنمایی می‌کند. دیوان "از خاطرات کودک جنگ" از مهمترین دفترهای شعری این شاعر به شمار می‌رود که در آن به تصویر کودکان انقلابی، استقامت، رشادت‌ها و فداکاری آنها پرداخته است.

پژوهش حاضر بر اساس روش توصیفی-تحلیلی، تلاش می‌کند تا سیمای کودک انقلابی در دیوان "از خاطرات کودک جنگ" را مورد مطالعه قرار دهد. هدف از نگارش این مقاله نیز، بررسی تصاویر هنری و نمادهای ساخته شده با کودک و دوران کودکی در این اثر می‌باشد. کودک به عنوان ستون شعر انقلابی و نقطه عطف امیدواری و ستیزه جویی در ادبیات پایداری به شمار می‌رود، و در دیوان مذکور، نماد پاکی، معصومیت، استقامت و پایداری به کار رفته است.

کلیدواژگان: ادبیات معاصر عربی؛ شعر مقاومت؛ عراق؛ وفاء عبدالرزاق؛ دیوان "از خاطرات کودک جنگ".

۱. استادیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر؛ r.ballawy@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان

تأثیر زبان و فرهنگ عربی بر زبان و فرهنگ بومی مردم بوشهر

معصومه بهزادی^۱

چکیده

استان بوشهر با مساحتی در حدود ۲۷۶۵۳ کیلومتر مربع از استان های جنوبی کشور است که با داشتن ۶۲۵ کیلومتر مرز آبی، طولانی ترین همسایگی را با آب های خلیج فارس دارد. مرکز این استان، بندر بوشهر می باشد. شبه جزیره ی بوشهر به دلیل دارا بودن مرز آبی مشترک با خلیج فارس و قرار گرفتن در گذرگاه دریایی و روابط تنگاتنگ فرهنگی با کشورهای حاشیه ی خلیج فارس، شاهد تأثیرات شگرفی در زمینه های مختلفی چون تجارت، اشتغال، روابط خانوادگی، ازدواج، زبان مشترک، اقلیم یکسان و ... بوده است. یکی از مهمترین تأثیرات این ارتباط، وام گیری پاره ای واژگان و اصطلاحات عربی و ورود آن ها، به زبان محلی شهر بوشهر می باشد. از آن جا که بخش عظیمی از گویش مردم بوشهر متأثر از هجوم قبیله ها و حضور کشورهای بیگانه اند. لذا مطالعه ی حاضر با بهره گیری از مطالعات کتابخانه ای روند مهاجرت ساکنان عرب زبان در شهر بوشهر و تأثیر فرهنگ و زبان آنها بر فرهنگ و زبان بومی بوشهر را مورد بررسی می دهد. این نوشتار بر آن است، اهداف پیش رو را دنبال نماید: ۱- بیان تاریخچه، تحولات و عوامل مهاجرت قوم عرب به شهر بوشهر و چگونگی ورود کلمات دخیل در زبان بومی ۲- بررسی میزان تأثیرگذاری زبان عربی بر زبان محلی شهر بوشهر.

کلیدواژگان: زبان عربی، زبان بومی، شهر بوشهر.

نقش نمایشنامه در بهبود و گسترش گفتمان فرهنگی بین ایران و

کشورهای عربی همسایه

دکتر فاطمه پرچگانی^۱

چکیده

هنر، علاوه بر وجوه زیبایی و بیان جلوه‌های مطبوع انسانی، همواره به عنوان عنصری قدرتمند در راستای ایجاد رابطه بین فرهنگ‌ها و زبان‌ها مورد نظر بوده است. انواع مختلف هنر هر یک به گونه‌ای در طول تاریخ این رسالت را به انجام رسانیده‌اند؛ چنان که برخی معتقدند هسته اولیه هنر، برگرفته از نخستین تجربه‌های انسانی بود که به تدریج در اثر گسترش و تغییر مکان-ها تغییر یا انواع جدید آن شکل یافته است و بر همین اساس، هنر، زبان مشترک انسان‌هاست. از میان انواع هنر، نمایشنامه، در شکل امروزی‌اش، نوع جدیدتر محسوب می‌شود که به نظر می‌رسد با توجه به ساختار و هویت خود، از ظرفیت بالاتری در ایجاد رابطه بین ملت‌ها برخوردار است؛ صحنه‌ها، تصاویر، شخصیت‌ها، بیان حالات، گفتگوها و مضامین مندرج در آن به گونه‌ای است که در جلب توجه مخاطب از توانمندی‌های ویژه‌ای برخوردار است؛ لذا می‌توان گفت که نمایشنامه در برقراری رابطه و انتقال مفاهیم از انواع مفید و مؤثر هنر محسوب می‌شود.

نوشته حاضر بر آن است تا با توجه به ضرورت تقویت رابطه فرهنگی و گفتگو بین ایران و کشورهای همسایه عربی، نقش نمایشنامه را در این مسیر مورد بررسی قرار دهد و به این پرسش اساسی پاسخ گوید که نمایشنامه چگونه می‌تواند در ایجاد چنین رابطه‌ای و یا تقویت آن مؤثر واقع شود. نتایج نشان می‌دهد در صورتی که متون نمایشی با هدف تقویت گفتگو طرح یا اجرا شوند و انتقال متقابل آن به درستی صورت پذیرد به تحقق هدف مذکور کمک خواهد نمود.

کلیدواژگان: نمایشنامه، ایران، همسایگان، گفتگو، گفتمان فرهنگی.

ملاحظاتى دربارهٔ توصیف خلیج فارس و دریای عمان در کتاب

حدود العالم

دکتر حمیدرضا پیغمبری^۱

چکیده

با جستجو در منابع و نقشه های کهن متوجه می شویم که سراسر پهنهٔ آبی جنوب فلات ایران در گذشته تنها یک دریا شناخته می شده و بخش هایی که امروزه خلیج فارس و دریای عمان نامیده می شوند، دو پهنهٔ آبی مستقل از هم نبوده اند. به دیگر سخن، در آغاز نام هایی کلی تر چون دریای پایین، دریای اریتره و دریای اعظم که بر تمام آبهای منطقه اشاره داشت برای خلیج فارس و آب های پیرامون آن به کار می رفت. در دوران اسلامی نیز در آغاز، بخش بزرگی از بزرگ ترین دریا یعنی دریای اعظم را دریای پارس می نامیدند اما به تدریج دریای پارس به خلیج های کوچک تری تقسیم شد.

در میان منابع فراوان جغرافیایی اسلامی، کتاب حدود العالم شکل بحث برانگیزی از این تقسیم بندی تازه ارائه می دهد و در این پژوهش برای پاسخ دادن به این سوال که چه مسایلی منجر به نامگذاری جداگانهٔ دو خلیج عمان و خلیج فارس گردیده، بر توصیفات دریایی اثر یاد شده تکیه شده است.

کلیدواژگان: خلیج فارس، دریای عمان، دریای اریتره، دریای اعظم، حدود العالم.

مطالعه تطبیقی «موضوع عشق» در امثال و حکم عربی و فارسی (با

تکیه بر نظریه بینامتنیت)

حامد توکلی دارستانی^۱

چکیده

حوزه اندیشه و کتابت، همواره محل تلاقی و برخورد اندیشه ها و آراء مختلف و متفاوت بوده است؛ شاعران و نویسندگان، با تاثیر پذیری از متون پیشینیان، و البته با توجه به خلاقیت و قدرت هنری خویش، آثاری را خلق کرده اند که در ضمن استقلال هنری، تاثیر دیگر آثار ادبی نیز، در آنها نمود یافته است؛ در این پژوهش، قصد داریم تا روابط بینا متنی، میان امثال و حکم عربی و فارسی را در رابطه با موضوع «عشق» مورد بررسی قرار دهیم. فرضیه این جستار؛ تاثیر پذیری این دو زبان در حوزه «امثال و حکم» از یکدیگر است و بر اساس امثال و حکم مشترکی که میان این دو زبان در رابطه با موضوع «عشق» وجود دارد؛ سعی کرده ایم که آنها را از میان متون مرجع عربی و فارسی استخراج نماییم و مشترکات و افتراقات معنایی و بلاغی آن ها را نشان دهیم که نتیجه آن: وجود «مضامین» مشترک میان امثال و حکم عربی و فارسی؛ وجود استقلال و افتراق میان نوع «بیان» در امثال و حکم عربی و فارسی، و همچنین وجود نوعی «توارد» در میان این امثال و حکم است.

کلیدواژگان: امثال و حکم، بینامتنیت، توارد، ضرب المثل عربی، ضرب المثل فارسی.

خلخال شوم: اثری شاخص در انعکاس مختصات ادبیات اقلیمی

بوشهر

دکتر سید ناصر جابری^۱ و دکتر زهره ملاکی^۲

چکیده

ادبیات اقلیمی یکی از انواع و گونه‌های قابل تأمل در ادبیات معاصر است و امروزه در برخی از متون تاریخ ادبیات معاصر آن را به عنوان یکی شاخه‌های قابل تفکیک با مشخصات منحصر به فرد پذیرفته‌اند. داستان بلند «خلخال شوم» اثری با ویژگی‌های برجسته ادبیات اقلیمی است که تا کنون از این نظر به آن توجهی نشده است. اگرچه توجه به زبان و عناصر بومی در دیگر آثار ادبی جنوب دیده می‌شود و این ویژگی برای این اثر منحصر به فرد نیست، اما نحوه نمود و بروز آن قابل تأمل است. از این نظر می‌توان «خلخال شوم» را اثری در خدمت زبان و فرهنگ بومی به شمار آورد؛ متنی که مخاطب را به جستجوی برخی واژگان و اماکن تشویق می‌کند و اهمیت آن‌ها را به شکل عمیق و رازآلودی گوشزد می‌نماید. روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر جستجو و تعیین واژگان، ترکیبات و اصطلاحات بومی بوده و انتخاب شواهد بر اساس آشنایی و آگاهی مؤلفان از لهجه بوشهری شکل گرفته است و در مواردی که معنای واژه یا اصطلاحی دشوار و مبهم بوده، به روش جستجو در فرهنگ لغات، استفاده از فضای مجازی و پرسش از صاحب‌نظران آن ابهام یا مشکل مرتفع گردیده است. نتیجه این تحقیق این است که علاوه بر نشان دادن وجوه ادبیات اقلیمی در داستان «خلخال شوم»، واژگان، ترکیبات و اصطلاحات بومی آن را برای خوانندگان ناآشنا تعریف می‌کند.

کلیدواژگان: ادبیات اقلیمی، داستان بلند، ادبیات بوشهر، «خلخال شوم».

۱ - استادیار دانشگاه خلیج فارس؛ Jaberi.naser@gmail.com

۲ - استادیار دانشگاه خلیج فارس

بررسی جریان سیال ذهن در رمان "طیور ایلول" اثر املی نصر الله

دکتر امید جهان بخت لیلی^۱ و فاطمه وارسته^۲

چکیده

نویسندگان مدرن برای کشف و آشکار سازی ضمیر پنهان شخصیت‌های داستانی به ابداع شگردهایی در داستان‌نویسی دست می‌یازند. «جریان سیال ذهن»، یکی از روش‌های نوین در روایت داستان است که در حال حاضر از مهمترین شیوه‌های روایت داستان و رمان روانشناختی محسوب می‌شود. رمان «طیور ایلول» از جمله آثار ممتازی است که توسط ادیب معاصر لبنانی؛ املی نصر الله، با این شیوه رمان‌نویسی نگاشته شده است. مقاله حاضر بر آن است که رمان «طیور ایلول» را، از منظر انطباق با معیارهای داستانی «جریان سیال ذهن» مورد بررسی قرار دهد، و در صدد پاسخگویی به این پرسش است که: با توجه به کدامین مصادیق، می‌توان رمان «طیور ایلول» را در زمره داستان‌های «جریان سیال ذهن» جای داد؟

با عنایت به نتایج تحقیق، می‌توان گفت که نویسنده در رمان مذکور، وظیفه انتقال بخش‌هایی از داستان را به عهده گفتگوها از جمله: تک‌گویی درونی نهاده و بدین وسیله به خواننده اجازه می‌دهد تا مستقیم و بدون دخالت راوی در جریان افکار و احساسات شخصیت‌های رمان قرار گیرد. همچنین طرح داستان، مرزهای زمان و مکان متعارف را در می‌نوردد و خواننده تنها از طریق واگویه‌های شخصیت‌ها، می‌تواند به طور نسبی، به درک آن نایل آید. استفاده از «اسطوره»، «تداعی» و... نیز به نمایش ذهنیات شخصیت‌ها کمک نموده تا بدین وسیله بتواند بین جهان عینی و ذهنی ارتباط برقرار کرده، و سیلان مداوم ذهن از خاطره و ذهنیتی به خاطره و ذهنیتی دیگر را، ترسیم و توجیه نماید.

کلیدواژگان: داستان نویسی، جریان سیال ذهن، طیور ایلول، املی نصر الله.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان؛ omidjahanbakht@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان

جلوه‌های رئالیسم عاطفی در دیوان «قصائد حب» سعاد محمد

الصباح

دکتر مهین حاجی زاده^۱ و یگانه اکبرپوراصل^۲

چکیده

رئالیسم، یکی از جریان‌های ادبی تأثیرگذار است که در جهان غرب شکل گرفت. این مکتب، موضوع خود را از جامعه معاصر و رویدادهای آن می‌گیرد و زاینده شرایط فکری و اجتماعی خاصی است. رئالیسم در واقع، واکنشی در برابر عقاید افراطی رومانتیست‌ها در عاطفه و خیال بود. جهان عرب، بعد از جنگ جهانی متوجه این نوع از ادبیات شد و موجب گردید شاعران و ادیبان بیش از پیش مسائل و مشکلات جامعه و واقعیت‌ها و کاستی‌های زندگی را در آثار خود منعکس کنند. یکی از مشکلات جوامع عرب در طول تاریخ، نوع نگاه به زن و سلب آزادی بیان و دیگر محدودیت‌های وی می‌باشد و به همین خاطر، شاعران در اشعار خود فریاد دادخواهی و عدالت را سر دادند و خواستار حقوق برابر زن با مرد شدند. از جمله این شاعران، سعاد محمد الصباح، شاعر معاصر کویتی می‌باشد که اندیشه و افکار خود را در این راه صرف کرده و در سروده‌های خود فریاد آزادی و عدالت برابر را سر می‌دهد. جستار حاضر در صدد است جنبه رئالیسم عاطفی اشعار بانو سعاد الصباح را به شیوه توصیفی-تحلیلی مورد بررسی و کاوش قرار دهد. قصایدی که به حق دغدغه‌ها و مسایل جامعه شاعر را در لابه‌لای احساسات و عواطف زنانه گنجانده است و نماینده بانوان در بیان خواسته‌های آنها می‌باشد. از جستار حاضر می‌توان به این نتیجه دست یافت که اندیشه‌های رئالیستی سعاد الصباح در دیوان «قصائد حب» وی، بیشتر جنبه‌های آزادی بیان و شکوفایی استعداد و موهبت نویسندگی او را نشان داده و با عاطفه پیوند خورده است.

کلیدواژگان: ادبیات معاصر عربی، رئالیسم عاطفی، سعاد الصباح، قصائد حب.

۱ دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان؛ hajjzadeh_tma@yahoo.com

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

بازتاب آراء و اندیشه های سید جمال الدین اسدآبادی در اشعار

محمد مهدی جواهری

سیده فیروزه حسینی کارکمی^۱ و دکتر محمد رضا خضری^۲

چکیده

موقعیت خاص جغرافیایی حوزه خلیج فارس و برخورداربودن از ثروتهای عظیم نفتی، این منطقه را هدف سلطه طلبی و استعمارگری غربی ها قرار داد و سبب گردید تا تاریخ پر فراز و نشیبی برای ملت های این منطقه در قرن نوزدهم رقم بخورد. در چنین شرایطی بسیاری از شاعران همچون جواهری دست به قلم برده و اشعارشان را وقف وطن و مبارزه با استعمار و استبداد قرار دادند. استراتژی جواهری بر بیداری مشرق زمین و وحدت مسلمانان استوار بود. جامعه ی ایده آل او جامعه ای بود که وحدت بر سراسر آن حاکم باشد و اختلاف های نژادی، زبانی، منطقه ای و فرقه ای بر اخوت اسلامی آنها فایق نگردد. وی تحت تاثیر افکار سید جمال، ریشه و اساس مسائل ملت های شرقی را در استبداد داخلی و استعمار خارجی یافته بود و از بین رفتن اتحاد اسلامی را، وجود حاکمان فاسد دانسته و پادزهر این درد را وحدت ملت های مظلوم شرق می دانست. در واقع مشرق موضع اهتمام مشترک جواهری و سید جمال بوده است. جواهری معضل جامعه را همچون سید جمال در چهار چیز می دانست: ۱- استبداد ۲- استعمار ۳- تفرقه ۴- عدم آگاهی و علم نسبت به نیاز زمان. بنابراین هر دو شخصیت با نهادهای گردن اندیشه های ضد استعماری و استبدادی و با تکیه بر جایگاه دین به عنوان عامل بنیادی در اصل وحدت و با آگاهی دادن به مردم، نقش مهمی در رهایی مشرق زمین از استعمار و استبداد داشتند. آنچه سطح فکری دو شخصیت را به هم نزدیک می کند روحیه آزادمندی و فرهنگ اسلامی آن دوست. این مقاله بر آن است تا با عنایت بر فرهنگ دینی و اسلامی مشترک و با رویکرد تحلیلی - توصیفی به نقد و تحلیل اشعار جواهری و تاثیر آراء و اندیشه های سید جمال بر افکار او بپردازد.

کلیدواژگان: محمد مهدی جواهری، استعمار ستیزی، وحدت، آراء و اندیشه سید جمال الدین اسدآبادی، بیداری مشرق زمین.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی؛ fffhoseini95@gmail.com

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

نقش بنیادی ترجمه در معرفی و شناخت فرهنگ و هنر ایرانی

به کشورهای حوزه خلیج فارس

سیده فیروزه حسینی کارکمی^۱ و دکتر عبد العلی فیض الله زاده^۲

چکیده

بدون شک ترجمه از مهم ترین ابزارهای تعامل و ارتباطات فرهنگی بین ملت ها به شمار می رود. ترجمه نه تنها در تبادل ارتباطات و انتقال باورها و اندیشه ها نقش مهمی دارد بلکه در شناساندن آثار فرهنگی و هنری جامعه نقش موثری ایفا می کند و از راههای لاینفک، بنیادی و مناسب در انتقال فرهنگ ها می باشد. واضح و مبرهن است که کسب دانش بیشتر با ترجمه آثار تمدن هایی که از بالاترین پیشرفت های علمی و فکری برخوردار هستند حاصل می شود. در این بین، ایران به عنوان کشوری متمدن و تاریخی با فرهنگ غنی و اصیل و دستاوردهای هنری که خاص این کشور است؛ توجه ملت ها را به کند و کاو در آثار فرهنگی و هنری، به خود جلب کرده است خصوصا کشورهای حوزه خلیج فارس که خاستگاه اسلامی و فرهنگی مشترکی با ایران دارند. ترجمه به عنوان عاملی موثر در شناساندن فرهنگ و هنر ایران به کشورهای این حوزه نقش مهمی را بازی می کند. نتایج این پژوهش نشان می دهد ترجمه گفت و گوی بین ملتها را سبب می شود و در ضمن اینکه موجبات آشنایی با فرهنگ عامه را فراهم می آورد، مؤلفه های فرهنگی را اعتلا بخشیده و سبب جهانی شدن فرهنگ می گردد. پژوهش حاضر بر آن است تا با تحلیلی عمیق، نقش مهم ترجمه را در شناساندن و عرضه فرهنگ و هنر اصیل ایران به تصویر بکشد و اینکه ترجمه چگونه سبب انتقال فرهنگی شده و در پی آن جهانی شدن فرهنگ، تداوم و ماندگاری آن را حاصل می شود.

کلیدواژگان: ترجمه، فرهنگ و هنر ایران، دستاوردهای ادبی و هنری، انتقال فرهنگ، تداوم فرهنگ.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی؛ fffhoseini95@gmail.com

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

بررسی ساختار و درون‌مایه‌های سبک شعری "ابوذیه" در

خوزستان

عبدالعزیز حمادی^۱

چکیده:

سبک شعری ابوذیه (دوبیتی) مهم‌ترین و گسترده‌ترین بخش از ادبیات شفاهی مردم عرب خوزستان را تشکیل می‌دهد که به دلیل نزدیکی به گویش مردم، بهای بیشتری به آن داده می‌شود. اکثر کلمات کاربردی در این شعر نیز، ریشه در زبان فصیح عربی دارد. در شعر عربی خوزستان به موضوعات متنوعی پرداخته می‌شود اما رکن اصلی و اساسی در این شعر مدح و رثای اهل بیت (ع) است. واز لحاظ فرم و ساختار، ابوذیه (دوبیتی) رایج‌ترین قالب شعری می‌باشد. ابوذیه، دارای چهار مصرع است که سه مصرع اولش از سه جناس تام تشکیل شده و هر کدام یک معنای خاص دارد و در آخر هم با یک مصرع، و با لفظ «ایه» تمام می‌شود. ابوذیه از بحر «وافر» است و وزن آن «مفاعلتن، مفاعلتن، فعولن» می‌باشد. سرآمدترین شاعر این فن، مرحوم ملا فاضل سکرانی است که شهرتی فرا ملی داشته و در ابوذیه‌های خود از صنایع بدیعی بسیار بهره برده است.

در این پژوهش با روشی توصیفی - تحلیلی، به معرفی ساختار و درون‌مایه‌های "ابوذیه" در شعر عامیانه مردم عرب خوزستان خواهیم پرداخت. این نوع شعر که به دلیل تداعی سریع قافیه‌ها و ردیف‌ها رواج زیادی دارد، در پند و اندرز، ابراز عشق، گله‌گذاری، مدح و رثای اهل بیت (ع)، ابراز اندوه، تهییج احساسات و غیره به یک رسم دیرینه در میان شاعران و فرهنگ‌مداران عرب رایج بوده است. و با وجود پیروی از شعر قدیم، برخی تغییرات و نوآوری‌ها در قالب‌ها و اغراض شعری و نیز در سبک و روش داشته است.

کلید واژگان: شعر عامیانه؛ ابوذیه؛ خوزستان؛ زبان عربی.

بازتاب مسائل اجتماعی و انسانی در اشعار منوچهر آتشی

فاطمه حیات داودی^۱ و دکتر عبدالمجید محقق^۲

چکیده

جامعه‌گرایی و تعهدی که شاعران نسبت به مردم و اجتماع خود دارند یکی از ویژگی‌های اساسی شعر معاصر فارسی است. یکی از شعرای معاصر که در اشعار خویشتن بازتاب گسترده‌ای از مسائل اجتماعی و انسانی دوره‌ی خود داده است، منوچهر آتشی می‌باشد. با دقت در زبان شعری وی به سادگی می‌توان عوامل مؤثری را که بر اندیشه و شناخت وی از دنیای اطرافش نقشی بسزا داشته دریافت. زمینه‌ی اصلی شعرهای وی عواطف ناشی از تأثرات اجتماعی است و تفکرش این‌جهانی و انسان‌مدارانه است، حتی سمبل‌های شعر او نیز برخوردار از چنین خصیصه‌ای است. وی دردهای انسانی را با اشکال مختلف آن در اشعارش به تصویر کشیده و باعث شده که اشعارش از اعتباری انسانی و اجتماعی برخوردار باشد. همین دید واقع‌بینانه و منتقدانه‌ای که وی نسبت به دردها و بی‌عدالتی‌های مسلط بر جامعه داشته، سبب شده تا به بهترین وجه آنها را در اشعارش بازتاب بدهد. در حقیقت انعکاس تجربه‌های مستقیم وی او را به عنوان شاعری متعهد و اجتماعی زبانزد همگان نموده است. در این نوشتار زبان و اجتماع، عناصر اجتماعی و انسانی اشعار آتشی، عنصر آگاهی‌بخشی، اصالت انسان، استبدادستیزی و آزادی‌خواهی، یأس و ناامیدی و توجه به مرگ، اصالت اراده و اختیار آدمی و طبیعت‌گرایی انسان‌گرایانه مورد مطالعه قرار گرفت و نتایج حاصل شده، نشان می‌دهد که آتشی شاعری است که در بطن جامعه‌ی معاصر زندگی کرده، نسبت به مردم و اجتماع خود متعهد بوده است.

کلید واژگان: جامعه، مسائل اجتماعی و انسانی، ادبیات، شعر معاصر، منوچهر آتشی.

۱. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد؛ hayatdavoodi.fatemeh@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه دولتی یاسوج

بازتاب رنگ محلی در اشعار شاعران بوشهر

فاطمه حیات داودی^۱، دکتر عبدالمجید محقق^۲ و میترا اکبرزاده^۳

چکیده

شعر معاصر فارسی را می‌توان با محک‌های اقلیمی و رنگ محلی مورد مطالعه‌ی دوباره قرار داد. مصادیق مربوط به بازتاب اقلیمی در ادبیات بیشتر در مباحثی چون رنگ محلی یا بومی در پژوهش‌ها دیده می‌شود که در سه سطح از مطالعه زبانی، بیانی و باورداشت‌ها قابل بررسی است. برای این منظور با بررسی نمونه‌هایی از اشعار شاعران بوشهر صورت و محتوای اشعارشان بررسی شده و به رابطه‌ی شعری شاعران با محیط طبیعی، زبان و فرهنگ پیرامون و چگونگی بازتاب مسائل بومی و شیوه‌های نگرش آنان خواهیم پرداخت.

با بررسی اشعار شاعران بوشهر نتایج بسیار درخور توجهی درباره تأثیر عنصر محیط بر شکل و محتوای اثر آنان به دست خواهد آمد. ابعاد این تأثیرپذیری بلاغی برگرفته از واقعیتی است که در محیط اطراف شاعر جریان داشته به شعرشان اصالتی بومی و خلأقانه بخشیده است. در این نوشتار انواع شگردهای بیانی در تأثیرپذیری از طبیعت بومی و پیرامون شاعر بررسی خواهد شد. نتایج نشان می‌دهد که شگردهای بیانی در اشعار این شاعران بیشتر ابژکتیو(عینی) است تا سوژکتیو(ذهنی). همچنین رنگ محلی در شعر این شاعران در سه سطح زبانی، بیانی و باورداشت‌ها قابل بررسی است.

کلیدواژگان: شعر معاصر، شاعران بوشهر، رنگ محلی، شگردهای بیانی.

۱. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد؛ hayatdavoodi.fatemeh@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه یاسوج

۳. کارشناسی ارشد و مدرس حق التدریس دانشگاه آزاد واحد سما

نقش گروه‌های عربی در شکوفایی شاخه‌های مختلف گردشگری

الهام خادمی^۱

چکیده

گردشگری مجموعه تعامل‌هایی است که در فرایند جذب و مهمان‌داری، از کشور مبدأ تا کشور مقصد صورت می‌گیرد. حدود یک چهارم مرزهای ایران را کشورهای عربی تشکیل می‌دهند. سالانه شاهد سفر عرب زبان‌های بسیاری به قصد زیارت، سیاحت، درمان، آموزش، دیدار اقوام و آشنایان، سرمایه‌گذاری و ... به کشورمان می‌باشیم. با توجه به شرایط و پتانسیل موجود برآنیم تا زمینه‌های ارائه خدمات گردشگری را تحلیل و ارزیابی کنیم. این خدمات به‌وجودآورنده زمینه‌های اشتغال برای دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های زبان عربی، گردشگری و سایر رشته‌های مرتبط با توریست محسوب می‌شود. مشاغلی همچون مترجم، راهنمای گردشگری، مسئول ترانسفر، مسئول رزرو هتل و دیگر خدمات درخواستی مسافران عرب زبان. مطالعات توصیفی و تحلیلی و تجربه، حاکی از آن است که رونق گردشگری عربی و موفقیت در این زمینه متضمن بهره‌مندی از علمی میان‌رشته‌ای است؛ یعنی تلفیق علوم مکالمه زبان عربی، بازاریابی و گردشگری. **کلیدواژه‌ها:** مکالمه عربی، گردشگر عربی، اشتغال، گردشگری.

آرایه های بلاغی در شعر ابوعطا اَفْلَحُ بنُ یَسَارِ السَّنْدِی (؟ - ۱۸۰ هـ -

(ق)

دکتر مهدی خرمی^۱

چکیده

«ابوعطا اَفْلَحُ بنُ یَسَارِ السَّنْدِی» یکی از عربی سرایان حوزه خلیج فارس و دریای عمان است که همراه پدر از حاشیه سِند به کوفه مهاجرت کرد و به امویان پیوست، ابوعطا به دلیل لکنت زبانی که داشت کاتب ماهر و گرفت تا راوی اشعارش باشد یا عنداللزوم اشعار را برمدوحان شاعر بخواند و او را عطا نامید و از همین روی مُکَنّی به ابوعطا گردید، با روی کار آمدن عباسیان سعی داشت خود را به ابوالعباس سفاح نزدیک کند لذا به مدح آنان و مذمت امویان پرداخت اما سفاح توجه چندانی به وی نشان نداد و شاعر هم در پی هجو عباسیان برآمد، در خلافت منصور نیز زمینه راهیابی شاعر به دربار خلافت مهیا نشد لذا تا فوت خلیفه، در اجتماع ظاهر نگردید اما مدتی پس از فوت خلیفه او هم درگذشت. شعر اندک وی که از دو دوره اموی و عباسی به ما رسیده حکایت از آن دارد که شاعر در فنون مختلف شعری مثل مدح و رثا، هجا، حکمت، غزل و بدیه سرائی مهارت داشته، از مدایح شاعر، قصیده ای است در وصف بنی هاشم و بیان حال آنان. صاحب نظران معتقدند بدلیل این که شاعر اهل خمر هم بوده احتمالاً خمریات او از قلم افتاده و به ما نرسیده اند. از ویژگی های شعر ابوعطا، فصاحت الفاظ و سهولت ترکیب است با شمه ای از سبک شعر قدیم به ویژه شعرا صاحب مقلات، با الفاظ و مضامین جاهلی و آشکال متفاوت تشبیه، مجاز و استعاره که در متن مقاله به آنها خواهیم پرداخت.

کلیدواژگان: شعر عربی، خلیج فارس و دریای عمان، بلاغت، ابوعطا اَفْلَحُ بنُ یَسَارِ السَّنْدِی.

مطالعه تطبیقی سفال‌های اشکانی به دست آمده از کاوش‌های شبه

جزیره عمان

با تمرکز بر داده‌های سفالی سایت‌های دبا، ملیحا و اددور

دکتر علیرضا خسروزاده^۱، سامر نظری^۲ و مرضیه شعرباغ^۳

چکیده

طی دهه‌های اخیر کاوش‌ها و بررسی‌های متعددی در کشورهای حوزه‌ی جنوبی خلیج فارس و مناطق پیرامونی دریای عمان انجام گرفته و در این میان محوطه‌های باستانی متعددی مرتبط با دوره‌ی اشکانی شناسایی شده است. هدف از این پژوهش معرفی و شناخت سفال‌های اشکانی مناطق شرقی شبه‌جزیره‌ی عربستان با توجه به یافته‌های سفالی سایت‌های باستانی هم-جوار با تنگه‌ی هرمز است. با توجه به موقعیت استراتژیک تنگه، شناخت سفال‌های اشکانی می‌تواند به درک بیشتر تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این حوزه‌ی جغرافیایی در زمان اشکانیان کمک نماید. مهم‌ترین محوطه‌های کاوش شده در این راستا مناطق دبا، ملیحا و اددور می‌باشند که هر سه در داخل مرزهای سیاسی امارات متحده‌ی عربی قرار دارند. مقاله‌ی پیش رو در صدد است بر مبنای داده‌های سفالی ارائه شده از این محوطه‌ها، به بررسی ارتباطات تجاری دوره‌ی اشکانی با مناطق هم‌جوار بپردازد. سفال‌های اشکانی این حوزه به گونه‌های لعاب‌دار، مقوش و سیاه-خاکستری تقسیم‌بندی شده است. شکل بیش‌تر سفال‌ها کوزه، کاسه، بطری، تنگ، دیگچه و بشقاب‌ماهی است. مطالعه‌ی سفال‌های به دست آمده نشان می‌دهد که بخشی از آن‌ها تولید محلی و بخش بیش‌تری وارداتی است که قابل‌مقایسه با سفال‌های مناطق وسیع فرهنگی شامل بخش‌هایی از جنوب‌شرق و جنوب‌غرب ایران، محوطه‌های باستانی بین-النهرین و سواحل جنوبی خلیج‌فارس هستند. برای مثال گونه‌ی لعاب‌دار اشکانی مناطق مورد بررسی، شباهت زیادی با گونه‌ی لعاب‌دار محوطه‌های خوزستان و جنوب بین‌النهرین دارد.

۱. استادیار باستان‌شناسی، دانشگاه شهرکرد، ایران

۲. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان؛ nazarisamer@yahoo.com

۳. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان

سفال منقوش آن نیز مشابه سفال جنوب شرق ایران است و گونه‌ی سیاه-خاکستری با سفال مناطق شمالی خلیج فارس و جزایر ابوظبی در جنوب خلیج فارس همانندی دارد. هرچند نفوذ فرهنگ سفالگری بین‌النهرین، جنوب غرب و جنوب شرق ایران را در سفال‌های اشکانی شبه جزیره‌ی عمان می‌توان مشاهده کرد لیکن ویژگی‌هایی که نشانه‌ی محلی بودن آن‌ها و خاص این حوزه‌ی فرهنگی است، در میان آن‌ها دیده می‌شود. پژوهش پیش رو به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و بر مبنای نتایج حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی و مطالعه‌ی تطبیقی داده‌های سفالی با مناطق هم‌جوار تدوین شده است.

کلیدواژه‌گان: حوزه‌ی جنوبی خلیج فارس، شبه جزیره‌ی عمان، اشکانی، سفال.

بررسی تأثیر کلیله و دمنه بر ادبیات عربی

دکتر علی خضری^۱

چکیده

کلیله و دمنه که از شاهکارهای جاویدان اخلاقی جهان است، در قرن دوم هجری توسط عبدا... بن مقفع، ادیب فرزانه‌ی ایرانی با هدف اصلاح اوضاع اجتماعی خود از زبان پهلوی به زبان عربی ترجمه شد. با ترجمه این کتاب، ادبیات عربی با سبک تازه‌ایی آشنا شد و شاعران و نویسندگان عرب زبان، به خاطر سبک تازه و شیوایی و بلاغت نثر مترجم، توجه و عنایت خاصی به آن نشان دادند.

گروهی از شاعران همچون ابان اللّاحقی و ابن هبّاریّه جهت سهولت در حفظ مفاهیم ارزنده‌اش آن را به رشته نظم درآوردند و برخی از نویسندگان همچون سهل بن هارون، عزالدین عبدالسلام و... نیز پندها، آداب و اندیشه‌های مطرح شده‌ی آن را آموختند و در نمونه‌هایی که خود بر این اساس پرداختند از روش آن سود جستند و شیوه‌های هنریش را سرمشق قرار دادند. لذا این نوشتار سیر تحول و زوایایی از تأثیر این کتاب را در گستره‌ی ادبیات عربی به تصویر می‌کشد.

کلیدواژگان: ابن مقفع، کلیله و دمنه، سیر تحول، تقلید، ادب عربی.

نگرشی بر تهذیب اخلاق در کلیله و دمنه ابن مقفع

دکتر علی خضری^۱

چکیده

کلیله و دمنه اثری ادبی- تمثیلی است به زبان حیوانات که در قرن دوم هجری به قلم عبدالله بن مقفع ادیب فرزانه ایرانی، با هدف اصلاح اوضاع اجتماعی و سیاسی عصر خود، از زبان پهلوی به زبان عربی ترجمه گردید. جهان‌بینی حاکم بر این کتاب مبتنی بر خردورزی، دوران‌اندیشی، دادپسندی و چاره‌اندیشی است. ما در این جستار با روشی توصیفی-تحلیلی برآنیم مهم‌ترین پیام‌ها و پندهای اخلاقی این اثر ادبی را در ترجمه ابن مقفع مورد بررسی قرار دهیم. در این راستا به مسائلی چون پرهیز از هوای نفس و خیانت و حرص، دل‌نستن به دنیا، علم‌آموزی، رازداری و... پرداخته می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که مسأله تهذیب اخلاق یکی از درونمایه‌های اصلی این کتاب است. بسیاری از داستان‌های کتاب به این اعتقاد به رشته تحریر درآمده است که عبور از بیماری‌های نفسانی و تیرگی‌های شیطانی و آراستگی به اخلاق نیکو و لطافت فضایل و مکارم، انسان را قادر می‌سازد که به دریافتش از خود و خالقش روشنی بخشد و در مسیر رشد و هدایت، حجاب‌های راه را در نوردد و واقعیت را آنچنان که هست، درک کند.

کلیدواژگان: ادبیات عربی، تهذیب اخلاق، ابن مقفع، کلیله و دمنه.

فراخوانی شخصیت‌های مقاومت در شعر محمود درویش

دکتر علی خضری^۱ و نجمه ایزدی^۲

چکیده

هنر فراخوانی شخصیت‌ها از جمله مسائل مهمی است که مورد توجه شاعران معاصر عربی قرار گرفته و بازتاب بسیاری در آثارشان داشته است. محمود درویش از جمله شاعرانی است که در جای جای آثارش از این هنر بهره برده و سعی داشته اهداف خود را از این رهگذر بیان کند؛ چرا که خفقان سیاسی و اوضاع اجتماعی حاکم بر جامعه به او اجازه نمی‌دهد تا اهدافش را آشکار و واضح بیان نماید.

یکی از ویژگی‌های موثر در اشعار محمود درویش فراخوانی شخصیت‌های مقاومت است. ما در این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی در پی بررسی این نوع شخصیت‌های مقاومت در شعر شاعر هستیم. در واقع او در اشعارش توانسته است با بیانی غیر مستقیم فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر کشورش که آکنده از درد و رنج است را به تصویر بکشد و در این راستا با استفاده از هنر فراخوانی شخصیت‌های مقاومت همچون حضرت محمد(ص)، امام حسین(ع)، حضرت ایوب(ع) و ... ویژگی برجسته و متمایزی را به اشعارش ببخشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که فراخوانی صورت گرفته در شعر محمود درویش یک فراخوانی هدفمند است که هدف شاعر بالا بردن حس اسلامی و ملی در میان مردم برای دفاع از آرمان‌های اسلامی و انسانی است.

کلیدواژگان: ادبیات معاصر عربی، مقاومت، محمود درویش، فراخوانی شخصیت‌ها.

۱. استادیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر؛ alikhezri84@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

عاطفه، غالب‌ترین عنصر شعریت در اشعار فایز دشتستانی

دکتر فریده داودی مقدم^۱ و دکتر طاهره اختری^۲

چکیده

فایز دشتی یا دشتستانی، از شاعران و ترانه‌سرایان جنوب ایران و از نمایندگان اشعار فولکلوریک و ادبیات عوام و بومی این منطقه است. برخی او را با احساس‌ترین شاعر عوام و مردمی خوانده‌اند. با نگاهی کلی به دوبیتی‌های فایز، می‌توان حضور عاطفه و احساس لطیف و ذوق شاعرانه او را دریافت؛ به حدی که می‌توان وجه غالب در شعریت کلام او را عاطفه سرشار وی دانست که در بسیاری از واژه‌های شعر او موج می‌زند.

در شعر فایز، آرایه‌های بدیعی ویژه یا صور خیال نو و هنجارگریزی‌های شعر معاصر نمود چشمگیری ندارد و استعاره‌ها و تشبیه‌های وی همان تکرار تصویرهای گذشته یا بنمایه‌های شعر کلاسیک فارسی است. اما آنچه که موجب زیبایی و گیرایی شعر او شده است، زبان بینهایت عاطفی و مؤثر و بیان موتیف‌های آشنا در بستری سوزناک و در عین حال صمیمی، ساده و مردمی است که اندیشه مخاطب را در فضای شاعرانه‌ای به پرواز درمی‌آورد و به افق‌های بیکران معناهای درونی و ژرف زندگانی می‌کشاند.

از این رو، این پژوهش با بررسی و واکاوی اشعار فایز دشتستانی به توصیف، تفسیر و تبیین عنصر عاطفه با در نظر گرفتن شاخصه‌های عاطفی شعر فارسی می‌پردازد با این هدف که اثبات نماید، آنچه موجب شده است که وی را با احساس‌ترین شاعر عوام و مردمی بنامند، وجود همین عاطفه سرشار و پیوند با دغدغه‌های درونی مردم و بیان صمیمی آنهاست.

روش این پژوهش تحلیل محتوا و از نوع تحلیل محتوای مضمونی یا تحلیل مفهومی است که در آن تحلیل مفهومی اشعار ناظر بر فراهم آوردن تفسیرهای مناسب برای تعیین شاخصه‌های عاطفی شعر فایز و مقوله بندی آنها و در نهایت تبیین اشعار این شاعر نامدار جنوب ایران از این منظر است.

کلیدواژگان: فایز دشتستانی، عاطفه، صورخیال، دوبیتی.

۱. استادیار دانشگاه شاهد؛ fdavoudy@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه شاهد.

ژئوپلیتیک ورزش و تاثیر آن بر دیپلماسی روابط همجواری

«مطالعه موردی ایران و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس برای جام جهانی ۲۰۲۲

قطر»

سید محمد تقی رئیس السادات^۱، دکتر افشین متقی^۲ و دکتر عطا اله عبدی^۳

چکیده

ورزش، امروزه یکی از تاثیر گذارترین موضوعات در مسائل اجتماعی و سیاسی است و به عنوان یکی از مباحث مهم در روند صلح در عرصه‌های ملی و فراملی مطرح می‌باشد. یکی از فضاهاى اثرگذاری ورزش، در مناطق همجوار جغرافیایی است که مناسبات سیاسی آنها، تحت تاثیر رقابت‌های ژئوپلیتیک قرار دارد. حوزه خلیج فارس، به‌عنوان یکی از این فضاها، به لحاظ وجود منابع انرژی و همچنین جایگاه استراتژیک آن، در سطح منطقه و جهان اهمیت دارد. پس از انقلاب اسلامی در ایران، تنش‌های مختلفی میان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و ایران به وجود آمد که بعضی از آنها تا به امروز نیز ادامه دارد. بسیاری از این تنش‌ها به مسابقات ورزشی نیز کشیده شده است. از این رو، کشیده شدن رقابت‌های سیاسی در فضاهاى جغرافیایی به مسابقات ورزشی را می‌توان تحت عنوان ژئوپلیتیک ورزش بررسی کرد. مقاله حاضر در چارچوب ژئوپلیتیک ورزش و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی مناسبات قدرت در عرصه سیاست و ورزش در حوزه خلیج فارس پرداخته است و فرصت‌ها و تهدیدهای مسابقات جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ قطر بر دیپلماسی روابط همجواری کشورهای منطقه را تبیین نموده است. نتایج نشان می‌دهد رقابت‌های ورزشی با وجود آنکه می‌تواند در برخی موارد باعث بهبود و تقویت روابط همجواری شود، اما در بسیاری از موارد هم تحت تاثیر مسائل ژئوپلیتیکی، تنش‌آفرین می‌شود.

کلیدواژگان: ژئوپلیتیک ورزش، خلیج فارس، ورزش فوتبال، روابط همجواری.

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی؛ smt.raissadat@gmail.com

۲. استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

۳. استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

کارکرد ترجمه در ایجاد تعامل بین ایران و همسایگان عربی با توجه به تجربه تاریخی آن

دکتر فرهاد رجبی^۱

چکیده

ترجمه، به عنوان پلی ارتباطی بین ملت‌ها، همواره زمینه‌ساز انتقال تجربه‌ها بوده است. این انتقال در صورت تداوم، می‌تواند از صرف نقل یک متن به بستری مناسب جهت ایجاد تعامل تبدیل شود.

تجربه تاریخی، در اثر نهضت ترجمه، به ویژه در دوره عباسی که مصادف است با شکل‌گیری دوره طلایی تمدن اسلامی، نشان می‌دهد استفاده از دستاوردها و ظرفیت‌های دیگر ملت‌ها می‌تواند به ایجاد توسعه و شکوفایی در سطوح مختلف بیانجامد. لذا به نظر می‌رسد امروز نیز ترجمه بتواند با به کارگیری شیوه‌های نوین و توانمندی‌های موجود در متون ادبی، دری جدید را در سطح روابط فرهنگی بین ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس و در شکلی وسیع‌تر جهان عربی ایجاد کند. البته در این مسیر موانع و چالش‌ها را نیز نباید از نظر دور داشت؛ چنان که مثلاً غلبه حکومت‌های دیکتاتوری، فقدان تولیدات فرهنگی و وجود تعارضات متعدد انگیزشی و دیگر مؤلفه‌ها از عواملی است که نقش ترجمه را در تحقق اهدافش تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نوشته حاضر بر آن است با بررسی کارکرد تاریخی ترجمه متون، از فارسی به عربی و نقش‌آفرینی مترجمان برجسته، جایگاه ترجمه را در ایجاد تعامل بین ایران و همسایگان عربی، مورد بررسی قرار دهد. نتایج احتمالی مثبت و چالش‌های فرا رو را مطالعه کرده با ارائه راهکارهایی به کارکرد ترجمه در تحقق این هدف بپردازد. نتایج نشان می‌دهد تلاش‌های به عمل آمده در این حوزه تاکنون نتوانسته است به نتایج مطلوب ختم شود و تحقق این هدف نیازمند بازنگری و تلاشی مضاعف در امر تأثیر گذاری ترجمه با توجه به تجربه تاریخی گذشته است.

کلیدواژگان: ترجمه، همسایگان عربی، زبان فارسی، تعامل، فرهنگ.

جابجایی جمعیتی ایلات خمسه و تأثیرات مهاجرت بر ویژگی‌های زبانی این اقوام

دکتر اسحاق رحمانی^۱ و فاطمه برزگر^۲

چکیده:

سرزمین ایران از زمان گسترش اسلام توسط مسلمانان در ارتباط چندجانبه با اعراب بوده و نتیجه این تعامل با یکدیگر مهاجرت اقوام عرب زبان از سرزمین های نجد و عمان به کشور ایران بوده است. این مهاجرت در زمان امویان و عباسیان و از طریق شهرهای جنوبی صورت گرفته و به سکونت ایشان در استان هایی از جمله فارس منجر گردیده است. برخی از این اقوام به شکل زندگی عشایری به حیات خود ادامه دادند تا اینکه به عنوان شاخه مهمی از ایلات خمسه محسوب شدند. علی رغم تعصبی که این اقوام بر زبان و فرهنگ خود داشته اند؛ اما زبان و گویش آنها به ناچار در اثر مجاورت با شهرهای فارسی زبان دستخوش تغییر و دگرگونی شد. در این پژوهش برآنیم تا با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی برخی تأثیرات زبانی که در اثر همجواری با فارسی زبانان در زبان عربی ایلات خمسه رخ داده است بپردازیم. از دستاوردهای این پژوهش می توان به امتزاج لغوی و بعضاً دستوری و صوتی زبان عربی خمسه با زبان فارسی و تأثیرپذیری فرهنگی این ایلات از محیط فارسی اشاره نمود.

کلیدواژگان: جابجایی جمعیتی، ایلات خمسه، مهاجرت، ویژگی‌های زبانی.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شیراز

۲. کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز؛ fbarzegar1170@gmail.com

نقش گروه‌های عربی در شکوفایی شاخه‌های مختلف صنعت گردشگری

دکتر رقیه رستم پور^۱ و مهناز اعتضادی فر^۲

چکیده:

در بسیاری از دانشگاه‌های ایران، نخبگان و دانش پژوهان و زبان آموزان فراوانی به فعالیت مشغولند که بهره‌گیری از ظرفیت و توان آنان به ویژه در تقویت گردشگری می‌تواند زمینه ساز گسترش تبادلات فرهنگی و اقتصادی کشورهای پهنه خلیج فارس باشد. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی در صدد پاسخ به این سوال است که نقش و ظرفیت گروه‌های علمی زبان و ادبیات عربی در شکوفایی صنعت گردشگری میان شمال و جنوب خلیج فارس چیست؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که در صورت تقویت نگرش کارآفرینی، تجاری سازی دانش و شکل‌گیری شرکت‌های زبان بنیان با محوریت زبان عربی، امکان بهره‌گیری از نخبگان زبان عربی در گروه‌های عربی دانشگاه‌ها به منزله پیشران صنعت گردشگری خلیج فارسی وجود دارد. توجه به شاخه‌های مختلف گردشگری زیارت، گردشگری تجاری، گردشگری طبیعی تاریخی، گردشگری سلامت، گردشگری علمی و ورزشی و نیز گردشگری دانشجویی از یکسو و ایجاد سازوکارهایی مانند طراحی درس "کاربرد زبان عربی در گردشگری ایران"، ایجاد شرکت‌های زبان بنیان با هدف شناسایی و تربیت زبان دانان ماهر و مسلط به میراث فرهنگی دو سوی خلیج فارس، برگزاری دوره‌های مهارتی تقویت گردشگری برای زبان دانان و نیز سفرهای دوره‌ای گروه‌های عربی دو طرف؛ با انعقاد تفاهم نامه‌های لازم با کمک سازمان میراث فرهنگی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و سازمان حج و زیارت و نیز رایزنی‌های فرهنگی کشورهای حوزه خلیج فارس، این امکان را برای گروه‌های عربی ایجاد می‌کند تا در عرصه‌ها و شاخه‌های مختلف به توسعه گردشگری خلیج فارسی اهتمام ورزند؛ در این راه ایجاد قطبی مناسب به صورت نمونه میان ایران و کشور عمان به منزله پایلوت پیشنهاد می‌شود.

کلید واژگان: زبان عربی، گردشگری، خلیج فارس، دانشگاه‌ها، گروه‌های عربی.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه الزهرا (س)؛ R.rostampour@alzahra.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه الزهرا (س)

بررسی تطبیقی بینامتنیت قرآنی در شعر هوشنگ ابتهاج و جواهری

دکتر حجت رسولی^۱ و سمیرا جوکار^۲

چکیده

قرآن کریم همواره در طول تاریخ، الهام بخش ادیبان در آفرینش های ادیبان بوده است و شاعران و نویسندگان از الفاظ و مضمون آیات آن در القای مفاهیم بر مخاطبان خود بسیار بهره برده اند. بحث حاضر در نقد ادبی تحت عنوان تناص و یا بینامتنیت مورد بررسی قرار می گیرد و بر آن است آفرینش متن جدید بدون ارتباط با متون پیشین امکان پذیر نیست. در واقع یکی از موضوعات جدید نقد ادبی بینامتنی است و بر انتقال معنا یا لفظ یا هر دو از یک متن به متن دیگر یا از یک اثر ادبی به اثر ادبی دیگر با اختلاف در مقصد و غایت دلالت دارد و تحت عنوان «تناص»، در نقد ادبیات عرب معروف گردیده است. این پدیده همچنان که در شعر شاعران عرب مورد توجه قرار گرفته است، در اشعار فارسی زبانان نیز مطرح شده است. هوشنگ ابتهاج شاعر معاصر ایرانی و الجواهری شاعر معاصر عرب از جمله ادیبانی بوده اند که برای تأثیرگذاری بیشتر اشعارشان از متون دینی بویژه آیات قرآن کریم بسیار بهره برده اند. پژوهندگان نگارش حاضر درصددند که به شیوه ی توصیفی - تحلیلی و با استقراء آیات قرآن کریم به بررسی چگونگی بینامتنی اشعار این دو شاعر، با قرآن کریم پرداخته و تأثیر این امر را در اشعار این دو شاعر مورد بررسی و واکاوی قرار دهند. بررسی اشعار این دو شاعر گواه آن است که گاه از مفاهیم آیات قرآن و گاه از مفردات آن الهام گرفته اند و در بعضی از ابیات نیز به شخصیت های قرآنی اشاره دارند که بر غنای اشعار و ماندگاری آنها تأثیر گذاشته است.

کلیدواژگان: قرآن، ادبیات تطبیقی، تناص، ابتهاج، جواهری.

۱. استاد دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی samira.jokar67@yahoo.com

جغرافیای سکونت ازدی‌های عمان در سواحل ایرانی خلیج فارس

در اوایل دوره اسلامی

دکتر علی رسولی^۱

چکیده

در سده‌های اولیه هجری گروه‌هایی از مردم بنی‌ازد از عمان با گذر از خلیج فارس به سواحل جنوبی ایران مهاجرت کردند. مقاله حاضر از طریق بررسی گزارشهای منابع دست‌اول به بررسی علت و زمان مهاجرت آنها و جغرافیای سکونت آنها در سواحل ایران می‌پردازد. پژوهش حاضر این پرسش را مطرح می‌کند که: «ازدی‌ها چرا و در چه زمانی از عمان مهاجرت کردند و در چه بخش‌هایی از ایران ساکن شدند؟» بررسی شواهد این فرضیه را تأیید می‌کند که «سقوط حکومت آل‌جلندی در عمان در سال ۱۷۰ هـ ق سبب مهاجرت گروه‌هایی از ازدی‌ها در اواخر قرن دوم به ایران گردید و آنها در حد فاصل تنگه هرمز تا بندر گناوه سکونت اختیار کردند.» سکونتگاه‌های آنها در بخشی از سواحل هرمزگان امروزی در حد فاصل تنگه هرمز و حوالی سیراف ابتدا سیف بنی‌صفار یا بنی‌صفاق و بعدها به نام سیف عماره خوانده شد. همچنین با ادامه مهاجرت‌ها از عمان نواحی مابین سیراف و گناوه یعنی بخش اعظم سواحل استان بوشهر امروزی هم مسکن گروه‌هایی از مهاجرین شد. این سواحل به دو منطقه مجزا تقسیم شد و تحت نفوذ شاخه‌هایی از خاندان جلندی قرار گرفت. بنی‌زهیر در نواحی میان سیراف و نجیرم و آل مظفر در نواحی میان نجیرم و گناوه سکونت اختیار کردند. این پژوهش با روش تاریخی انجام شده، و اطلاعات با تلفیقی از تکنیک‌های کتابخانه‌ای و تحقیقات شفاهی گردآوری و سپس تحلیل و تفسیر شده است.

کلیدواژگان: مهاجرت ازدی‌ها، سواحل خلیج فارس، دوره اسلامی.

جغرافیای تاریخی اقتصادی سواحل خلیج فارس در سده‌های هفتم

تا نهم هـ. ق

دکتر علی رسولی^۱ و نرگس امیری^۲

چکیده

منطقه خلیج فارس طی قرن هفتم تا اوایل قرن دهم هـ. ق شاهد ارتباطات فراوان اقتصادی و فرهنگی و سیاسی میان جوامع پیرامون این دریا در جنوب و شمال بود. این پژوهش به توصیف جغرافیای تاریخی سواحل خلیج فارس و دریای عمان در سده‌های مزبور می‌پردازد تا به این پرسش پاسخ دهد که: «شکوفایی اقتصادی سواحل خلیج فارس در این دوران بر چه زمینه جغرافیایی استوار بود؟» شواهد موجود مؤید این فرضیه است که: «نزدیکی سواحل شمالی و جنوبی این دریا به یکدیگر، دوری سواحل و بنادر از مراکز امپراتوری‌های بزرگ و سرانجام نامساعد بودن آب و هوا جهت کشاورزی گسترده عوامل جغرافیایی مهم برای ارتباطات فرهنگی و اقتصادی مردم این منطقه و در نتیجه رونق فعالیت‌های اقتصادی در آن جا بوده است.» این پژوهش به روش تاریخی انجام شده و گردآوری داده‌ها با تکنیک کتابخانه‌ای به انجام رسیده است. داده‌ها از منابع دست اول متعلق به سده‌های هفتم تا دهم هـ. ق در قالب فیش نویسی گردآوری شده، سپس مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

کلیدواژگان: خلیج فارس، دریای عمان، جغرافیای تاریخی.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس بوشهر؛ ali_rasooli58@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ گرایش مطالعات خلیج فارس دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

نقش ترجمه در انتقال فرهنگ اصیل ایرانی به تمدن عربی-اسلامی

دکتر ابوالفضل رضایی^۱، داود شیروانی^۲ و زهرا هاشمی تزنگی^۳

چکیده

اشتراکات و تبادلات فرهنگی و ادبی در دو زبان فارسی و عربی، موضوعی است که از دیرینه زمان تا به امروز علاوه بر اینکه بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران دو زبان را به اندیشه و پژوهش وا داشته، موجب ترجمه متقابل بسیاری از آثار ادبی و فرهنگی این دو ملت به زبان دیگری شده است. ناگفته پیداست که مجموعه منابعی که از عربی به فارسی در طول تاریخ ترجمه شده است بسیار زیاد است و اسباب و علل متعددی داشته است. اما پژوهشگران این بحث سعی دارند با استفاده از روش وصفی-تخلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه ای و اینترنتی به سؤالاتی نظیر این دو پاسخ دهند: ۱. چه عواملی باعث شده که آثار ادبی و غیر ادبی از فارسی به عربی ترجمه شود. ۲. روند این انتقال فرهنگی از طریق ترجمه در طول تاریخ به چه شکلی بوده است و در دوره ما چگونه دنبال می شود؟ پس از بررسی این نتیجه حاصل شد که در گذشته ترجمه از فارسی به عربی به دو هدف اساسی شکل گرفت. ۱. خلفای عرب تمایل داشتند که از تمدن ایرانی که اینک خود وارث آن هستند شناخت کافی پیدا کنند به طوری که شناخت آداب و سنن و قوانین ادارات و حکومت و راههای تعامل و ارتباط با مردم جزء مواردی بود که در ادب فارسی موجود بود و آنها بدان نیز مبرم داشتند، و این مورد از هدف دوم از اهمیت والاتری برخوردار بود. ۲. انگیزه دوم خود ایرانیانی بودند که می خواستند ضمن یادآوری افتخارات امپراطوری بزرگ پارسی، با زنده نگه داشتن میراث گذشتگان خود، در برابر عربها احساس فخر و مباهات کنند و به آنها گوشزد کنند که ما اصحاب فکر و اندیشه و تمدن بودیم و اگر عرب، به سرودن و دانستن شعر به خود می بالد و خود را برتر می داند نزد ایرانیان نیز آثار و منابعی گرانمایه وجود دارد که با آثار آنها برابری و گاهی بر آثار آنان برتری دارد. چنانچه امروزه عربها به علت وجود همین اشتراکات فرهنگی و گره خوردن سرنوشت

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی؛ davoudshirvani@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس

کشورهای حوزه خلیج فارس با ایران، برای آشنایی با اندیشه‌های ناب ایرانی، به ترجمه آثار ادبی گذشته و حال فارسی، اهتمام بسیار می‌ورزند.

کلیدواژگان: ترجمه و رویگردان، زبان فارسی، زبان عربی، فرهنگ ایرانی، تمدن عربی و اسلامی.

انعکاس جنگ و ادبیات پایداری خلیج فارس در رمان هستی

محدثه السادات رضایی کلاته میرحسن^۱، امیر الهامی^۲ و دکتر علیرضا عابدیان^۳

چکیده

خلیج فارس یکی از مهم‌ترین محورهای ارتباطی بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی است. این منطقه از دیرباز مورد توجه تاجران و بازرگانان بوده‌است و قدرت‌های جهانی برای کسب سود و منفعت درصدد تصرف این منطقه بوده‌اند. این منطقه از منظر سیاسی، استراتژیک، انرژی، تاریخ و تمدن همواره حائز اهمیت است. به دلیل همین اهمیت، این منطقه همواره مورد تجاوز و چشم‌داشت دیگران بوده‌است؛ از حمله‌ی پرتغالی‌ها تا حمله‌ی دولت عراق و مردمان ساکن خلیج فارس نیز همواره در دفاع از این منطقه با تمام وجود به پایداری در برابر نفوذ دشمنان پرداخته‌اند. وجود رشادت‌ها و دلیری‌های ساکنان این منطقه سبب شده‌است که ادبیات جنگ و به تبع آن ادبیات پایداری در این منطقه گسترش یابد.

از حوزه‌های ادبی که می‌توان انعکاس ادبیات جنگ و پایداری را در آن دید رمان‌هایی است که در حوزه ادبیات کودک و نوجوان نوشته شده‌است. یکی از کتاب‌هایی که انعکاسی از اوضاع جنگ تحمیلی را در خود منعکس کرده‌است رمان هستی است که در منطقه خلیج فارس، شهر آبادان و شهرهای اطراف آن داستان شکل گرفته‌است. رمان «هستی» که شرح زندگی دختری به نام هستی است نمایشگر شروع حمله عراق به ایران است و در آن شخصیت‌های درگیر جنگ و حوادث ناشی از آن برای خواننده بازگو می‌شود. در این جستار به جلوه‌های ادبیات پایداری حوزه خلیج فارس، در رمان هستی پرداخته شده‌است تا از منظر آن، مقاومت‌های مردم در دفاع از سرزمین خویش در برابر تجاوز بیگانگان نشان داده شود.

کلیدواژگان: خلیج فارس، ادبیات پایداری، رمان "هستی"، رمان نویسی.

۱. عضو گروه زبان و ادبیات دانشگاه خيام مشهد؛ mds.rezaie@yahoo.com

۲. عضو گروه زبان و ادبیات دانشگاه خيام مشهد

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات دانشگاه خيام مشهد

بررسی عناصر پایداری در شعر جواد جمیل و طاهره صفارزاده

علی رومی پور^۱ و دکتر محمد حسین معصومی^۲

چکیده

انسان از بدو خلقت، دنبال حق و حقیقت بوده است و در این راستا در زمان‌های متفاوت، شخصیت‌های بارزی ظهور کرده‌اند که در راه مبارزه با ظلم و استبداد و رسیدن به حقیقت، جان خویش را نثار کرده‌اند. در این میان می‌توان از شعرای که متعلق به کشورهای شمالی حوزه خلیج فارس هستند از خانم طاهره صفارزاده و آقای جواد جمیل (حسن السنید) که اشعارشان در برگیرنده‌ی مضامین و درون مایه‌های ادب پایداری است، نام برد.

بنابراین در این پژوهش سعی شده است تا با تکیه به روش توصیفی - تحلیلی، درون‌مایه‌های مبارزه با ظلم، استبداد، حاکمان دیکتاتور و ستایش آزادی خواهان و استفاده از شعر به مثابه‌ی سلاحی بُرنده در ادبیات «جواد جمیل» شاعر مبارز عراقی و طاهره صفارزاده، شاعر انقلابی ایران، به عنوان میراثی ارزشمند در عرصه‌ی شعر پایداری، مورد کنکاش و تحلیل قرارگیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ترسیم جنایت‌های دشمن در شعر هر دو شاعر انعکاس دارد و هر دو شاعر تصویرهای از مردم خود؛ در راه مبارزه با استبداد، جهت دفع ظلم ارائه داده‌اند با این تفاوت که دعوت به قیام و مبارزه در زندان در اشعار جمیل نمود بیشتری دارد.

کلیدواژگان: مبارزه، استبداد، ظلم ستیزی، جواد جمیل، طاهره صفارزاده.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد قم؛ aroomipor@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه آزاد قم

واکنش ادبیات اعتراضی عراق و ایران در قبال قدرت‌های متجاوز

پیرامونی و جهانی (تحلیل موردی: اشعار مظفر النواب، بشری

البستانی، سیاوش کسرایی و طاهره صفار زاده)

دکتر مرتضی زارع برمی^۱ و حسین آشوری^۲

چکیده

ادبیات اعتراض در عراق و ایران معاصر در برابر نظام دیکتاتوری، فرهنگ استبدادی در تمامی سطوح آن، استعمار، نفوذ و گسترش نظام سلطه در کشورهای جهان سومی و مقابله با اسرائیل شکل گرفت و شاعران اعتراض دو سرزمین نسبت به ستم‌هایی که از سوی کانون‌های قدرت بر مردم روا داشته شد از خود واکنش انتقادی و خصمانه نشان دادند.

«مظفر النواب»، «بشری البستانی»، «سیاوش کسرایی» و «طاهره صفار زاده» در زمره شاعران اعتراض دو کشور عراق و ایران هستند. آن‌ها با خلق مجموعه‌های شعری متعدد، وظیفه ثبت جریان مبارزه و تهییج نیروهای بالنده اجتماعی را در نبرد با دشمن متجاوز خارجی برعهده گرفتند و به نفی تقسیم‌بندی‌های سیاه و سفید و محکومیت تجاوزگری نظام سلطه و اقمار آن پرداختند. به همین دلیل نگارندگان در مقاله حاضر سعی دارند با روش تطبیقی به تحلیل عناصر اعتراض در اشعار شاعران مورد نظر در حوزه قدرت‌های پیرامونی و ابرقدرت‌های متجاوز بپردازند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد وابستگی نظام‌های سیاسی عربی به قدرت‌های خارجی و تلاش آن‌ها برای تأمین منافع ابرقدرت‌ها و اقمار آن‌ها حتی به قیمت ضررهای ملی، غصب سرزمین‌های عربی توسط اسرائیل و حمله نظامی ائتلاف آمریکا به عراق و قتل‌عام غیر نظامیان و ویران ساختن زیربنای این کشور در زمره مهم‌ترین عناصر اعتراضی چهار شاعر مورد استناد در این مقاله به رفتار قدرت‌های پیرامونی و جهانی است.

کلیدواژگان: شعر اعتراض، یورش نظامی، آمریکا، قدرت‌های پیرامونی، عراق.

۱. دانش آموخته دکتری از دانشگاه خوارزمی؛ tmu.zare@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی

طبقه‌بندی و تحلیل عناصر نمادین شعر اعتراض در ادبیات معاصر

عراق با تکیه بر اشعار «مظفر النواب»

دکتر مرتضی زارع برمی^۱ و فاطمه کاظمی^۲

چکیده

شعر مظفر النواب از مناسبت انقلاب در جامعه، حزب و خیابان‌های جهان عرب زاده شده است. این امر نشان از پیوند شاعر با دوره بیداری ملی در عراق و جنبش‌های ضد استعماری و ضد استبدادی جهان عرب دارد؛ برهه‌ای که فریادهای آزادی‌خواهان به تدریج راه خود را پیدا کرد تا فریادهایی ستیزه‌جو با استبداد و استعمار گردید. در این میان مظفر النواب با توجه به شرایط حاکم بر فضای جوامع استبدادی از مسیر نمادپردازی امکان افشاگری و نشر اندیشه‌های انقلابی را در زمان بحرانی فراهم کرد. با توجه به آنچه گفته شد پژوهش حاضر بر آن است تا گستره عناصر نمادین را در شعر اعتراضی و انقلابی مظفر النواب با عنوان‌های: ۱. نمادهای برگرفته از طبیعت؛ ۲. نمادهای حیوانی؛ ۳. نمادهای زمانی؛ ۴. نمادهای مکانی خرد و کلان (ساخت انسان)؛ ۵. نمادهای ابزار (ساخت انسان)؛ ۶. نمادهای جسمانی و روحانی مرتبط با انسان؛ ۷. شخصیت‌ها و نسبت‌های نمادین خوب؛ و ۸. شخصیت‌ها و نسبت‌های نمادین بد، بررسی کند و دلالت‌ها و دگرگونی‌های معنایی این مضامین را در قالب جدول‌هایی به صورت مستند ارائه دهد. روش پژوهش، تحلیلی و استقرایی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نمادهای شعری مظفر النواب اغلب متوجه رژیم‌های استبدادی عربی، استعمار، دعوت به قیام-های مسلحانه و فلسطین است.

کلیدواژگان: ادب سیاسی، نماد، اعتراض، النواب، استبداد.

۱. دانش آموخته دکتری از دانشگاه خوارزمی؛ tmu.zare@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی

فرایند واجی ابدال در گویش عربی شهرستان کنگان؛ مطالعه

موردی: روستای پرک

دکتر ناصر زارع^۱ و احمد حیدری^۲

چکیده

بخش قابل توجهی از مردم استان بوشهر به زبان عربی تکلم می‌کنند. این مردم عرب زبان به موجب ارتباطات تجاری، از دیرباز با همسایگان عرب خود در حوزه خلیج فارس ارتباط داشته‌اند؛ ارمغان این ارتباط، آشنایی بیش از پیش ساکنان این منطقه با زبان عربی و تکلم به این زبان بوده است. زبان عربی در مناطق مختلف این استان، جلوه‌ای خاص به خود گرفته به گونه‌ای که نمود آن را در لهجه مردمان این منطقه به وضوح می‌توان مشاهده کرد. گویش این منطقه به دلیل ارتباط ناگسستنی با زبان معیار قابلیت بررسی و کاوش دارد. در این پژوهش، با توجه به اختلاف -هرچند جزئی- گویش‌های مناطق مختلف، تنها یک روستا را به عنوان نمونه موردی انتخاب کردیم. روستای پرک (۳ کیلومتری شرق شهر سیراف) با جمعیتی حدود ۲ هزار نفر، بیشتر مردم آن به زبان عربی سخن می‌گویند. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی، به بررسی پدیده "ابدال واج" به عنوان یکی از نمودهای بارز گویش عربی این روستای جنوبی استان بوشهر می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که گویش این منطقه از لهجه کشورهای حوزه خلیج فارس تأثیر بسیاری پذیرفته است. در گویش این روستا فرایند ابدال واج کاف به چ و ابدال واج جیم به یاء فراوان یافت می‌شود.

کلیدواژگان: گویش عربی، ابدال واج، روستای پرک.

۱. استادیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه خلیج فارس، بوشهر؛ ahmad.heydari.pgu@gmail.com

تجلی آرمان‌گرایی در شیوه داستان پردازی چوبک در رمان تنگسیر

معصومه سپهری عسگر^۱ و دکتر لیلا هاشمیان^۲

چکیده

رمان تنگسیر، یکی از آثار ماندگار در عرصه‌ی ادب فارسی است. در این رمان، نویسنده با توجه به جهان‌بینی و فلسفه‌ی زندگی، با آرمان‌گرایی‌های ادبی خود در پی دست یافتن به ایده‌آل‌های ذهنی است. رمان تنگسیر، رمانی حماسی است که در آن قهرمان، فضا، حوادث و اتفاقات، همه و همه، به سوی مقصودی دست‌نیافتنی ولی در عین حال سهل‌الوصول حرکت می‌کنند. این رمان، رمانی اسطوره‌ای است که خواننده را با شرایط زمانی و مکانی نویسنده مأنوس می‌کند.

چوبک در «تنگسیر» فضا و محیط مردم جنوب و شخصیت‌های خاص جنوبی را طوری به نمایش گذاشته و به گونه‌ای اصطلاحات محلی آن سرزمین را به کار برده است که مهارت استادانه‌ی خود را در زنده کردن فضای ذهنی عوام، نشان داده است و قدرت و ظرفیت گسترده‌ای را در این قالب داستانی به نمایش گذاشته است. وی این آرمان‌ها و ایده‌های ذهن خود را در قالب داستانی تاریخی به خواننده منتقل می‌کند.

کلیدواژگان: صادق چوبک، تنگسیر، جنوب، آرمان‌گرایی.

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان؛ dr_hashemian@yahoo.com

بررسی جغرافیای تاریخی خلیج فارس از منظر جغرافی نگاران

مسلمان با تکیه بر تقویم البلدان

اسماعیل سپهوند^۱ و مسعود آدینه وند^۲

چکیده

در شناخت جغرافیای ممالک اسلامی و از جمله دریاهایی که در قلمرو اسلام، واقع شده بودند، آثار و متون بسیاری از جغرافی نگاران مسلمان بر جای مانده است. از جمله این آثار که به زبان عربی تألیف گشته است، می توان "تقویم البلدان" اثر اسماعیل بن علی بن شاهنشاه بن ایوب عمادالدین ابوالفداء را نام برد که به نوبه خود در این اثر به موقعیت خلیج فارس، در جنوب سرزمین ایران، پرداخته است. با توجه به اهمیت این دریا؛ در بسیاری از منابع جغرافیایی مربوط به مناطق اسلامی، خلیج فارس با نام دریای پارس، بحر پارس و ... اشاره شده است. این متون از نظر جغرافیای تاریخی به ویژه از دیدگاه جغرافی نگاران مسلمان دارای اهمیت هستند و باید به طور جدی مورد بررسی قرار گیرند تا ارزش آنها بیشتر آشکار شود. "تقویم البلدان" از جمله متون وزین اوایل قرن هشتم هجری است که برای بررسی جغرافیای تاریخی بسیاری از مناطق ایران در آن عهد دارای اهمیت اساسی است و در این تحقیق با هدف شناخت موقعیت خلیج فارس در آن مقطع مورد بررسی قرار می گیرد.

کلیدواژگان: ابوالفداء، تقویم البلدان، خلیج فارس.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه لرستان؛ esy.sepah@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه بین المللی امام خمینی

خلیج فارس از منظر منابع جغرافیایی مسلمانان؛ نمونه موردی

مسالک و ممالک اصطخری و نخبه‌الدهر انصاری دمشق

اسماعیل سپهوند^۱ و شبتم جهانمیر^۲

چکیده

از جمله دانشمندان جغرافی‌نگار مسلمان دارای نژاد ایرانی که آثار جغرافیایی خویش را به زبان عربی تألیف نموده‌اند می‌توان به مؤلف برجسته مسلمان یعنی "اصطخری" در اثر "مسالک و ممالک" و مؤلف عرب اهل شام در زمان ایلخانان، "انصاری دمشقی" معروف به شیخ ربوّه در اثر "نخبه‌الدهر فی عجائب البر و البحر" اشاره کرد. البته ترجمه‌ای از مسالک و ممالک اصطخری از مترجمی ناشناس در قرن پنجم در دست است که ملاک ما در این پژوهش همان می‌باشد و *نخبه‌الدهر* توسط سید حمید طیبیان ترجمه شده است. بررسی دیدگاه‌های جغرافی‌نگارانی مانند اصطخری و انصاری دمشقی درباره خلیج فارس شیوه‌ای است که اهمیت بسیاری دارد و تاکنون تنها دو مقاله با عنوان "بررسی جغرافیای تاریخی خلیج فارس از دیدگاه ابن‌بکران" اثر مهدی شاهین و دیگران و "خلیج فارس در جغرافیای حافظ ابرو" تألیف عباس سرفرازی به چاپ رسیده و البته در رابطه با نظرات اصطخری و انصاری دمشقی در خصوص خلیج فارس تحقیق یا پژوهشی مورد بررسی قرار نگرفته است. این تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای با تکیه بر دو اثر نامبرده و استفاده از سایر منابع جغرافیایی مسلمانان و با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخگویی با این سؤال است که: اصطخری و انصاری دمشقی در آثار خویش جغرافیای تاریخی خلیج فارس چگونه به ذکر جای‌نام‌ها یعنی موقعیت خود خلیج فارس، رودها، کناره‌ها، جزایر و ... پرداخته‌اند؟ این دو مؤلف درباره خلیج فارس به موقعیت، جزایر، رودهایی که به آن می‌ریزند، کناره‌ها و بنادر و ویژگی‌ها و شگفتی‌های آن پرداخته و خود نیز میراث‌دار جغرافی‌نگاران پیشین بوده که اهمیت آن در بررسی آنها درباره خلیج فارس در محدوده جغرافیای تاریخی اسلام و ایران می‌باشد.

کلیدواژگان: خلیج فارس، اصطخری، انصاری دمشقی، مسالک و ممالک، نخبه‌الدهر.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه لرستان، esy.sepah@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی

فرافکنی در ضرب المثل‌های عربی خوزستان

طارق سلامات^۱

چکیده

فرافکنی یکی از مکانیزم‌های دفاعی است که اولین بار توسط زیگموند فروید پزشک نامدار اتریشی مطرح شد. فرافکنی از جمله‌ی ابتلائات بزرگ اجتماعی ماست که در سطحی بسیار گسترده در بین طبقات و قشرهای مختلف جامعه، وسعت و شدت شیوع آن، تا حدود زیادی، معرف و نشانه‌ی شیوع روحيات اجتماعی نامطلوبی از قبیل «مسئولیت ناپذیری»، «خود منزّه بینی» و «فریب کاری» و امثال آن است که غالباً و عمدتاً جنبه‌ی ناخودآگاه دارند. بدیهی است که این روحيات و عوارض بیمارگونه یک باره و یک شبه پدید نیامده اند و ریشه‌هایی دیرینه و عمیق در تاریخ تحولات اجتماعی جامعه‌ی ما دارند. در این مقاله، تلاش شده است تا با روشی توصیفی تحلیلی، مفهوم فرافکنی را در ضرب المثل‌های عربی خوزستان ردیابی و برای آن شواهدی کافی جست و جو و ارائه شود. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در اکثریت غالب شواهد ارائه شده، عنصر «ناخودآگاهی» که از نظر روان‌شناسی از لوازم اصلی مکانیزم‌های دفاعی مورد بررسی است به وضوح مشاهده می‌شود. در برخی موارد هم این عنصر حالتی بینابین (ترکیبی از ناخودآگاهی و خودآگاهی) ملاحظه می‌شود.

کلیدواژگان: ضرب المثل، عربی، خوزستان، فرافکنی.

جایگاه موسیقی و صورخیال در سروده های شاعر مقاومت و

پایداری: سید حسن حسینی

دکتر حسین سلیمی^۱

چکیده:

سید حسن حسینی، از شاعران نوآور، مطرح و موفق ادبیات انقلاب، جنگ و دفاع مقدس است که با نوآوری های خلاقانه و ترکیب سازی های بدیع و نوین خویش در عرصه ی شعر معاصر و به ویژه در زمینه ی شعر انقلاب، جنگ و دفاع مقدس، توانست خیلی زود خود را به جامعه ی ادبی ایران معرفی نموده و راهگشای بسیاری از شاعران انقلاب به سوی افق های جدید گردد. حسینی از همان آغاز با نگرش و اندیشه ای نو و ذهنیتی تقریباً پیچیده و بالاتر از حد معمول و متوسط، با زاویه ی دید شاعرانه، سروده هایش را از مدار سطحی بودن، رها و به سوی شعری شعورمند هدایت نمود. فرم گرایی تا حدی موفق، به گونه ای که اندیشه قربانی نگردد، فضا سازی های تصویری دلچسپ و تازه، عادت زدایی و آشنا گریزی در قلمرو زبان و نیز خلق و ایجاد تصاویر دلنشین و شفاف را می توان از ویژگی های شعر این شاعر به شمار آورد. با این همه، اگرچه سید حسن حسینی هم در خلق مضامین تازه و جدید وهم در آفرینش و ابداع واژگان و ترکیبات و تصاویر بدیع، شاعری موفق است اما گاهی نیز، افراط در ترکیب سازی ها، اصرار بر تصویرپردازی و توجه بیش از اندازه به موسیقی ترکیبات - در بسیاری موارد- عاطفه و معنا و مضمون را در شعر او تحت الشعاع قرار داده و تضعیف می کند.

در این مقاله کوشش شده است تا با روشی توصیفی - تحلیلی، ویژگی های بلاغی و سطوح ادبی سروده های سید حسن حسینی را در بستری سبک شناسانه و با دیدی انتقادی بررسی نموده و از زاویه ی صورخیال و موسیقی، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. در این راستا کوشیده ایم تا به نمونه های فراوانی از سروده های شاعر که از منظر صور خیال و موسیقی، ارزش و اهمیت سبک شناسانه داشته اند اشاره نموده و آنها را تجزیه و تحلیل نماییم. مرجع و منبع، مجموعه های شعری سید حسن حسینی بوده است.

کلیدواژگان: ادبیات پایداری، صورخیال، موسیقی، سید حسن حسینی.

کارکردهای نمادین و بلاغی رنگ ها در شعرسید حسن حسینی

دکتر حسین سلیمی^۱

چکیده

نگرش دقیق و عمیق شاعران و آگاهی آنان از آثار روانی و فیزیولوژیک رنگ ها، جلوه ای نمادین به مقوله ی رنگ بخشیده است. نتایج تأملات و ژرف اندیشی ها در زمینه های نمادین رنگ ها در اشعار شاعران معاصر، خود، مبین همین مدعاست و از این تأملات برمی آید که گسترده ترین حوزه ی نمادپردازی رنگ ها، علاوه بر جنبه های زبان شناختی، بلاغی و هنری، جامعه و فضای حاکم بر روزگار شاعران و تجربه های سیاسی و اجتماعی آنهاست که از آن می توان به عنوان برترین خصیصه ی شعری نسبت به مقوله ی رنگ نام برد.

سید حسن حسینی؛ شاعر متعهد و انقلابی است که هم به دوره ی قبل از انقلاب و هم به نسل بعد از انقلاب اسلامی تعلق دارد و بدیهی است که بن مایه های نمادین رنگ ها در شعر او به شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی مربوط باشد. البته نمی توان دلایل استفاده ی نمادین سید حسن حسینی از رنگ ها را تنها در شرایط محیطی و تاریخی محدود دانست چرا که او با آگاهی ها و استعدادهای فراوان هنری و پشتوانه های قوی فرهنگی و نیز دارا بودن ذوق سرشار در شاعری، به دلایل دیگری نیز به سمت و سوی استفاده ی نمادین از رنگ ها کشانیده شده است که از جمله ی آنها می توان به مقوله ی زبان شناختی و ایجاد آشنا زدایی و بیگانه سازی زبان شعر خویش اشاره کرد. در این مقاله برآنیم تا کارکردهای نمادین و بلاغی رنگ ها را با استفاده از روش آماری و شیوه ی توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار دهیم.

کلیدواژگان: ادبیات مقاومت و پایداری، آشنایی زدایی، نماد، رنگ، سید حسن حسینی.

مقایسه سبکی و محتوایی گلستان سعدی و منشآت فاضل جمی

دکتر حسین سلیمی^۱ و دکتر سید ناصر جابری اردکانی^۲

چکیده:

پس از سعدی بسیاری از بزرگان ادب کوشیدند تا با پیروی از شیوه و روش نگارش او در *گلستان*، اثری از خویش به جای گذارند و به تناسب نزدیکی به مرزهای توفیق او، به شهرت و آوازه ای دست یابند. محققان و پژوهشگران نیز نزدیک به پنجاه کتاب را نام برده‌اند که با پیروی از شیوه و سبک *گلستان* سعدی نوشته شده‌اند. یکی از این آثار ارزشمند که به روش "*گلستان*" و به پیروی از سبک و سیاق نثر سعدی نوشته شده است، کتاب "*منشآت فاضل جمی*"، نوشته ی شاعر، ادیب و منشی برجسته‌ی عصر قاجار است که به نظر برخی از صاحب نظران، پس از "*منشآت قایم مقام فراهانی*" و در میان آنچه به نام منشآت موسوم است، موفق‌ترین کتاب در پیروی از نثر سعدی به شمار می‌آید. این مقاله با مقایسه سبک‌شناسانه‌ی این دو اثر، درصدد تبیین وجوه اشتراک و اختلاف و نشان دادن میزان توفیق "*فاضل جمی*" در پیروی از سعدی شیرازی در *گلستان* است. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که دو اثر از نظر کاربرد سجع، رعایت ایجاز، کاربرد آرایه‌های ادبی، استفاده از اشعار، امثال، آیات، احادیث، حکایات و برخی دیگر گونه‌های سبک‌شناختی، دارای شیوه‌ای یکسان‌اند و به لحاظ ساختاری، تشابه قابل توجهی در میان هر دو اثر دیده می‌شود. اما تفاوت آن‌ها نیز بسیار است؛ فاضل برخلاف سعدی بسیاری از اشعار را از دیوان دیگر شعرا اقتباس کرده است، طنز را در سطح موضوعات سطحی به کار برده، گاهی به معلق‌گویی؛ شبیه دره نادره، دچار شده است، از واژگان ترکی و مغولی به تقلید از کتب تواریخ عهد مغول استفاده کرده است و گاهی در ورطه ازدحام صنایع ادبی و واژگان گوناگون و دشواریاب عربی افتاده است. اما این اثر علاوه بر موسیقی زیبای کلمات که در جای جای آن دیده می‌شود و نیز جادوی تسلط مؤلف بر واژگان

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر؛ radvin_13914@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

گوناگونی که خواننده را دچار شگفتی می‌کند؛ حاوی حکایاتی است که اغلب راجع به وقایع و مردمان روزگار اوست و برای تاریخ‌نگاران و علاقمندان ادبیات اقلیمی جنوب مفید است.

واژگان کلیدی: سعدی، گلستان، جم، فاضل جمی، منشآت فاضل جمی،

سبک‌شناسی.

برخی واژگان مشترک بویراحمدی و برازجانی و ریشه باستانی و

اوستایی آنها

دکتر کشواد سیاهپور^۱

چکیده

ساکنان استان های بوشهر، فارس و کهگیلویه و بویراحمد از دیرباز، ارتباطها و پیوندهای بسیار در زمینه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته اند. در واقع، هر سه استان در گذشته نه چندان دور، یک ایالت (= استان) به شمار می رفت و نواحی دیگری از استان های کنونی یزد، کرمان، هرمزگان، خوزستان، اصفهان و چهارمحال و بختیاری را شامل می شد (= فارس بزرگ). بر مبنای برخی منابع و مکتوبات، مهاجرت های مختلفی در داخل فارس بزرگ صورت گرفته، که افراد و اقوامی از مناطق کوهستانی شمال فارس - نظیر کهگیلویه و بویراحمد - به کرانه های خلیج فارس، خاصه استان بوشهر کنونی، مهاجرت و عزیمت نموده اند. منطقه برازجان، یکی از نواحی مهاجرپذیر استان بوشهر بوده که جمعی از ساکنان کهگیلویه و بویراحمد را به سوی خود جذب کرده است. گذشته از این، پیوندهای پیشین تاریخی و باستانی اقوام و طوایف مسکون فارس بزرگ، خود از عوامل همگنی و سنخیت فرهنگی و اجتماعی آنها می باشد. در حقیقت، تشابه واژگانی بسیاری از ساکنان بویراحمد و برازجان و ریشه تاریخی و باستانی آن، مبین اتصال و پیوند قویم و قدیم اقوام ایرانی در جغرافیای فرهنگی ایران است. در این مقاله، نمونه هایی از واژه های مشترک گویشوران بویراحمد و برازجان ارایه شده که ریشه آنها به زبان های ایرانی باستان و اوستایی برمی گردد و خود قدمت تاریخی این اقوام و فرهنگ آنها را نشان می دهد و بیانگر پیوستگی تاریخی و فرهنگی آنان می باشد. واژه هایی چون:

آزار، آسک، آفرین، آردن، آزپر، اسپ، الوس، أمسال، أمشو، اوسار، برار، برشتن، پَرندوش، پَریگ، دُز، دیگ، گُر، مرزنگ، مَشک، مَشک، مِهسن و

واژگان کلیدی: بویراحمد، برازجان، زبان اوستایی، زبان ایرانی باستان، فارس بزرگ.

کاوشی در بن مایه‌های ادبیات مقاومت در شعر معاصر بحرین

دکتر فاطمه صحرائی سرمزده^۱ و دکتر شیرین سالم^۲

چکیده

ادبیات پایداری گونه‌ای از ادبیات است که در همه‌ی زمان‌ها بیانگر رنج ملت‌ها در برابر ستم است و در ادب ملت‌هایی شکل می‌گیرد که از نظر اجتماعی دچار بحران، جنگ، انقلاب یا مواردی از این قبیل می‌شوند و باعث ایجاد روحیه پایداری در مردم می‌شود. ادبیات پایداری، ادبیات عشق به آرمان‌ها و ارزش‌هاست، ادبیات پرتلاطمی است که با یأس و ناامیدی می‌ستیزد. جایگاه ادبیات پایداری، به ویژه شعر، در تحولات ملت‌ها انکارناپذیر است؛ بحرین نیز با توجه به تحولات اخیر خاورمیانه پس از موفقیت انقلاب تونس و مصر شاهد اعتراضات مردمی شد؛ اعتراضاتی که با الهام از مردم تونس و مصر و درک این مهم که خودکامه‌ترین دیکتاتورها نیز در مقابل اراده‌ی مردم گردن می‌نهند، نشأت می‌گرفت. پژوهش حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی ضمن معرفی شاعران برجسته بحرین و بررسی نمونه‌هایی از اشعار انقلابی-شان، تلاش دارد به جلوه‌های گوناگون مقاومت، اعتراضات مردمی، ظلم ستیزی و دفاع از وطن در شعر معاصر بحرین بپردازد.

کلیدواژگان: ادبیات مقاومت، شعر معاصر، بحرین، شعرای بحرین.

۱. استادیار دانشگاه فرهنگیان مشهد؛ fatima.sahraie53@yahoo.com

۲. مدرس دانشگاه فرهنگیان مشهد

گروه‌های زبان و ادبیات عربی حلقه‌های مفقوده توسعه صنعت گردشگری ایران با کشورهای عربی (کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به عنوان نمونه)

دکتر علی ضیغمی^۱

چکیده:

در عصر حاضر، برقراری و توسعه ارتباط با کشورهای همسایه جزء اولویت‌های اصلی هر کشور به شمار می‌آید. از دیگر سو، می‌توان اقتصاد را مهمترین و اساسی‌ترین رکن یک کشور دانست. یکی از مهمترین منابع تأمین درآمد هر کشور، در کنار گرفتن مالیات، صادرات و توسعه صنعت گردشگری است؛ که هر دو باعث ورود ارز به کشور می‌شود. اینجاست که می‌توان با استفاده از معرفی جاذبه‌های گردشگری و دستاوردهای اقتصادی، پزشکی، نظامی، علمی و... کشور به زبان‌های دیگر به ویژه زبان عربی، باعث افزایش ارتباط دوسویه با کشورهای عربی و توسعه صنعت گردشگری کشور گردید.

آموزش زبان عربی در پیوند با اقتصاد رنگ و بویی دیگر به خود می‌گیرد. با توجه به همجوار بودن ایران با کشورهای عربی و بسیاری مناسبت‌های دیگر، آموزش کاربردی و هدفمند زبان عربی، می‌تواند نقش بزرگی در فعال شدن چرخه اقتصاد کشور داشته باشد. بی‌شک، شناساندن دقیق کشورمان به جهان عرب اعم از جاذبه‌های گردشگری، مشاهیر علمی و ادبی، دستاوردهای پزشکی، علمی، اقتصادی، نظامی و... از طریق دانشجویان و فارغ التحصیلان گروه‌های زبان و ادبیات عربی کشور به زبان عربی می‌تواند، نقش بسزایی در بهبود وضعیت اقتصادی جامعه داشته باشد؛ که این امر مستلزم برنامه‌ریزی‌های درست و بلند مدت، آموزش مهارت‌های زبانی به صورت کاربردی، مهارت‌های برقراری ارتباط، آشنایی با ملاحظات خاص فرهنگی کشورهای عربی و... توسط گروه‌های زبان و ادبیات عربی کشور به دانشجویان خود و ایجاد چند گرایش بین‌رشته‌ای در مقاطع مختلف تحصیلی و نیز برگزاری دوره‌های آموزشی

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه سمنان؛ zeighami@semnan.ac.ir

ویژه است؛ هرچند تأثیر مسائل سیاسی را نیز در موفقیت یا شکست این امور نمی توان نادیده گرفت.

در این مقاله پس از معرفی چالش‌های برقراری ارتباط با کشورهای عربی و بیان ملاحظاتی در جهت حل این چالش‌ها، فرصت‌های پیش‌رو کشور در استفاده از گروه‌های زبان و ادبیات عربی برای توسعه صنعت گردشگری، بررسی چالش‌های موجود در تدریس فعلی رشته زبان و ادبیات عربی و برخی راهکارها برای حل این چالش‌ها بیان شده است.

کلیدواژگان: گروه‌های زبان و ادبیات عربی، ایران، کشورهای عربی، خلیج فارس، صنعت گردشگری.

جایگاه ویژه دریا در داستان‌های کوتاه منیرو روانی پور و ریشه آن

در اساطیر و افسانه‌ها

دکتر پوران طاحونی ۱ و محمد صادق گرانبها ۲

چکیده

بسیاری از نظریه‌پردازان ادبیات اقلیمی هنگام سخن گفتن از «دریا» در آثار نویسندگان اقلیمی جنوب، آن را مکانی «کلیشه‌ای» با چنین ویژگی‌هایی توصیف کرده‌اند: مکانی برای بازنمایی تلاش بومیان در جهت کسب روزی و تداوم حیات؛ جایی برای کشمکش‌های سیاسی؛ محل آمد و شد کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها؛ میدان قاچاق کالا به/از کشورهای عربی؛ و ... از طرفی منیرو روانی پور در بیشتر داستان‌هایش — به‌ویژه در آثار متقدمش — دریا (خلیج فارس) را به عنوان مکانی محوری به‌کار می‌گیرد؛ با این وجود، دریایی که او ترسیم می‌کند با آنچه این نظریه‌پردازان توصیف می‌کنند تفاوت‌هایی بنیادین دارد. او این تفاوت را با بهره‌گیری از اساطیر، افسانه‌ها و باورهای شخصیت‌های داستان‌هایش ایجاد می‌کند. این جستار به بررسی آن دسته از داستان‌های کوتاه روانی پور می‌پردازد که با «دریا» سر و کار دارد؛ دریای این داستان‌ها را می‌توان به موارد پیش رو تقسیم کرد: ۱. خدایی بی‌رحم که ماهیگیران برای بقا مجبورند قربانی نثارش کنند؛ ۲. سرچشمه بادهای شخصیت یافته اقلیمی که تأثیری انکارناپذیر بر ذهنیت شخصیت‌های داستان‌های او دارند؛ ۳. مکان زندگی پریان دریایی؛ ۴. مکانی برای زندگی مردگان. در تمام این بازنمایی‌ها، منیرو روانی پور با آمیختن اقلیم و اسطوره و افسانه در هم توانسته است ضمن پرداختن به مسائل کلیشه‌ای سیاسی و اقتصادی دریا، تأثیری متفاوت ایجاد کند. این جستار، با رویکردی توصیفی-تحلیلی، علاوه بر بررسی جداگانه هر کدام از این بازنمایی‌های دریا، ریشه‌های احتمالی این باورها را در اساطیر آریایی و میان‌رودانی و ... مورد کاوش قرار داده و برای آن‌ها شواهدی نیز یافته است.

کلیدواژگان: دریا، باد، پری دریایی، مرگ، افسانه، اسطوره.

۱. مدیر تحصیلات تکمیلی بنیاد ایرانشناسی

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد بنیاد ایرانشناسی؛ s.geranbaha@gmail.com

نگاهی تطبیقی اجتماعی بین دو رمان "أم الذور" عبدالرحمن

منیف و "درخت انجیر معابد" احمد محمود

حسین طرفی علیوی^۱ و حسین جرفی^۲

چکیده:

ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از ادبیات محسوب می‌شود که وظیفه آن، مطالعه و بررسی مقایسه‌ای آثاری برخاسته از زمینه‌های فرهنگی متفاوت است و بر اشتراکات فرهنگی و تأثیر و تأثرات دو سویه تأکید می‌ورزد. از آنجا که ادبیات داستان نویسی در ایران و جهان عرب دارای پیشینه‌ای تاریخی است و در این عرصه، نویسندگان برجسته‌ای همچون احمد محمود (در ایران) و عبدالرحمن منیف (در جهان عرب) ظهور کرده‌اند، بر آن شدیم تا به بررسی تطبیقی دو اثر از این دو نویسنده بپردازیم. مطالعه حاضر به بررسی شیوه‌های پرداخت و تکنیک در رمان "درخت انجیر معابد" نوشته‌ی احمد محمود و رمان "أم الذور" نوشته‌ی عبدالرحمن منیف می‌پردازد. بررسی تکنیک‌های به کار رفته در این دو رمان به دو شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. در کنار مطالعه‌ی بعد اجتماعی آثار، از منظر خرافه نیز مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

در این تحقیق به بررسی موقعیت عناصر و مفاهیمی چون درخت، دعا و نیایش، دین و خرافه، گسترش درخت و تعارض آن با مدرسه پرداخته شده است. این پژوهش سعی بر آن داشته تا با تکیه بر شیوه نوشتار این دو نویسنده، نقاط اشتراک فراوانی را که بین فرهنگ و ادبیات ایرانی و عربی وجود دارد مورد بررسی قرار دهد و دریچه‌ای نو را در گستره‌ی ادبیات داستانی، فرا روی علاقه‌مندان به آن باز کند.

کلیدواژگان: ادبیات تطبیقی، رمان، درخت انجیر معابد، أم الذور، احمد محمود، عبدالرحمن منیف.

^۱. مدرس دانشگاه پیام نور؛ h.torfi128@gmail.com

^۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

تعامل زبانی، فرآیندی بر هم گرایی فرهنگی بررسی هم سازگرایانه زبانی، قومیت عربی و فارس

محمد عثمانی^۱

چکیده:

در جامعه نوین ایران، بحث از ملیت و هویت ملی جایگاه خاصی یافته است. با افزایش خودآگاهی اجتماعی، اقوام مختلف ایرانی در راستای تبیین جایگاه هویت قومی خود در چارچوب رابطه با اقوام دیگر برآمده اند. براین اساس باز تعریف ایران و ایرانی امر بایسته شده است. در این راستا، مقاله پیش رو با توجه به نیاز نظری برای توضیح این رابطه به بحث رابطه دو قومیت عربی و فارسی توجه می نماید. سوال مطرح برای این نوشتار، رابطه قومیتی عربی و فارسی بر مدار چه بستری به هم گرایی می انجامد؟ در پاسخ به این سوال، از دو روش زبان شناسی و سازانگاری برای توضیح رابطه هم گرایی قومی در ایران بهره می گیریم. امروز جامعه ایرانی، نیاز نظری برای برسازی ذهنیت ملی را در سطوح مختلف نخبگان در مقام اول و افکار عمومی در مقام بعدی باید مورد توجه قرار دهد. این مقاله با توجه به نیاز امروزی جامعه، از برای گذار از بحران هویتی و قومیتی به تامل و تحقیق روی آورده است.

کلیدواژگان: قومیت، هویت، ملیت، ایران، عرب، فارس.

بررسی تطبیقی مصادیق غزلیات محمد الفیحانی و رهی معیری

دکتر عبدالباسط عرب یوسف آبادی^۱ و دکتر فائزه عرب یوسف آبادی^۲

چکیده

عشق و مفاهیم مرتبط به آن که در خلق شاهکارهای ادبی جایگاهی ویژه دارد، به شیوه‌های گوناگون در ادبیات عربی و فارسی جلوه یافته و از پرسامدترین واژه‌ها و معانی‌ای است که در غزلیات معاصر این دو ادبیات به کار رفته است. اگر غزل را به معنای احساسات و عواطف عاشقانه و سخن از عشق و وصال و فراق بدانیم، بی‌گمان می‌توان محمد الفیحانی (۱۹۰۷-۱۹۳۹م)، شاعر معاصر قطر و رهی معیری (۱۹۰۹-۱۹۶۸م)، شاعر معاصر ایران را از جمله استادان این فن دانست. این دو شاعر که در شرایط جغرافیایی و زمانی یکسانی زندگی کردند، بیش از هر شاعر معاصر دیگری در سروده‌های غنایی خود از غزل بیشترین سهم را برده‌اند. اساس شعر هر دو شاعر بر تأثرات درونی و هیجانات شاعر در برابر حسن معشوق استوار است و محور و مضمون اصلی غزلیاتشان بر عشق تکیه دارد، به طوری که با ذوق لطیف خود ترکیبی پدید می‌آوردند که مقبول خاص و عام می‌افتد. پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی تلاش می‌کند وجوه اشتراک مضامین عاشقانه این دو شاعر را استخراج نماید. نتایج حاکی از آن است که معشوق در غزلیات هر دو شاعر اغلب زمینی است و گاه چهره‌ای ناشناس به خود می‌گیرد؛ لذا هر دو شاعر غزلیاتشان را با مصادیقی همچون توجه به معشوق، انتظار، فراق، گریه، وصف معشوق و گلایه از بخت و روزگار درهم می‌آمیزند.

کلیدواژگان: ادبیات تطبیقی، غزل، عشق، محمد الفیحانی، رهی معیری.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه زابل؛ arabighalam@yahoo.com

۲. عضو هیات علمی دانشگاه زابل

زیبایی‌شناسی اقتباس در دیوان ابومعتوق موسوی

دکتر محمدرضا عزیزی پور^۱، دکتر عبدالله رسول نژاد^۲ و سحر محمدیان^۳

چکیده

ابومعتوق شهاب الدین بن سعید موسوی (۱۰۲۵-۱۰۸۷) شاعر خوزستانی و مداح اهل بیت است، عمده‌ی شهرت او بیشتر به سبب مدایح پرشوری است که درستایش اهل بیت سروده‌است. ابومعتوق از شاعران عصر انحطاط است یکی از ویژگی‌های این دوره، توجه به شعر دینی و استفاده از شواهد قرآنی است. قرآن کریم شالوده‌ی خلل‌ناپذیر فرهنگ اکثر جوامع اسلامی است، از این رو تأثیر زیبایی‌های لفظی و معنوی آن در شکوفایی استعداد‌های هنری و اندیشه‌های خلاق مسلمانان امری مسلم و انکارناپذیر است. زیبایی‌شناسی دانشی است که درباره‌ی مجموعه انفعالات، کششها و احساسات درونی در مواجهه با جمال و زیبایی گفت‌وگو می‌کند و توجه خواننده را به بن‌مایه‌های تنظیم شده و معنا‌های متنی جلب می‌نماید. شاعران مسلمان از صدر اسلام عبارات قرآنی را در شعر خود اقتباس می‌کرده‌اند، ابومعتوق نیز تصاویر مختلفی از آیات قرآن و مفاهیم دینی را چه به صورت مستقیم و چه به صورت مضمونی در شعر خود به نمایش گذاشته است. روش تحقیق، توصیفی تحلیلی است که بر اساس نظریه‌ی بینامتنیت ژولیا کریستوا و انواع بینامتنیت یعنی نفی جزئی یا اجترار، نفی متوازی یا امتصاص و نفی کلی یا حوار، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌است. این مقاله با ذکر و تبیین نمونه‌هایی از شعر ابومعتوق در پایان به این نتیجه می‌رسد که وی پیوندی عمیق و ناگسستنی با آیات قرآنی در شعر خود ایجاد کرده‌است و بینامتنیت شاعر دال بر فرهنگ وسیع و نشانه‌ای از عشق و علاقه او به قرآن است. وی در اشعار و اقتباس‌های خود به دور از مظاهر تصنع و تکلف دوره انحطاط، بوده‌است.

کلیدواژگان: ابومعتوق، زیبایی‌شناسی، قرآن، بینامتنیت.

۱. استادیار دانشگاه کردستان؛ azizipour75@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه کردستان

۳. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان

تأثیر زبان و میراث عربی بر «منشآت» فاضل جمی

علی عندلیب^۱ و دکتر محمد جواد پورعابد^۲

چکیده

مطالعات جامعه‌شناختی زبان نشان داده است که مجاورت اقوام و جابجایی‌های مهم میان آن‌ها از عوامل اجتماعی بسیار مهمی است که بر ساختار کاربردهای زبان تأثیر به‌سزایی دارد. موقعیت جغرافیایی ویژه شهرستان مرزی جم و مجاورت آن با کشورهای عربی حوزه جنوبی خلیج فارس، زمینه مناسب برای تماس دو زبان فارسی و عربی در این خطه از میهن عزیز را فراهم کرده است. بنابراین هر دو زبان با این همجواری بر یکدیگر اثر گذاشتند. بخشی از این تأثیرات در لهجه جمی و به تبع آن در زبان فارسی معیار در سطح واژگان، ساختوازی کلمات مرکب، صرف و نحو و اقتباس از قرآن کریم و میراث ادبی زبان عربی است.

نگارندگان در این جستار پس از ضبط داده‌ها در حوزه‌های یادشده از کتاب "منشآت" اثر فاضل جمی، فرهیخته نامی شهرستان جم، در پی بررسی تأثیر زبان عربی بر زبان فارسی در این خطه هستند. این پژوهش مبتنی بر شیوه توصیفی تحلیلی است. از جمله نکاتی که باید بدان اشاره نمود، تسلط فاضل بر زبان عربی و بومی نگاری و تأثیر فراوان او از زبان عربی و نثر فنی معاصرین وی می‌باشد.

کلیدواژگان: زبان فارسی، زبان عربی، فاضل جمی، منشآت، تأثیر پذیری.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه خلیج فارس، بوشهر؛ ali_andalib1@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

بررسی مضامین مشترک ضرب‌المثل‌های فارسی (زبان بوشهری) و

عربی

مرضیه غزنوی^۱

چکیده:

ضرب‌المثل‌ها بخش عظیمی از بدنه فرهنگ، ادب و زبان یک ملت را تشکیل می‌دهند و آینه تمام‌نمای بسیاری از باورها، عقاید و فرهنگ یک جامعه به شمار می‌روند. همجواری اقوام و ملل در کنار یکدیگر منجر به مراودات و تعاملات قومی و فرهنگی شده و مسلماً بر یکدیگر تأثیرگذار هستند. استان بوشهر به دلیل همجواری با آبهای نیلگون خلیج فارس و دارا بودن بیشترین ساحل آبی در جنوب کشور با سابقه و تمدن چندصدساله، توانسته است علاوه بر رونق تجارت و صادرات و واردات کالا با کشورهای عربی همجوار، مراودات و تعاملات فرهنگی نیز داشته باشد. چنان‌که علاوه بر کاربرد زبان و ادبیات فارسی، تحت تأثیر همسایگان عرب زبان نیز قرار داشته و ضرب‌المثل‌هایی با مضامین مشترک با همسایگان نیز دارد. در این مقاله سعی بر این است که ابتدا به شناخت ضرب‌المثل توجه نموده و از زوایای گوناگون به ضرب‌المثل پرداخته شود. سپس به وجوه مشترک ضرب‌المثل‌هایی که در دو منطقه شمالی و جنوبی خلیج فارس استفاده می‌شوند، پرداخته شود.

کلیدواژگان: ضرب‌المثل؛ امثال و حکم؛ ضرب‌المثل‌های بوشهری؛ ضرب‌المثل‌های عربی.

بررسی و تحلیل سبک شناسی قصیده «أشک حتی» و فاء عبد الرزاق

دکتر محمد غفوری فر^۱، دکتر علیرضا حسینی^۲ و دکتر ابوالفضل رحمانی^۳

چکیده

سبک شناسی، یکی از رویکردهای نقدی است که در سده اخیر، از سوی ادبا و سخنوران توجه ویژه‌ای به آن شده است. سبک ادبی روش یا شیوه خاصی است که از اندیشه سرچشمه می‌گیرد؛ بگونه‌ای که نویسنده یا گوینده با استفاده از انتخاب کلمات و الفاظ و تعبیر خاصی به انتقال اندیشه‌های خود در مورد واقعیت‌ها می‌پردازد. وفاء عبدالرزاق، ادیب و شاعر معاصر عراقی، از جمله‌ی ادیبانی است که از ابزارهای مختلف هنری در آثار ادبی به ویژه اشعار خویش، بهره‌جسته است؛ وفاء برای بیان نهفته‌ها، دغدغه‌های درونی و برجسته‌سازی ادبیات خویش به بهره‌گیری از ابزارهای مختلف هنری و سبک خاص روی می‌آورد. نوشتار حاضر بر آن است، تا به بررسی سبکی قصیده «أشک حتی» وفاء عبد الرزاق در سه سطح آوایی، ترکیبی و دلالی و میزان انسجام این سطوح با همدیگر به روشی توصیفی - تحلیلی در سایه سبک شناختی تجزیه و تحلیل شود، زیبایی‌ها و ارزش‌های ادبی آن تبیین گردد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که وفاء برای تبیین احساسات حزن انگیز خویش بیشتر از آواهای مهموسه بهره گرفته است، در سطح ترکیبی، فراهنجاری‌های ترکیبی همچون وفور جمله فعلیه و تنوع جملات خبری و انشائی در جهت فضای پرتکاپوی شعری تاثیر داشته و آن را دارای زبانی زنده و از یکنواختی و جمود زدوده است، در سطح دلالی، شگردهای دلالی همچون تصاویر بلاغی و تکرار سبب خلق تصاویر بی‌نظیر گشته است؛ از جمله مهم‌ترین شناسه‌های سبک وفاء عبدالرزاق هستند که به آنها اشاره می‌گردد.

کلیدواژگان: سبک شناسی، وفاء عبدالرزاق، سطح آوایی، ترکیبی، دلالی.

۱. استادیار دانشگاه کوثر بجنورد؛ m.ghafourifar65@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه کوثر بجنورد

۳. مدرس دانشگاه کوثر بجنورد

بازتاب مضامین انسانی و اخلاقی

در شعر «صقر الشیب» شاعر معاصر کویتی

دکتر فاطمه قادری^۱ و فاطمه جمشیدی^۲

چکیده

یکی از شاعران معاصر کویتی که بسان دیگر ادیبان این کشور کمتر مورد توجه ناقدان و پژوهشگران ادبی قرار گرفته «صقر الشیب» (۱۸۹۶ - ۱۹۶۳م) است. وی که در کودکی با مصیبت مرگ مادر و نابینایی زودهنگام خود مواجه گشت، با آگاهی و بیداری کامل به مسائل دنیای اطراف توجه داشته و آن‌ها را به خوبی در دیوان خویش انعکاس داده است؛ از این رو معرفی این شخصیت و قدرت ادبی وی در بازتاب مسائل و مشکلات کشورهای عربی برای پژوهشگران عرصه ادبیات، امری ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش که از نوع کیفی است و با روش توصیفی تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته، پس از بیان زندگی شخصی و قدرت ادبی «صقر»، به بررسی بازتاب پاره‌ای مسائل اخلاقی و انسانی در دیوان وی پرداخته شده است. مهم‌ترین نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که این شاعر روشندل توانست شعر خود را آینه‌ای برای بازتاب پاره‌ای مسائل اخلاقی و انسانی از جمله: (۱) ستایش علم و دانش و دوری از جهالت، (۲) توجه به دوست و پیوندهای دوستی، (۳) کمک به هم‌نوعان، (۴) عدم دلبستگی به دنیا، (۵) ترحم بر حیوانات، (۶) تشویق به احسان و نیکی و دور از ظلم، (۷) دعوت به انفاق و امتناع از بخل، (۸) فراخواندن به صبر و شکیبایی گرداند.

کلیدواژگان: شعر معاصر کویت، شاعران کویت، صقر الشیب، مضامین اخلاقی.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد؛ mf.ghaderi@gmail.com

ضرب‌المثل‌های مشترک بین مردم عرب خوزستان و دو کشور

کویت و بحرین

دکتر جاسم قیم^۱ و لیلا فکاری^۲

چکیده

بدون تردید، ضرب‌المثل‌ها، نماد بارز تاریخ و فرهنگ ملل بازتاب تفکر و نگرش پیشینیان و سرمایه‌ی شفاهی و کتبی مردم هر جامعه به حساب می‌آید. معمولاً فرهنگ و ادبیات ساکنان هر اقلیم و منطقه از جمله ضرب‌المثل‌های رایج آنان به شکل غیرقابل تفکیک به هم گره خورده است. با این اوصاف هرگونه تحقیق و پژوهش در زمینه‌ی ضرب‌المثل ملل مستلزم شناخت حوزه‌ی اقلیم مورد نظر بوده و عدم اعتنا به فرهنگ مناطق هم‌جوار در پژوهش، آن را ناقص و غیرواقعی می‌سازد. نمونه نام بردنی این ارتباط مشترک که به وسیله‌ی تعامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مانند ازدواج، مهاجرت، تجارت و... در طی قرون متوالی از هم تأثیر و تأثر پذیرفته‌اند و به علت دارا بودن دین، زبان و پیشینه‌ی فرهنگی مشترک میان آنان مثل‌های مشابه و همانند ایجاد شده است مردم عرب خوزستان و مردم کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس همچون دو کشور بحرین و کویت می‌باشد. وجود تعداد فراوانی از ضرب‌المثل‌های مشترک فی‌مابین، نشان از ارتباط تنگاتنگ و بسیار نزدیک ادبی و فرهنگی ساکنان این اقلیم دارد. در این پژوهش براساس روش توصیفی-تحلیل به بررسی ضرب‌المثل‌های مشترک بین مردم خوزستان و دو کشور کویت و بحرین خواهیم پرداخت. از مهم‌ترین اهداف این پژوهش یافتن تقارب و تشابه بین ضرب‌المثل‌های این سه منطقه است. نتیجه‌ی این اشتراکات بیشمار گنجینه‌ی بزرگی از ضرب‌المثل‌های تاریخی با مراجع شناخته شده و برگرفته از شعر و اتفاقات واقعی و بیشتر اوقات ناشناس می‌باشد که در هر صورت آیین و انعکاس فرهنگ و شیوه‌ی تفکر افراد جامعه است.

کلیدواژگان: ضرب‌المثل‌های مشترک، مردم عرب خوزستان حوزه‌ی خلیج فارس، کویت، بحرین.

۱. استادیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه پیام نور، مرکز بوشهر؛ jassemghayem@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب پیام نور، مرکز بوشهر.

دلتای ادبیات، تاریخ و جغرافیا (مطالعه موردی خلیج فارس و

جزایر ایرانی آن، در معجم البلدان)

دکتر حسن کاظمی سهلوانی^۱

چکیده

جغرافیای حدود و مرزها در گستره سیاسی ملل و در عرصه های بین المللی نقش و جایگاه برجسته ای دارد. مستندات تاریخی، نقشه ها، منابع مکتوب، اسناد موزه ای و میراث کهن از جمله اسناد حقوقی قابل استناد و اتکا در موارد حقوقی بین المللی می باشند. موقعیت خاص و استراتژیک خلیج فارس و جزایر ایرانی آن، گاه و بی گاه مناقشات مرزی و حقوقی را در سطح همسایگان و حتی فراتر سبب شده است. استناد حقوقی به یک اثر تاریخی، جغرافیایی شناخته شده و معتبر در میان ملل عرب آن هم در قرون گذشته و در دوره های طلایی ادب عربی یک سند زرین و محکم است. ارزش های چند جانبه این سند فاخر یعنی «معجم البلدان» یاقوت حموی، در حوزه های ادبی، تاریخی و جغرافیایی غنای این اثر را مضاعف ساخته و مطالعه آن از زاویه خلیج فارس و جزایر ایرانی آن، رسالت این مقاله است، تا پاسخی بر این پرسش بیابد که ترسیم حدود جغرافیایی خلیج فارس از منظر یاقوت چگونه بوده است؟ و این خود اثباتی باشد برای مرزهای سرزمینی ایران در قرن ششم. این پژوهش کتابخانه ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده و دریافته که توصیف حدود جغرافیایی خلیج فارس و جزایر آن با مشاهده و مطابقت با آثار پیش از یاقوت انجام شده و دقیق و قابل استناد می باشد.

کلیدواژگان: خلیج فارس، معجم البلدان، جغرافیای تاریخی، ایران شناسی، ادب عربی.

۱. دکترای زبان و ادبیات عربی، مدرس دانشگاه فرهنگیان اصفهان Hsahlavannoor@yahoo.com

طبقه بندی و تحلیل خطاهای عبارات عربی مندرج بر بسته های

صنایع غذایی صادراتی ایران (بر اساس نظریه کوردِر)

دکتر نرگس گنجی^۱، دکتر مریم جلائی^۲ و نفیسه لای^۳

چکیده

نظر به نقش مهم و تأثیر گذار زبان در روابط تجاری کشورها، هر کالای اقتصادی با واژه‌ها و علائم مندرج بر آن به مثابه کالایی فرهنگی نیز هست. به نظر می‌رسد که این بُعد از رابطه‌ی زبان و اقتصاد، چندان مورد اهتمام پژوهشگران نبوده است. از این رو، انواع خطاهایی زبانی متأثر از ترجمه‌ی نامناسب در عبارات عربی بسته های صادراتی - به ویژه مواد غذایی - قابل مشاهده است. پژوهش حاضر با هدف آسیب شناسی متون عربی مندرج بر بسته‌های غذایی صادراتی به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و با بهره گیری از نظریه کوردِر به طبقه بندی و تحلیل خطاهای زبانی عبارات چاپ شده بر این بسته‌ها می پردازد. حیطه این پژوهش، شناسایی و تحلیل انواع خطاهای مرتبط با نشانی (آدرس نویسی) شرکتها و مراکز تولید مواد غذایی می باشد. تحقیق حاضر رویکرد بسامدی ندارد و صرفاً به شناسایی و توصیف انواع خطاهای مشاهده شده می پردازد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که این گونه عبارات مشتمل بر خطاهای نحوی، معنایی، و املائی هستند. *تداخل میان زبانی، و تداخل درون زبانی* را می توان از مهمترین عوامل مؤثر بر پیدایش این خطاها برشمرد.

کلیدواژگان: ترجمه فارسی به عربی، صنایع غذایی صادراتی، تحلیل خطاهای زبانی، تحلیل تقابلی.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان؛ nargesganji@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

سیری در معادل های فارسی و عربی اصطلاحات ادبیات داستانی

دکتر علی گنجیان^۱ و فاطمه بیات فر^۲

چکیده

ادبیات داستانی به شیوه امروزی از غرب به ایران و کشورهای عرب زبان وارد شده است و کاربران ایرانی و عربی به علت های مختلف در معادل سازی برای اصطلاحات کاربردی در این حوزه با مشکل مواجه بوده اند، به همین سبب در این پژوهش ضمن بررسی علل نارسایی برخی معادل ها از جمله ترجمه ناپذیری، وجود معادل های گوناگون برای یک اصطلاح، برخوردار نبودن اصطلاح از شفافیت در زبان مبدأ و سراسیمگی در گزینش معادل؛ برای سنجش توانمندی های این دو زبان در ساخت معادل از راه ترکیب، اشتقاق و دورگه سازی، نمونه هایی را به صورت تطبیقی از لحاظ ساختار واژگانی و دستوری بررسی نموده ایم و به نقش اسم، حاصل مصدر و اسم مصدر در معادل های فارسی، و نقش جامد مصدری (مصدر صناعی و مصادر باب های افعال و افتعال) در معادل های عربی اصطلاحات اشاره کرده ایم. سپس به بررسی نقش "وند" ها و بالاختص "ایسم" و معادل های عربی و فارسی آن و نقش ترکیبات وصفی و اضافی در معادل های اصطلاحات ادبیات داستانی این دو زبان پرداخته ایم. در این پژوهش فرهنگ های معتبر ادبیات داستانی و نمایشی در زبان فارسی و عربی مبنای کار قرار گرفته شده است.

کلیدواژگان: معادل، ادبیات داستانی، فارسی، عربی، ترکیب، اشتقاق، ایسم.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی؛ pajuohesh1392@yahoo.com

۲. دانش آموخته ادبیات تطبیقی

بررسی و تحلیل مضامین زندان سروده‌های عبدالوهاب البیاتی

دکتر احمد لامعی گیو^۱ و غلامحسین سنگ کوب^۲

چکیده

ادبیات مقاومت از بارزترین سبک‌های فرهنگی ملت‌ها و کشورهای تحت سلطه است. اشعار سیاسی - اجتماعی به عنوان یکی از نیرومندترین و زنده‌ترین جریان‌های ادبی معاصر عرب به شمار می‌رود. این اشعار، در عراق و در پی افزایش ظلم و ستم حکومت‌ها و استعمارگران با هدف مبارزه در مقابل استبداد و به امید بر طرف شدن ستم‌ها و عوامل نابسامانی‌های اجتماعی، اخلاقی شکل گرفت. این اشعار آینه تمام‌نمای دردها و رنج‌ها و بیانگر معضلات اجتماعی، فرهنگی، اقشار مختلف جوامع بشری است که شاعران زیادی از جمله عبدالوهاب البیاتی، منادیان حقیقی آن به شمار می‌آیند. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به دنبال بررسی و تحلیل مهمترین مضامین مربوط به زندان سروده‌ها در اشعار عبدالوهاب البیاتی، شاعر بزرگ عرصه مقاومت است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مظلومیت مردم، مفهوم انقلاب، سرزمین، رنج و اندوه مردم، قیام علیه ظلم و به خصوص ظلم اجتماعی، امید به آینده‌ای روشن، سیاست و سرکوب سیاسی، ستایش واکرام آزادی‌خواهان و جان‌باختگان، از مهم‌ترین درون‌مایه‌ها و مضامین به‌کار رفته در اشعار این شاعر بزرگ است.

کلیدواژگان: زندان سروده‌ها، عبدالوهاب البیاتی، عراق، شعر مقاومت.

۱. استادیار دانشگاه بیرجند

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند؛ hosein.sangkoob@gmail.com

واکاوی آیین قرقیعان و رمضان خوانی در حوزه خلیج فارس و

شرق ایران

دکتر علی اکبر محمدی^۱ و دکتر محمد رضا عزیزی^۲

چکیده:

یکی از مهمترین بخش‌های ادبی هر منطقه، فولکلور، آیین‌ها و باورهای عامیانه است. با توجه به دیرینگی و کهنسالی فرهنگ غنی ایران، تعدد اقوام و پاره فرهنگ‌ها و نیز پراکندگی جغرافیایی، جشن‌ها و آیین‌های ملی و بومی فراوانی وجود دارد که هر ساله بصورت خودجوش و مردمی از قرن‌های بسیار دور به عنوان بخشی از میراث مشترک اقوام ایرانی در حال برگزاری است. آیین قرقیعان یا رمضان خوانی، یکی از آیین‌های ماندگار و مرسوم است که هر ساله در شب نیمه ماه رمضان در حوزه خلیج فارس و در میان اقوام گوناگون عرب و ایرانی برگزار می‌شود؛ جمعی از کودکان پس از افطار در شب پانزدهم رمضان بر در خانه‌های محله گرد هم آمده و اشعاری محلی در قالب دو گروه همخوانی می‌کنند. آنها عموماً ضمن دعای خیر و سلامتی برای اهل خانه، استقبال از ماه خدا، تقاضای آجیل و شیرینی دارند. این مراسم مشترک باعث نشاط و طراوت محله شده و خاطرات خوشی از این ماه را در ذهن کودکان ترسیم می‌کند. این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی با رویکرد تطبیقی به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در فرم و محتوای اشعار فارسی و عربی می‌پردازد. نظر به گستردگی این مراسم در جنوب و شرق ایران و کشورهای عربی، این پژوهش به حوزه خلیج فارس و خراسان جنوبی محدود شد. از آنجا که این مراسم به صورت علمی تاکنون مورد تحقیق قرار نگرفته و نیز از منظر فقهی قابل تأمل است، ضرورت دارد درباره آن بیشتر تحقیق شود.

کلیدواژگان: ادبیات عامه، خلیج فارس، شرق ایران، رمضان خوانی، آیین قرقیعان.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند؛ ali_a.mohammadi@ut.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند.

صراحت بیان یحیی سماوی در قصیده "هموم عراقیه" در پرتو

نظریه سیستمی - نقشی هلیدی

دکتر قاسم مختاری^۱ و مریم یادگاری^۲

چکیده:

نظریه زبان‌شناختی «سیستمی - نقشی» مایکل هلیدی یکی از نظریه‌های نقش‌گراست که بر نقش اجتماعی و بافتی زبان بسیار تاکید می‌ورزد. هلیدی بر این باور است که نقش و نظام دو مفهوم بنیادین زبان هستند؛ لذا سه فرانقش برای زبان در نظر می‌گیرد؛ فرانقش‌های اندیشگانی، بینافردی و متنی که مخاطب را یاری می‌کنند تا معنا را دریابد. در این میان نباید از بافت موقعیتی و فرهنگی غافل شد؛ زیرا بافت، شرایط را برای خلق یک اثر ادبی فراهم می‌سازد، همان‌طور که یحیی سماوی شاعر معاصر عراقی با توجه به بافت و شرایط سیاسی و اجتماعی وطن خویش، قصیده "هموم عراقیه" را خلق کرده است. پژوهش حاضر در نظر دارد با روش توصیفی - تحلیلی، قصیده هموم عراقیه را با توجه به رویکرد سیستمی - نقشی هلیدی تحلیل و بررسی کند. با بررسی‌هایی که در شعر این شاعر انجام شد، این نتیجه به دست آمد که شاعر به وسیله تنها سلاح خویش، یعنی شعر، افکار و اعتراضات خویش را علیه بی‌عدالتی، اشغالگران آمریکایی و همچنین رژیم حاکم بر عراق با صراحت و شجاعت بیان می‌کند و بر شکوه از دست رفته وطنش حسرت می‌خورد؛ لذا بیش‌ترین وجه به کار رفته در این قصیده از نوع اخباری است.

کلیدواژگان: نظریه سیستمی - نقشی، مایکل هلیدی، عراق، یحیی سماوی، هموم عراقیه.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک؛ q-mokhtari@araku.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک

نامه فرصت‌الدوله شیرازی به حاکم بصره و جلوه‌های فرهنگی آن

دکتر سید حسین مرعشی^۱

چکیده

در حال حاضر، مطالعات میان‌رشته‌ای از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این میان مطرح شدن رویکرد نقدی تاریخ‌گرایی نو عرصه جدیدی را برای این گونه مطالعات به وجود آورده است. در این رویکرد نقدی همه متون از ارزش یکسانی برخوردارند. در این رویکرد بیشتر به متونی پرداخته می‌شود که در حاشیه قرار دارند و کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. از این رو، تصمیم گرفتیم با استفاده از مبانی این رویکرد به بررسی نامه عربی فرصت شیرازی به حاکم بصره و برخی جلوه‌های سیاسی و زبانی موجود در آن بپردازیم. در این بررسی به دو نتیجه مهم رسیدیم. نخست آن که نیروهای انگلیسی موجود در ایران برای حفظ منافع خود تنها از نیروی نظامی استفاده نمی‌کردند بلکه سعی می‌کردند با استفاده از روابط دوستانه جایگاه خود را در جنوب ایران تقویت کنند. دیگر آن که زبان عربی رایج در جنوب غرب ایران در یک سده اخیر دچار تحولات گسترده‌ای شده که آن را از یک زبان تقریباً فصیح به زبانی دور از آن تبدیل کرده است.

کلیدواژگان: قاجار، فرصت شیرازی، بصره، بریتانیا، کنسولگری.

۱. استادیار دانشگاه شیراز، hosein_marashi@yahoo.com

آسیب‌شناسی آموزش زبان عربی در آموزش و پرورش شهرستان

بوشهر

نعمت اله مقصودی^۱ و جواد مقصودی^۲

چکیده

آموزش زبان عربی از گذشته تاکنون و همگام با شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی به شکلی جدی مورد توجه برنامه‌ریزان درسی قرار گرفته است. به گونه‌ای که ماده شانزدهم قانون اساسی نیز بر اهمیت فراگیری این زبان به عنوان زبان دوم تأکید فراوان می‌ورزد. اما فراگیری این زبان فراز و نشیب‌هایی را هم تجربه نموده و آموزش آن به طور ویژه در آموزش و پرورش با مشکلات و آسیب‌هایی روبرو شده است. اهمیت این موضوع ضرورت تحقیق پیرامون آسیب‌شناسی آموزش زبان عربی در این عرصه را دوچندان می‌سازد. این پژوهش نیز با آگاهی از ضرورت بررسی و چاره‌جویی برای این مشکلات، به شکل موردی به بررسی برخی از موانع آموزش زبان عربی در شهر بوشهر می‌پردازد. شیوه این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و جامعه آماری آن شامل تعدادی از دبیران عربی و دانش‌آموزان سال سوم متوسطه رشته‌های علوم انسانی، ریاضی و تجربی شهر بوشهر در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ است. یافته‌های این پژوهش بیانگر ناهماهنگی بین هدف اصلی آموزش این زبان (فهم متون دینی) با نتایج فعلی آن و کاهش روزافزون انگیزه و علاقه دانش‌آموزان به فراگیری این زبان است و بر ضرورت تحول دیدگاه مولفین کتاب‌های درسی و محتوای آنها و تربیت دبیران متخصص و آگاه به تکنولوژی و شیوه‌های جدید آموزشی تأکید می‌نماید.

کلیدواژگان: آموزش زبان عربی، آسیب‌شناسی، آموزش و پرورش، شیوه‌های جدید آموزشی.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه خلیج فارس، بوشهر؛ maghsoudinn@gmail.com

۲. دانشگاه شهید چمران اهواز

جلوه های نوستالژی در شعر بدر شاکر السیاب

سیده هدی موسوی^۱ و دکتر جاسم قییم^۲

چکیده

نوستالژی یا غم غربت یک احساس روانی است که به سبب دوری از وطن، مهاجرت، غم از دست دادن عزیزی و دل‌تنگی حاصل از یادآوری گذشته است که در وجود هر فرد به جوشش در می آید. نمونه بارز این موضوع را میتوان در ادبیات معاصر عربی، بویژه در اشعار شاعر نام‌آشنای عراقی، بدر شاکر السیاب بوضوح دید. شاعر در ابتدا به مکتب رمانتیسم روی آورد ولی چون این مکتب خواسته های درونی اش را پاسخگو نبود پس از چندی و با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر عراق به سمت رئالیسم و سمبولیسم گرایش نشان داد. طبیعی است که در شرایط وجودی برای شاعر از لحاظ روحی و جسمی، زمانی و مکانی از جمله پیدایش این پدیده است. در این پژوهش بر اساس روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه نوستالژی در شعر بدر شاکر السیاب خواهیم پرداخت.

از مهم ترین جلوه های این نوستالژی میتوان به بیان انواع اغتراب که در اشعار وی وجود دارد اشاره کرد. یافته های پژوهش نشان می دهد که شاعر به دلیل وجود حزن و اندوه درونش، در عناصر طبیعت نیز همین حزن و اندوه را احساس می کند و یا غربت‌گزینی که یکی از دغدغه های زندگی شخصی اوست و محیط اجتماعی که در آن می زیسته و زندگی پرتلاطم و متفاوتش از دیگر شعرای معاصر خود است و وضعیت ویژه ای که در آن قرار گرفته، اشعارش مملوء از جلوه های نوستالژی است.

کلیدواژگان: شعر عربی معاصر، نوستالژی، عراق، بدر شاکر السیاب.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور بوشهر؛ s.hoda_mousavi@yahoo.com

۲. استادیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه پیام نور، مرکز بوشهر

مهاجرت اقوام و مسائل زبانی - فرهنگی

(نمونه مورد پژوهانه مهاجرت عرب‌های جنگ‌زده به مشهد مقدس)

دکتر مصطفی مهدوی‌آرا^۱

چکیده

زبان و فرهنگ دو مقوله درهم تنیده و پویا هستند که در پی برخی عوامل همچون مهاجرت، دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شوند. مهاجرت اقوام عرب و جنگ زده‌ی دهه شصت به مشهد مقدس و انتقال زبان و فرهنگ عربی به این شهر، چالش‌هایی را برای این زبان و فرهنگ و گویشوران آن بوجود آورده است. مدیران و مسئولان شهری با مطالعه و برنامه‌ریزی دقیق، می‌توانند ضمن از بین بردن این چالش‌ها، از حضور این گروه در مشهد، در جهت رونق گردشگری شهری استفاده کنند.

در این مقاله سعی شده است تا با روش توصیفی - تحلیلی و مشاهدات میدانی، چالش‌های فراروی این زبان و فرهنگ مورد مطالعه قرار گیرد و با ارائه راهکارهایی، در جهت حفظ این زبان و فرهنگ و جلوگیری آن از نابودی اقداماتی صورت پذیرد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد: زبان و فرهنگ عربی در اثر تماس با زبان و فرهنگ جامعه‌ی مقصد، از مرحله‌ی همترازی گذشته و رو به زوال است و با اقداماتی همچون: اعتباربخشی به جایگاه اجتماعی این زبان و احیای فرهنگ و آداب و رسوم عربی از طریق برگزاری جشنواره‌های مخصوص این گروه در مشهد مقدس، آن را حفظ کرد و در جهت رونق گردشگری شهری استفاده نمود.

کلیدواژگان: زبان عربی، فرهنگ، مهاجرت، تغییر، گردشگری.

تصویرپردازی هنری در شعر محمد حسین وائلی بررسی موردی

قصیده بایه در رثای امام حسین (ع)

دکتر زینه عرفت پور^۱ و سیده صغری میرسالاری^۲

چکیده

تصویرپردازی از دیرباز و از دوران جاهلیت تا به امروز در شعر و نثر ادبیات عرب وجود داشته و از آنجا مورد اهمیت بسیار است که گویی متن ادبی بسان نمایشنامه‌ای می‌ماند که با تمام ویژگی‌های خاص خودش نوشته شده است و از حرکت و پویایی و یا ایستایی آن خبر می‌دهد. بهره‌گیری از عناصر اصلی تصویرپردازی یعنی تخیل حسی (تجسیم و تشخیص)، هماهنگی هنری و نیز، توصیف صحنه‌ها، حرکت، رنگ، تقابل و گفتگو که از عناصر تکمیلی تصویرپردازی هنری به شمار می‌رود، بسته به شاعر و موضوع شعر او متفاوت می‌باشد.

ما در این پژوهش با تلفیقی از نظریه سید قطب در باب تصویرپردازی هنری و دیدگاه جابر عصفور درباره همین مقوله، تصویرپردازی هنری را در قصیده بایه محمد حسین وائلی شاعر پرآوازه خوزستان در رثای امام حسین (ع) و به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار می‌دهیم. می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که وائلی از قوه خیال بسیار قوی در توصیف صحنه-های قصاید خود برخوردار است، و از تخیل حسی، هماهنگی هنری، تشبیه، استعاره، توصیف و حرکت به صورت بارزی کمک گرفته است.

کلیدواژگان: شعر عاشوایی خوزستان، محمد حسین وائلی، تصویرپردازی هنری، تخیل حسی.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ z.erfatpor@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بررسی کتاب‌های آموزش زبان فارسی به عرب‌زبانان (تلاش‌های نویسندگان عرب در تدوین متون آموزشی)

دکتر یوسف نظری^۱ و کوثر تقوایی فر^۲

چکیده

تلاش‌ها برای تدوین کتاب‌های آموزش زبان فارسی به عرب‌زبانان از سوی دو گروه نویسنده صورت پذیرفته است. گروه اول نویسندگانی هستند که زبان مادری آنها فارسی بوده و گروه دوم نویسندگانی می‌باشند که زبان مادری آن‌ها زبان عربی بوده است. در خصوص آموزش به عرب‌زبانان نیز گروه دوم سهم بیشتری در این زمینه داشته‌اند. در پژوهش حاضر تلاش‌های هشت نویسنده در قالب هشت اثر مورد بررسی قرار گرفته است. نخستین معیار در انتخاب این آثار در دسترس عموم قرار داشتن این آثار بوده است. کما اینکه آثاری محسوب می‌شوند که با رویکردهای مختلف آموزشی تدوین شده‌اند. بررسی این آثار از دو منظر شکلی و محتوایی مورد توجه قرار گرفت. بررسی نقادانه این آثار نشان داد که تمامی آثار از کیفیت و طراحی بسیار ضعیفی برخوردارند و فاقد مولفه‌های جذابیت ظاهری می‌باشند. بررسی بعد محتوایی نیز گواه از این است که این آثار منطبق با شیوه‌های جدید آموزشی نیست و رویکردی سنتی به آموزش زبان دارند. از همین‌رو غالب این آثار دستور محور هستند و از تکنیک‌ها و رویکردهای جدید بهره نبرده‌اند. این امر در بعد شکلی و محتوایی آثار مشهود است.

کلیدواژگان: آموزش زبان فارسی، عرب‌زبانان، متون آموزشی، بعد شکلی، بعد محتوایی.

۱. استادیار بخش زبان و ادبیات عربی دانشگاه شیراز؛ yusuf.nazari@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد

تحلیل محتوای تیترهای خبری رسانه‌های الجزیره و العربیه درباره‌ی

ایران

دکتر یوسف نظری^۱ و عهدیه میرشکاری^۲

چکیده

ارتباطات میان ایران و همسایگان عرب پیشینه‌ای بسیار دیرینه دارد. این ارتباط در طول تاریخ فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است. اگر در گذشته حاکمان با استفاده از ابزار شعر دیدگاه‌ها و مواضع خود را در قبال دیگر ملت‌ها و یا همسایگان را نشان می‌دادند؛ امروزه رسانه‌ها این وظیفه را بر عهده گرفته‌اند. در این میان برخی رسانه‌ها نقش پررنگ‌تری در ترویج افکار و همچنین بازنمایی چهره دیگر ملت‌ها دارند. در حوزه خلیج فارس دو رسانه الجزیره و العربیه بیش از دیگر رسانه‌ها نقش ایفا می‌کنند. این دو رسانه دامنه نفوذ خود را نه تنها به حوزه خلیج فارس بلکه به تمام جهان عرب تسری داده‌اند. افزون بر اینکه در سالهای اخیر با تاسیس شبکه‌هایی به زبان انگلیسی و فارسی می‌کوشند تا گویشوران انگلیسی زبان و فارسی-زبان را نیز تحت پوشش قرار دهند. یکی از تکنیک‌های زبانی که برای تحلیل رسانه‌ای استفاده می‌شود تحلیل محتوا می‌باشد. از آنجاکه عنوان و یا تیتر مهم‌ترین رکن یک خبر محسوب می‌شود، انتخاب تیتر برای یک خبر -که غالباً شامل مباحث متعددی است- حاکی از نوع نگرش گوینده می‌باشد. در این پژوهش آرشیو دو سایت الجزیره و العربیه در یک بازه مشخص استخراج گردید و تیترهای آنها از منظر تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفت. این پژوهش نشان می‌دهد که این دو رسانه صرفاً به مسائل سیاسی، آن هم به صورت جانبدارانه اکتفا نموده‌اند و هویت فرهنگی، زبانی، تاریخی، دینی و هنری ایرانی را به طور کامل نادیده گرفته‌اند.

کلیدواژگان: خلیج فارس، رسانه‌های عربی، تحلیل محتوا، هویت ایرانی.

۱. استادیار بخش زبان و ادبیات عربی دانشگاه شیراز؛ yusuf.nazari@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد

بررسی تطبیقی تأثیر و تأثر ادبیات فارسی و عربی

دکتر احمدنور وحیدی^۱

چکیده

ادبیات فارسی و عربی از آنچنان پیوند عمیقی برخوردار بوده‌اند که این پیوستگی را در میان هیچ کدام از ملل - به این گستردگی - نمی‌بینیم. اسباب مهمی باعث بوجود آمدن این پیوندها شده است؛ از همجواری گرفته تا فتوحات و جنگ‌های این دو ملت همچنین ورود اسلام به ایران که هر کدام به نوبه‌ی خود باعث تأثیر و تأثراتی گشته‌اند. نهضت ترجمه نیز نقش بسزایی در تبادل فرهنگ بین ایران و اعراب ایفا کرده است. دیوان شاعران و نوشته‌های نویسندگان فارسی زبان پر از عبارات و لغات و اشعار عربی است. این تأثیرپذیری در قرن پنجم و ششم هجری به اوج خود رسید. آن هم به دو دلیل عمده یکی این که دین اسلام در این قرون نفوذ زیادی در جامعه ایران داشت و دیگر این که اقبال به عربی آموزی در بین ایرانیان رو به فزونی بود. این تأثیر پذیری تا سال‌ها بعد هم ادامه داشت. در مقابل اعراب نیز از زبان و ادب و فرهنگ فارسی تأثیر پذیرفتند اما دامنه تأثیرپذیری آن‌ها محدودتر و کمتر از ایرانیان بود. شاعران و نویسندگان فارسی و عربی هر کدام به نحوی از انحاء از زبان، لغت، فرهنگ، آداب و رسوم و... همدیگر تأثراتی پذیرفته‌اند که هدف این مقاله بازتاب این تأثیر و تأثرات به شیوه تحلیلی توصیفی و کتابخانه‌ای است.

کلیدواژگان: ادبیات فارسی، ادبیات عربی، ادبیات تطبیقی، تأثیر و تأثرات.

بررسی بازتاب عناصر دریایی خلیج فارس در شعر محمدعلی

بهمنی با نگاهی بر مفهوم روانشناختی هویت مکان

دکتر لیلا هاشمیان^۱، زهرا خزایی^۲، آرزو بهاروند^۳ و رویا استواری^۴

چکیده

بازتاب دریا و عناصر مربوط به آن در شعر محمدعلی بهمنی، بسیار وسیع است. سال ها زندگی همراه با فعالیت های ادبی در سواحل خلیج فارس به شعر و اندیشه ی شاعر رنگ و بوی دریایی داده است. نزدیکی، ادراک عمیق حسی و حضور پررنگ دریا در شعر شاعر نشان دهنده ی اهمیت بررسی تاثیرات متقابل این هنرمند و محیط زندگی وی از دیدگاه روانشناسی محیط است.

از دیدگاه روانشناسی محیط، مکان، فضای دارای معناست که تجربه ی مداوم آن، حضور و تعامل، ترجیح و در نتیجه احساس مراقبه و توجه نسبت به آن از عواملی است که منجر به برانگیخته شدن حس هویت مکان در فرد می شود. هویت مکان، تصور و درک شخصی فرد از یک فضاست که احساس، باور، خاطره، تجربه، تاثیرات فضا و جامعه و... در شکل گیری آن موثرند. از آنجا که طبیعت چهارفصل ایران در آثار ادبی بروز چشمگیری دارد. بررسی این آثار از جنبه های مختلف علم روانشناسی محیط، سودمند است. در این مقاله سعی شده است رابطه ی بین کاربرد عناصر دریایی و هویت مکان در شعر بهمنی از دیدگاه روانشناسی محیط بررسی شود.

کلیدواژگان: عناصر دریایی، شعر، محمدعلی بهمنی، روانشناسی محیط، هویت مکان.

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان؛ dr_hashemian@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

۴. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

۵. دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی دانشگاه آزاد واحد همدان

مؤتمر التراث اللغوي والأدبي والثقافي المشترك بين الفارسية والعربية
في منطقة خليج فارس

١٥-١٦ فبراير ٢٠١٧م الموافق ١٨-١٩ جمادى الأولى ١٤٣٨هـ.

الملخصات العربية

رمز التاريخ والإنسان في قصيدة "طفل" تيتيم مرات" لجمال نصاري

الدكتورة رجاء أبو علي^١ ومحمود مسلمي^٢

الملخص

بات الرمز وسيلة فنية يوظفها الشاعر كي يعزف على أوتارها الرمزية أغنية التأثير والتجسيد الجمالي وينسج صوراً تتأق إلى الإستتار خلف جدار الكشف وواحات الإيحاء وتجارب الدلالات الحدسية الدفينة ومن الواضح أنّ الشعراء في العالم من قدم الزمان إلى يومنا هذا، كانوا يلجأون إلى توظيف الرموز في أشعارهم وفي الواقع خلف هذه الرموز المستخدمة، معانٍ مستترة، فعلى الباحث الوصول إليها وذلك لا يتيسر له إلا من خلال البحوث العميقة لهذه الأشعار، وتنتضح لنا أهمية هذه الرموز عند الشعراء المعاصرين جلياً بحيث إنهم يُكثرون من توظيف هذه الألوان الشعرية للتعبير عن مكوناتهم النفسية، وهكذا بالنسبة إلى الشعراء الإيرانيين العرب في خوزستان، فقد وظفوا طاقاتهم الإيحائية الرمزية في أشعارهم ومخلوا من التراث الأدبي التاريخي الإنساني كلّ ما يستنزف القوى الإبداعية، ليرووا بها قصائدهم ويستثيروا باطن النص ليزاوجوا بينه وبين عالم اللاشعور المكبوت في حمم الرمز التي تلتهب بين ثنايا القصيدة لتختلج أعماق الفكر وخفايا النفس وانفعالتها. وأما فيما يتعلق بهذا المقال فهو يهدف إلى أن يسلط الضوء على الرموز التاريخية والإنسانية الموجودة في هذه القصيدة، مع التطرق إلى قصيدة النثر في خوزستان، ورائدها الشاعر جمال نصاري بحيث اعتمد هذا الشاعر في قصيدة "طفل تيتيم مرات" على تقنية التناص ورمزية الإنسان والحدث السياسي وارتباط هذا الحدث بالزمن السياسي ومن أهم الأزمنة التي تطرق إليها هي الحرب الإيرانية/ العراقية والإحتلال الأمريكي للعراق والعدوان الإسرائيلي علي الجنوب اللبناني. فضلاً عن ذلك اتخذ جمال نصاري الأدباء كرموز وممثلين لبلداتهم مثلاً يرمز السّياب إلى العراق و جبران خليل جبران إلى لبنان ومحمود درويش إلى فلسطين. وأخيراً اعتمد هذا البحث على المنهج الوصفي - التحليلي مبنياً رؤية الشاعر حول الإنسان والحياة.

الكلمات الدلالية: قصيدة النثر، الرمز، التاريخ والإنسان، جمال نصاري.

١. أستاذة مساعدة في قسم اللغة العربية بجامعة العلامة الطباطبائي

٢. طالب ماجستير بجامعة العلامة الطباطبائي، m.moslemi70@gmail.com

صدى مأساة فلسطين قبل النكبة في شعر الجواهري

عبدالرسول الهايي^١ والدكتور صادق فتحى دهكردي^٢

الملخص

حاولت الشعوب العربية والإسلامية بعيد انتهاء الحرب العالمية الثانية، أن تبحث عن ذاتها بعد طمس هويتها بتأثير عوامل خارجية عن إرادتها وبدوافع استعمارية بحتة، فسخر الأدباء والشعراء فنهم لإضفاء النور على قضايا مجتمعاتهم وعلى رأسها القضية الفلسطينية. حيث احتلت هذه المأساة حيزاً واسعاً من أشعار «محمد مهدي الجواهري» الذي صوّرها أدق تصوير ووظّف أدبه لينبّه من مغبة المؤامرة التي دُبّرت للأقصى المبارك منذ «وعد بلفور». وعلاوة على تنبؤه بنكبة فلسطين قبل وقوعها، إلا أنه لم يصبه اليأس يوماً بل ظل يدعو إلى استرداد الحق المغتصب بالقوة. فقد كانت قصائده شعلة حملها في ليل الأمة الدامس آنذاك.

يوضّح هذا البحث الذي اعتمد الأسلوب الوصفي التحليلي، رؤية وموقف الجواهري تجاه القضية الفلسطينية قبل النكبة وكيفية بعثه الأمل في نفوس الثوار الفلسطينيين والعرب ولعبه دوراً بارزاً في توعية الشعوب العربية والإسلامية وفضحه تواطؤ الحكام المتخاذلين حيال ما يتعرض له القدس الشريف من مؤامرات عالمية. إن قراءة هذا البحث تُبين بأن الجواهري جعل القصيدة صرخة ليحذر من مغبة المؤامرة التي دُبّرت لفلسطين وتكاد تبتلع مناطق عربية أخرى لتلحقها بمصير الأندلس، وحث الشباب الفلسطيني والعربي على مكافحة الغزاة واسترجاع ما احتل من فلسطين بالقوة. و أزال القناع عن تخاذل القادة العرب، محملاً إياهم الهزائم التي تلحق بالأمة عربية. وانتقد سياسة التطبيع والقبول بالأمر الواقع، وسخر من الحلول الاستسلامية.

الكلمات الدليلية: الشعر المعاصر، فلسطين، قبل النكبة، احتلال، الجواهري

١. طالب مرحلة الدكتوراه في اللغة العربية وآدابها بجامعة طهران - فرديس فارابي؛ rasolelhaei@yahoo.com

٢. أستاذ مساعد في اللغة العربية وآدابها بجامعة طهران - فرديس فارابي

التجارب المكتسبة من ممارسة الترجمة الفورية من الفارسية إلى العربية والعكس

عبدالرسول الهايي^١ والدكتور جهاد فيض الإسلام^٢

الملخص

مما لا شك فيه أن الترجمة بشطريها الشفوية و التحريرية أصبحت علماً و فناً و تجربةً و ذوقاً تلعب دوراً هاماً في توطيد الصلات الإجتماعية والدولية بل حاجة ماسة وضرورة من ضروريات الحياة اليومية خاصة لدى الاوساط الدبلوماسية. وهذه الدراسة تسعى إلى التوقف عند الترجمة الفورية من الفارسية إلى العربية وبالعكس و ذلك من خلال تسليط الضوء على أنواعها و شرائطها ومكانتها وكيفية تعامل المترجم مع ادواتها و ما شاكل ذلك من الأمور الهامة المرتبطة بها.

وتحاول الدراسة عبر المنهج الوصفي التحليلي إلى تبيين أدوات الترجمة الفورية والتوقف عند أهم التجارب العلمية والعملية والتقنيات اللازمة في مجال الترجمة الفورية من الفارسية إلى العربية و بالعكس. وتبيّن من خلال هذا البحث بأن الترجمة الفورية تتطلب ان يكون المترجم الفوري على ممارسة فعلية وتجربة عملية وخبرة ترجمائية طويلة تمتد إلى سنوات طوال لكي يكون مترجماً ناجحاً، كما ينبغي عليه ان يكون ملماً بثقافة اللغتين.

الكلمات الدليلية: الترجمة، الفورية، الشفوية، الاحتزال.

١. طالب مرحلة الدكتوراه في اللغة العربية وآدابها بجامعة طهران - فرديس فارابي؛ rasolelhaei@yahoo.com

٢. أستاذ مساعد في اللغة العربية وآدابها بجامعة طهران- فرديس فارابي

التقارب اللغوي والأدبي بين العربية والفارسية منصة مفتوحة للدبلوماسية العلمية

بين إيران ودول الخليج الفارسي

الدكتورة طيبة اميريان^١ والدكتور فرامرز ميرزايي^٢

الملخص

إن التفاعل اللغوي والتأريخي بين اللغتين، الفارسية والعربية، جعلهما متقاربين في الفكر والحكمة والثقافة والمادة الأدبية. فلهما أثر أي أثر في تكوين الثقافة المشتركة بين أصحابهما حيث يمكننا أن نعدّ هذا التقارب اللغوي مادة خصبة للتقارب بين الشعبين، الإيراني والعربي، خاصة لتلك الدول القاطنة على ضفاف خليج فارس.

رفع من شأن، هذا التقارب الأدبي كأداة تواصل تأريخي ما حدث من توترات سياسية بين إيران وجاراتها من البلدان العربية على حافة الخليج الفارسي في الآونة الأخيرة مما أبعثت بعضها عن بعض. فواضح كل الوضوح إن تقرب الشعوب من أهداف البحوث المقارنة الهامة كما صرح به غنيمي هلال الباحث المقارني الكبير؛ إذ يبدو أن الدبلوماسية العلمية غفلت عن هذا العامل المؤثر كأداة فاعلة لتطبيع العلاقات بين إيران وجاراتها الخليجية، بل إن الأحداث السياسية المتوترة سبقت التقارب الأدبي والثقافي المشترك بين تلك الدول مما زاد في الطين بلة! فلا بد من الرجوع إلى الكنوز الأدبية المشرقة لإعطاء دور فعال للدبلوماسية الثقافية للأدبين الفارسي والعربي في تحسين العلاقات السياسية التي أدت إلى التهميش يوميا.

تمكن الإشارة إلى أهم العوامل التي جعلت الدبلوماسية العلمية ضعيفة ك: عدم فاعلية اللغة الفارسية، فقدان التحفيزات التعليمية في المتعلمين العرب اللغة الفارسية، الإخفاق في توسيع عملية الترجمة لآدائها خاصة بعد إنتصار الثورة الإسلامية وعدم الإهتمام بالأدب العربي للبلدان الخليجية في البرنامج التعليمي الجامعي. فمن المستحسن إتخاذ إستراتيجيات بوصفها: تعزيز الأبعاد الثقافية الإيرانية النقية باللغة العربية، ترجمة الأعمال الأدبية المعاصرة كالأعمال الكلاسيكية، وإقامة الدورات الأدبية للتفاعل العلمي بين أساتذة اللغة الفارسية واللغة العربية الجامعيين.

الكلمات الدليلية: الدبلوماسية العلمية والثقافية، دول الخليج الفارسي، التقارب اللغوي والأدبي.

^١ خريجة من جامعة بوعلی سینا همدان؛ taebehmiriyan@yahoo.com

^٢ أستاذ في جامعة تربیت مدرس

جهود السيد محمد باقر الحكيم في الدراسات القرآنية والتفسير

الدكتور خليل خلف بشير^١

الملخص

هذا بحث يتناول جهود دارس ومفسر معاصر للقرآن الكريم أفنى عمره في الجهاد، والسياسة، ومقارعة النظام الظالم لتخليص شعبه من الظلم والاضطهاد لكن ذلك لم يمنعه من التأليف والكتابة في مختلف المعارف، وكان لأبيه مرجع الشيعة الكبير السيد محسن الحكيم ولأستاذه الشهيد الصدر فضل في دراسته، وتدرسه القرآن الكريم لطلبة كلية أصول الدين في جامعة بغداد إذ امتزجت الثقافة الحوزوية بالثقافة الأكاديمية مما دفعه على مواصلة هذا المشوار في سنين الغربة والهجرة فقد كان ملتزماً بتدريس مادة التفسير في حوزة قم المقدسة، لذا لا بد من تسليط الضوء على جهود السيد محمد باقر الحكيم (قدس سره) في الدراسات القرآنية فكان هذا البحث الذي ابتدأته بمدخل سمّيته (قيسات من سيرته العلمية) مفضلاً في جهوده في الدراسات القرآنية معقباً ذلك بجولة في كتبه القرآنية مُنتقلاً إلى جهوده في التفسير ملمعاً إلى منهجه في كتبه التفسيرية. على أنني بذلتُ جهداً واضحاً في هذا البحث لکني لا أدعي له الكمال فالكمال لله وحده وحسي أن أكون قد وفقْتُ في خدمة هذه الشخصية المعطاءة، وإبراز دورها الكبير في نشر الثقافة القرآنية.

الكلمات الدليلية: القرآن الكريم، التفسير، السيد محمد باقر الحكيم.

الراوي في الشعر الحكائي

دراسة مقارنة بين قصيدتين: للشاعر العراقي عبد الكريم كاصد و الشاعر

الإيراني علي رضا قزوه

الدكتور علي مجيد البديري^١

ملخص

يسعى هذا البحث إلى دراسة وظيفة الراوي في النص الشعري الحكائي، وتخصيص أدواره المختلفة في ضوء التحولات الفنية الحديثة في الكتابة الشعرية، التي من مظاهرها التناهد في ما بين السرد والشعر. وقد وقع الاختيار على نصين شعريين ينتميان إلى ثقافتين مختلفتين جرت قراءتهما في ضوء ما وفره الأدب المقارن من سبل منهجية، تعتمد تأمل الظاهر في بعدها الإنساني المشترك، و بطريقة انفراد بما عن غيره من مناهج النقد الأدبي.

الكلمات الدلالية: الأدب المقارن، الشعر الحكائي، عبدالكريم كاصد، علي رضا قزوه.

١. أستاذ مساعد في جامعة البصرة/ كلية الآداب؛ al_budryi72@yahoo.Com

دراسة وصفية في الشعر الزجلي المعاصر (تأريخه، نشأته وتطوره)

الدكتور رسول بلاوي^١

الملخص

اتَّخذ الشعر الزجلي في الدول العربية المجاورة لخليج فارس مكانة مرموقة، فقد أقبل الجمهور على هذا النوع من الشعر لما وجد فيه من لغة طيِّعة وصور ملموسة وأغراض قريبة للواقع المعاش. وقد وجدنا الكثير من الشعراء برعوا في هذا الفن واشتهروا به. يمثّل الزجل الفن الثاني المستحدث في الأندلس بعد الموشح، ومنها خرج إلى الديار الغربية والمشرقية. فعندنا أنغمس الاندلسيون في ترف العيش، وامتزجوا بالشعوب الأخرى، مال الطبع العام إلى الشعر الشعبي المنظوم بلغة الشعب واخترعوا فن الزجل ونظموه بلغة مجرّدة من الأعراب مزدحمة بالمفردات الأجنبية. واليوم لا نجد بلداً عربياً إلا وانتشر فيه هذا النوع من الشعر بنطاق واسع.

في هذه الدراسة التي اعتمدت في خطتها على المنهج الوصفي - التحليلي حاولنا أن نسلط الضوء على الزجل - الفن الذي طالما أهمله الباحثون - وبيننا فيها موطن الزجل ونشأته، لغته، وأغراضه، وأوزانه ثم عرّجنا على أنواعه الأكثر شيوعاً، منها: المواليا، الأبودية، العتابا، الميمر، الميجانا، ... وقد توصلنا إلى نتائج أهمّها: أنّ الزجل يمتخ ناظمه كثيراً من الحرية، ولا يقيده بصورة محددة، فأوزانه متجددة، وقوافيه متعددة ولغته سهلة مرنة ولا ضرورة لرعاية القواعد الصرفية والنحوية في هذا النوع من الشعر. وفي العصر الحديث شاع هذا النوع من الشعر فتعددت فنونه وأغراضه في الأوساط الأدبية وأقبل عليه الكثير من الزجالين الشعبيين.

الكلمات الدلالية: الشعر العربي، الشعر الشعبي، الزجل، اللهجة الدراجة، الاندلس.

^١. أستاذ مساعد في خليج فارس، بوشهر؛ r.ballawy@gmail.com

ظاهرة القناع البسيط في شعر بدر شاكر السياب

الدكتور راضي بوعدار^١

الملخص

القناع هو الإسم الذي يتحدث من خلاله الشاعر نفسه، متجرداً عن ذاتيته. ويمثل القناع شخصية تاريخية يجتنب وراءها الشاعر ليعبر عن موقف يريده، أو ليحاكم نقائص العصر الحديث من خلالها. وعندما يعيش الشاعر في بيئة يصح التعبير المباشر عن عيوبها جريمة لا تغتفر، فإنه لا يجد وسيلة مناسبة للتعبير غير التحايل والتلاعب بالعبارات والألفاظ، ولقد لجأ شعراء الحداثة إلى شخصيات ونماذج تاريخية وأسطورية يستلهمون مواقفها وأحداث حياتها في محاولة التستر والتقنع في أعمالهم الشعرية. فاعتمد السياب في القناع البسيط على رمزٍ واحدٍ يؤكل اليه النهوض بالتجربة كاملة، دون أن يشرك معه رموزاً أو شخصيات أخرى.

يحاول هذا المقال من خلال المنهج الوصفي _ التحليلي أن يدرس أشعار السياب التي إتخذها قناعاً بسيطاً إستطاع الشاعر أن يعبر من خلالها عن مشاعره الكامنة بواسطة هذا الفن. وقد تأثر السياب بالمسيح وأعجب بالعذاب الذي عاناه المسيح، فأراد أن يشبه نفسه به، ويجعل نفسه قديساً، كما أتخذ من شخصية أيوب قناعاً، تحمل معاني الألام المشوية بالرضى والقبول في تحقق أماله بالعودة سالماً معافياً إلى أهله.

الكلمات الدليلية: القناع، بدر شاكر السياب، الألم، المسيح، أيوب.

^١ . دكتوراه في اللغة العربية وآدابها؛ ahwazi_r25@yahoo.com

أسباب الالتزام الديني ومظاهره في ديوان علي بن خلف الحويزي

سالم بوعمار^١ والدكتور محمد جواد پورعابد^٢

الملخص

الالتزام ظاهرة لانستطيع نحددها على تاريخ أو مجتمع خاص بل إنَّها ظاهرة متفشية طيلة العصور في جميع المجتمعات وظهرت بأشكال مختلفة وأنواع مختلفة إلَّا أننا نشهد لظهورها ضعفاً وقوَّةً حسب مقتضيات الزمن، بيد أنَّ هذا الالتزام لم يكن معروفاً عند الشعراء القدماء كما نعرفه اليوم بحيث أنَّ الشاعر الملتزم يخضع لأسس ومبادئ بل كلِّ ما هنالك أنَّهم كانوا يلتزمون بالقبيلة والدين و...، والالتزام يعني مشاركة الشاعر في هموم الناس الاجتماعية والسياسية والوطنية، ومن هؤلاء الشعراء علي بن خلف الحويزي الذي كان من أبرز شعراء الأهواز في القرن التاسع الهجري وهو الذي تفجرت طاقته الشعرية واتخذ الشعر وسيلة يدافع بها عن مبادئ دينه حتَّى حفل شعره بشقِّ المظاهر الدينية وقد وظَّف هذا الشاعر ظاهرة الالتزام في أشعاره.

يهدف هذا البحث إلى دراسة أسباب الالتزام الديني ومظاهره في ديوان علي بن خلف الحويزي والمنهج الأسلوبي الذي اعتمدت عليه هذه الدراسة منهج وصفيّ- تحليلي. هذا البحث سيعالج الالتزام عند الشاعر وحياته والملاحم التي كان لها دور مميّز في الالتزام الشاعر كالأمر السياسي والاجتماعية وبعد ذلك يتطرَّق إلى أهمّ الملاحم الأسلوبية في تعبيره عن حالات الالتزام. ومن أهمّ النتائج التي وصلت إليها هذه الدراسة: أنَّ الشاعر رغم منفاه في بلاد الغربة كان متعلِّقاً بأهل البيت، ومع كلِّ الهموم التي واجهها بقي محبباً ملتزماً بمعنى الكلمة وكان أسلوبه في التعبير عن هذا الالتزام بسيطاً. القصائد التي تجلّت فيها هذه الظاهرة فهي تلك القصائد التي أنشدها في سني اعتقاله وجاءت تحمّل شكواه وآلامه وأهدافه.

الكلمات الدليلية: الالتزام الديني، علي بن خلف الحويزي، الأهواز، أهل البيت.

١. ماجستير فرع اللغة العربية وآدابها؛ salem.boozar@gmail.com

٢. أستاذ مساعد في جامعة خليج فارس، بوشهر.

جمالية اللون ودلالاته في ديوان «أندلسيات لجروح العراق» لبشرى البستاني

الدكتور علي بيانلو^١، سارا مؤمني^٢ وفاطمه ياري^٣

الملخص

اللون يعتبر عنصراً هاماً في تجلّي الإبداع الفني وجزءاً من صور الخيال في الأدب العربي قديمه وجديده، إلا أنه يلعب دوراً هاماً وجديراً بالذكر، في شعر الأدباء المعاصرين. بشرى البستاني (١٩٥٠ - ...) الشاعرة العراقية من شمالي الخليج الفارسي استفادت من اللون في ديوانها استفادةً كثيرةً. تنخر أشعارها بالصور الملوّنة المرتبطة بالطبيعة أو المتعلقة بالاجتماع والسياسة. ولاشكّ أنّ تعاطي اللون بالكثير من قِبل الشاعرة يحدث عن وعي وهدف سابق. لذلك يسعى هذا البحث مستخدماً المنهج الوصفي - التحليلي، إلى أن يدرس مكانة اللون في ديوان الشاعرة المسمّى «أندلسيات لجروح العراق» والجوانب الدلالية والجمالية أحياناً. هذا وتدّل نتائج البحث على أنّ اللون يُعدّ عنصراً أساسياً في خلق الصور البدعية والتراكيب الجميلة في الشعر لدى البستاني. استعملت الشاعرة هذا العنصر تبييناً لحالاتها النفسية وبيان القهر السياسي والاجتماعي الموجود في العراق، وبيان مضامين المقاومة وتلقيناً للمفاهيم صعبة التعبير للحو الرمزي الحاكم علي الأشعار. احتلت الألوان الخضراء والسوداء والبيضاء مكانةً مركزيةً ونصيباً أوفر، حسب الترتيب في ديوان الشاعرة.

الكلمات الدليلية: بشرى البستاني، ديوان أندلسيات، جمالية اللون، الدلالة.

١. أستاذ مساعد قسم اللغة العربية وآدابها في جامعة يزد

٢. ماجستير في اللغة العربية وآدابها من جامعة يزد

٣. ماجستير في اللغة العربية وآدابها من جامعة يزد؛ fatemehyari89@gmail.com

جمالية التكرار في قصيدة «أندلسيات لجروح العراق» لبشرى البستاني

الدكتور علي بيانلو^١، فاطمه ياري^٢ وسارا مؤمني^٣

الملخص

يعتبر التكرار عنصراً بلاغياً وطريقةً لغويةً إذ يُؤثر في الكلام كعامل من عوامل تحديد المفهوم وتوكيده ويخلق موسيقى عذبة. يكون توظيف التكرار عادةً لهدفٍ يرنو إليه الشاعر وهو توجيه فكر المخاطب نحو المنظور. بشرى البستاني (١٩٥٠م - ...) شاعرة عراقية في الضفة الشمالية من «خليج فارس» تصوّر في قصيدتها «أندلسيات لجروح العراق» آلام الشعب بقلب مليء من الحب وتحرّضه إلى المقاومة وترك الخوف في مواجهة العدوان في شعرها المقاوم. وتتطرّق إلى إشادة الثوريين والشهداء وإدانة الأنظمة العربية الظالمة وحكام العرب.

تناول هذا البحث، مستعيناً بالمنهج الوصفي- التحليلي الذي قد يعتمد على الإحصاء، دراسة التكرار وأنواعه (مثل تكرار الصوت وتكرار الاسم والصيغ الصرفية والضمائر ...) وكذلك اتّخذ مقاصد التكرار وتأثيره في القصيدة من ناحية اللفظ والمعنى. تحكي النتائج الحاصلة عن أنّ الشاعرة بشرى البستاني جعلت علاقة متماسكة بين اللفظ والمعنى مع توظيف التكرار ويعبّر التكرار في شعرها عن أهمية المضمون علاوةً على إثرائه الموسيقي الشعرية. استخدمت الشاعرة التكرار لبيان مفاهيم المقاومة ووقّفت في تعاطي التكرار من أجل فعل التأثير والتلقين في المخاطب. ويمكن أن نعتبر التكرار من أكثر العناصر شيوعاً ومن أهمّ العناصر في جمالية الكلام الشعري لدى البستاني.

الكلمات الدلالية: بشرى البستاني، قصيدة أندلسيات، جمالية التكرار.

١. أستاذ مساعد قسم اللغة العربية وآدابها في جامعة يزد

٢. ماجستير في اللغة العربية وآدابها من جامعة يزد؛ fatemehyari89@gmail.com

٣. ماجستير في اللغة العربية وآدابها من جامعة يزد

اللهجات الداريجة على الساحل الشرقي للخليج الفارسيّ وعلاقتها مع الفصحى في المستوى الصرفي والدلالي (دراسة في لهجة جشة نموذجاً)

الدكتور خليل پرويني^١، الدكتور حامد صدقي^٢ وفهده محمدنژاد^٣

الملخص

تهدف هذه الدراسة وبمنهج وصفي - احصائي إلى دراسة لهجة "جشة" إحدى القرى التابعة لمحافظة "بندر لنجه" القاطنة في الشريط الساحلي للخليج الفارسيّ وعلاقتها مع العربية النموذجية من خلال المستويات الصرفي والدلالي وبيان الوجوه المشتركة. والمقصود من "العربية النموذجية" هي اللغة الممثلة في القرآن الكريم.

توصّلت الدراسة إلى أنّ وجود اللهجات أمر طبيعيّ ومسلم به ولا يمكن تجنّبه. لذا أبناء البيئة الواحدة لديهم مستويان في اللغة مستوى يمارس في الحياة اليومية ومستوى نموذجي وأدبي. أصول العربية الفصحى مبنيّ على المستويات اللغوية التي تكون مشتركة بين الداريجة والفصحى. فبسبب المخزون المشترك والتواصل المستمر مع اللهجات المجاورة لهذه القرية ومن ثمّ الجذور اللغوية الأصيلة بينها وبين اللغة الأمّ يمكن أن نلمس التقارب الكبير بينها وإن تعرّضت للتغيّر والتطور على مدى تاريخها الطويل ما يمكن لأبناء هذه اللهجة فهم العربية النموذجية على المستوى الجيد. فمن خلال وجود اللهجات وصوغها في اطار علمي يمكن أن نصل إلى استقرار لغويّ بين الداريجة والفصحى.

الكلمات الدليلية: اللهجات الداريجة، الخليج الفارسيّ، الفصحى، لهجة جشة، المستوى الصرفي، الدلالي.

١. أستاذ في جامعة تربيت مدرس؛ parvini@modares.ac.ir

٢. أستاذ في جامعة الخوارزمي

٣. ماجستير من جامعة تربيت مدرس.

دور الترجمة ومساهمة الأفلام المدبلجة في غرس القيم الأخلاقية لدى أبناء الدول المطلة على خليج فارس

الدكتور محمد جواد پورعابد^١

الملخص

هناك طرق عدّة تساعد في تكوين شخصيّة الأطفال ورسم معالم تربيتهم؛ منها الأفلام وقد يكون لها الحظّ الأوفر في تكوينهم الخلقي وتوجيههم نحو قيم ومبادئ تنهل من منهل الإسلام وتقاليد شعوب منطقة خليج فارس؛ فإذا كان للأفلام هذا الدور الأمثل، فلترجمة دور أيضاً لا يقلّ عن ذلك؛ لأنّه بترجمة الأفلام التي تتخذ من الشريعة والتراث الإقليمي دستوراً للحياة يمكن إرساء المبادئ الإسلامية لدى الأبناء وبالتالي الحفاظ على نقاء الأسرة وطهارتها والابتعاد عن نظيراتها من الأفلام الغربية التي تستهدف تهمّ ثقافة شعوب منطقة خليج فارس. ومن هنا يظهر الارتباط الوثيق بين اللّغة العربيّة والحفاظ على ثقافة شعوب المنطقة العريقة؛ حيث تتخذ هذه اللّغة وسيلة لترجمة الأفلام التي تنتجها شعوب المنطقة.

فالأمّ هذا يعدّ ضماناً جهويّةً هذه الشعوب للحفاظ على تقاليدنا وهويتنا وبالتالي الالتزام بالوفاق والابتعاد عن كلّ أمر يؤدّي إلى الانسراح بين شعوب المنطقة؛ خاصّة وأنّ هذه اللّغة تعتبر عنصراً مشتركاً يربط فيما بين شعوب الحضارة الإسلاميّة. فالدارسون لهذه اللّغة باكتسابهم الخبرة الكافية والتحلّي بالكفاءة اللازمة بإمكانهم المشاركة التصديّ للعوالم التي يشنّها الغرب ضدّ الثقافة الإسلاميّة بأفلامه الأخلاقية، فالحصول على المهّمّ ممكن، لكنّه على شرط تمكين الشباب من المعارف والمهارات للاستخدام الإيجابي والأمثل لمهارات الترجمة عبر اعتماد برامج تدريبية وتأهيليّة كنيّفة ومتحدّدة، وتشجيع بالحضور في دورات تدريبيّة مختلفة والتعلّم من خلال نوادي متخصصة بالمنظّمات والجمعيات الأهليّة وادماج موادّ مختصّة بالترجمة ضمن المقررات الجامعيّة، وتيسير المشاركة الواسعة للشباب في الفعاليّات الوطنيّة والعربيّة والدوليّة التدريبيّة والتأهيليّة لوضع معارفهم في محلّ التنفيذ. يبدو ذلك هاماً لما نرى أنّ هنالك شريحة عريضة من شعوب الوطن العربي أصبحت تتابع الأفلام الإيرانيّة المدبلجة إلى اللّغة العربيّة، خاصّة وأنّها متمسّكة بما يتناسب مع الجوّ العائلي. فلإنجاز هذا الهدف أشار البحث أولاً إلى أهميّة اللّغة العربيّة والثقافة الإسلاميّة والمحليّة لشعوب المنطقة ثمّ أكّد على ضرورة الحضور والمشاركة في ترجمة الأفلام، وأخيراً بيّن دور المراكز التعليميّة في مساهمتها في خلق فرص عمل للدارسين وكذلك نشر الثقافة الإسلاميّة والتراث المحليّ الذي تمتلكه الدول الإسلاميّة من ضمنها إيران.

الكلمات الدليليّة: اللّغة العربيّة، الترجمة، دبلجة الأفلام، القيم، الثقافة.

^١ . أستاذ مساعد في جامعة خليج فارس، بوشهر؛ javad406@gmail.com

التواصل الحضاري والثقافي بين الفارسيّة والعربيّة في منطقة الخليج الفارسيّ

الدكتور يعقوب يوسف پورنجف^١

الملخص

لاشكَّ أنَّ التلاقح الحضاريّ الذي تمَّ خلال قرون طويلة بين الحضارتين العربيّة والفارسيّة قد أتى أكله في الأدبين العربيّ والفارسيّ؛ فقد أغنى كلُّ واحد منهما الآخر وفتح له آفاقاً جديدة، ما كان لها أن تتيسر لولا هذه القرى. وليس من قبيل المبالغة القول بأنَّ التواصل الحضاريّ والثقافيّ بينهما يُعدُّ أنموذجاً متميّزاً على المستوى الإنسانيّ في مجال التأثير المتبادل الإيجابيِّ والمثمر بين الثقافات البشريّة، الأمر الذي يدلُّ على الأهمية البالغة للدراسات المقارنة بين الأدبين العربيّ والفارسيّ وضرورة العناية بها وتشجيعها. أدرك العربُ مبكراً قيمة التواصل الثقافيّ بين الأمم والشعوب ودوره في تحقيق التلاقح المطلوب لإنجاز التراكم المعرفيّ الذي يمهد لميلاد حضارة جديدة، ففي حالة الحضارة العربيّة الإسلاميّة كان الإنفتاح على الآخر إيجابياً تضافرت خلاله ظروف ذاتية كالقيم التي جاء بها الإسلام. وإنصهر فيه الجميع من كلِّ دين وجنس ولون، لا بديل عن جو الحرية الفكرية والسياسية التي ترعى شتى الأفكار على اختلافها وتنوعها.

الكلمات الدليلية: الفتح الإسلاميّ، الفرس، الثورة العباسية، الصّلات الإجتماعية.

^١ . دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور بوشهر؛ yaqoobpoornajaf@yahoo.com

الهجرة والتبادل اللغوي بين اللهجة الإماراتية والعجمية أو الأشمية

فاطمة توانا^١، خديجة ملاً^٢ والدكتور سيد حيدر شيرازي^٣

الملخص

اللغة هي أصوات يعبر بها كل قوم عن أغراضهم والهجرة هو انتقال الشخص أو مجموعة من الأشخاص من مكان إقامتهم إلى مكان آخر لفترة طويلة بأي سبب ولها أنواع ولها تبعاتها على الثقافة البشرية عامة واللغة خاصة. الشخص المهاجر يتأثر بلغة المقصد وإن كان عدد المهاجرين ضخماً فيؤثرون فيها كذلك ولغة المهاجرين المتغيرة تؤثر في لغة البلد المنشأ، إن رجع المهاجر إلى بلده بعد فترة طويلة أو حتى قصيرة. هذه التغيرات قد تكون في كل المستويات اللغوية من الصوت والكلمة والجمل والمعنى. منذ نشأة الدول الخليجية قد هاجر عدد كبير من الإيرانيين خاصة في محافظتي فارس وهرمزگان إلى هذه البلدان من الإمارات العربية المتحدة والكويت وقطر وفي السنوات الأخيرة عمان، تأثروا بلغتهم وأثروا فيها وحملوا معهم هذه التأثيرات إلى بلادهم المنشأ.

في هذه الدراسة نحن بصدد الكشف عن هذه التفاعلات بالتوصيف والتحليل والدراسة الميدانية والاستعانة بالكتب. نجد كثيراً من المفردات المتبادلة بين اللهجتين كما أنه أحياناً نواجه الأصوات وشبه جملة المشتركة بين اللهجتين في اللغتين.

الكلمات الدلالية: الهجرة، التبادل اللغوي، اللهجة الإماراتية، اللهجة الأشمية.

^١ . طالبة الدكتوراه في جامعة خليج فارس، بوشهر؛ tavanaf1393@gmail.com

^٢ . خريجة الماجستير في جامعة تربيت مدرس، تهران

^٣ . أستاذ مساعد في جامعة خليج فارس، بوشهر

الأبوذية الأهوازية، دراسة في الشكل والمضمون

الدكتور محمود رضا توكلي محمدي^١ وحسين مقدم^٢

الملخص

الأبوذية نوع من الشعر الشعبي تتكوّن من أربعة أشطر وفي آخر كلّ شطر جناس ماعدا الشطر الرابع فهو يختم بكلمة آخرها "يه"، تنشأ الأبوذية علي وزن الوافر وتنقسم إلى عشرة أقسام هي المولد والمضمن والمنطلق والمدور والمقسوم والمخمس والمزدوج والألغاز وذو المقاصر والمقطع. ابتدع هذا الغالب الشعري في العراق وفي الأهواز جنوب ايران. تنشأ الأبوذية في جميع المضامين الشعرية منها الغزل والرثاء والمواعظ والعتب والمدح والذم وأكثر ما تنشأ فيه هو الغزل ولا تستثني الأبوذية الأهوازية من هذه القاعدة حيث قام شعراء الأهواز باللّهجة الدارجة بسرد هذا النوع من الشعر وأكثروا فيه حتي عرف منهم شعراء ذاع صيتهم في جميع البلدان العربية. تهتم هذه الدراسة علي أساس المنهج الوصفي - التحليلي بتعريف الأبوذية الأهوازية بأنواعها المختلفة شكلاً ومضموناً وذكر بعض شعرائها المعروفين منهم الملا فاضل السكراني ومما وصلت إليه هذه الدراسة أنّ الأبوذية الأهوازية بقت علي شكلها ال أول دون أيّ تطور كما هي أشهر الشعر الشعبي انشاداً في الأهواز وأنشدت في جميع المضامين المعروفة.

الكلمات الدليلية: الشعر الشعبي، الأهواز، الأبوذية، الشكل، المضمون.

^١ . أستاذ مساعد بجامعة قم؛ Dr.mrtavakoly@yahoo.com

^٢ . طالب الماجستير بجامعة قم

دراسة صورة النبي(ص) في شعر الشيخ أحمد الوائلي

الدكتور محمود رضا توكللي محمدي^١ وحسين مقدم^٢

الملخص

لنبي(ص) مكانة خاصة في الشعر العربي لا يقابلها أي شيء آخر، لأنه شخصية بارزة له مكانة مرموقة بين العرب المسلمين وغير المسلمين. فمدحه غير قليل من شعراء العرب، مسلماً كان أم غير مسلم عبر التاريخ، فغير مستغرب أن نرى دراسة صورته في الشعر العربي شغلت حيزاً كبيراً من الدراسات المعاصرة في الأدب. فكل شاعر حاول أن يتطرق إلى النبي ووصفه في أشعاره حسب طاقاته ومقدراته والشيخ أحمد الوائلي الشاعر العراقي المعاصر (١٩٢٨-٢٠٠٣م) لا يستثنى من هذه القاعدة حيث كرس أشعاره في خدمة الإسلام وتوعية المسلمين وتطرق إلى مدح النبي في شعره وأشار إلى خلق النبي وإليه حبه له كما أشار إلى الجهاد والكفاح آنذاك وإلى البقيع ومن دفن فيه والأوضاع السائدة على الأمة وتقصير المسلمين شعباً وحكاماً في ضياع شموخهم وكبرياتهم وأنه يذكر رجال الحضارة الإسلامية الذي كان لهم السهم الوفير بعد النبي في تطور الإسلام شرقاً وغرباً وثم عاقبة الأمة. تسعى هذه الدراسة على ضوء المنهج الوصفي التحليلي لأشعار الشيخ أحمد الوائلي إلى بيان هذه المضامين وشرحها ومما توصلت إليه دراستنا هو أن الشيخ أحمد الوائلي كان شديد الوله في حب النبي وكان يتحسر على الحضارة الإسلامية ويبين حال الأمة اليوم وينقله إلى النبي وأنه سري علي خطي أصحاب البرد ولكنه اضاف إلى شعره نمطاً جديداً ميز أشعاره عن أصحاب البرد وهو أنه جعل من النبي رجل الحضارة وأسوة الحياة علاوة على شخصيته الدينية المقدسة.

الكلمات الدليلية: الأدب العربي المعاصر، الحضارة الإسلامية، أحمد الوائلي، النبي الاكرم.

^١ . أستاذ مساعد بجامعة قم؛ Dr.mrtavakoly@yahoo.com

^٢ . طالب الماجستير بجامعة قم

جهود الدكتور محمود البستاني في تجديد الدراسات القرآنية والبلاغية والأدبية

أحمد جاسم ثاني^١

الملخص

يُعدّ الدكتور محمود البستاني (رحمه الله) واحداً من أبرز أعلام الفكر العربي المعاصر، إذ عُرف بدراساته القيّمة والمتنوعة في مجال علوم القرآن والتفسير والبلاغة والأدب والنقد، وغيرها من الدراسات الإنسانية التي أثرت ساحة الثقافة العربية والإسلامية، فقد جاءت هذه الدراسات برؤية جديدة قلّما نجد لها نظيراً في دراسات القدماء والمحدثين، إذ أنها تنطلق من منهج القرآن الكريم والتراث الإسلامي الأصيل المتمثل بكلام رسول الله وأهل بيته:

فمن أبرز ما جاء به البستاني هو المنهج البنائي في قراءة النصوص الأدبية، ورّكز في دراساته على النصوص الشرعية (القرآن الكريم، وكلام المعصومين)، وأصبح هذا المنهج السمة الغالبة على جلّ مؤلفاته. وفي هذا البحث نحاول الوقوف عند هذه الجهود التجديدية التي تستحق التأمل طويلاً، لتتعرف على مكانة هذا الباحث الجليل وما قدمه من خدمة للغتنا العربية ولتراثنا اللغوي والأدبي الإسلامي، وذلك في ضوء الإطالة على آثاره القرآنية والبلاغية والأدبية.

الكلمات الدليلية: الدراسات القرآنية، الأدب، البلاغة، محمود البستاني.

^١. جامعة البصرة/كلية التربية - القرنة/ قسم اللغة العربية؛ ahmedjth@gmail.com

شُراء العربية بلنجة في العصر الحديث واتجاهاتهم الفكرية والعقائدية

عبدالرحمن حقاني^١ والدكتور سيد حسين مرعشي^٢

الملخص

إنّ الأدب العربيّ في العصر الحديث بإيران من الموضوعات التي لم يدرسها الباحثون المعاصرون إلا نادراً، ولاسيما فيما يتعلّق بالأدب العربي في المناطق الحدودية. ويظهر من طريقة معالجتهم هذا الموضوع أنّ عدم وجود أدب عربيّ في إيران، في هذه البرهة، أمرٌ بديهيّ لانقاس فيه؛ إلا أنّنا نرى، ومن خلال تتبّعنا في المصادر المعاصرة، أنّ الأدب العربيّ بصورة عامّة، والشعر العربيّ بصورة خاصّة، في إيران الحديثة، موضوعٌ يستحقّ البحث، خاصّةً بين الشعوب العربيةّ جنوبيّ البلاد. ومن هذه المناطق ميناء لنجة على ساحل الخليج الفارسي، وتتميّز هذه المنطقة بأغليبتها السكّانية السنيّة. وفي هذا البحث، نريد أن نتعرّف على شعراء لنجة العرب وبعض أعمالهم الشعرية، كما نُشير إلى انتماءاتهم الفكرية والعقائدية، وهذا الأخير بالذات، فقد شجّعنا أكثر لدراسة هؤلاء الشعراء؛ لأنّ أكثر شعراء العربية في العصر الحديث بإيران من الشيعة الإمامية؛ إلا أنّ شعراء لنجة فأغليبتهم من المذهب الشافعي. ويمكن للبحث أن يُظهر لنا عوامل مؤثّرة في الشعر العربيّ بإيران غير التي نجدها في المناطق الأخرى. ونعتمد في دراستنا على المنهج التاريخي. وذلك وفق المنهج التاريخي. وجدنا خمسة عشر شاعرًا مجلّهم من أبناء لنجة، إلا شاعرًا واحدًا وقدّ إليها من البحرين، وهو عبدالله الذّهبة. وكلّ شعراء لنجة من أهل السنّة، ما عدا عبدالله الذّهبة، وهو عالم شيعي.

الكلمات الدليلية: الشعر العربي، العصر الحديث، إيران، لنجة، شعراء لنجة.

١. طالب الماجستير في اللغة العربية وآدابها بجامعة شيراز

٢. أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة شيراز؛ Hosein-marashi@shirazu.ac.ir

القيم الاجتماعية في الأمثال الشعبية الأهوازية

عيسى دمني^١

الملخص

يخفل التراث الشعبي الأهوازي بالقيم والفنون والتقاليد المختلفة التي توارثها الجيل الراهن عن الأجيال السابقة وهي متنوعة في ضروب وأنماط شتى توزعت بين القيم الأخلاقية والاجتماعية وفنون الأدب الشعبي من شعر وأمثال وألعاب وأغان وترانيم وحكايات وألغاز. يهدف هذا المقال لتسليط الضوء على القيم الاجتماعية في الأمثال الشعبية والاطلاع على قصة المثل وما يرمي إليه في الاستخدام والتداول الشعبي. سعة انتشار الأمثال الشعبية في أوساط المجتمع الأهوازي وكثرة استعمالها في لغة التخاطب اليومي وحضوره المكثف في الشعر الشعبي وكذلك تركيز هذه الأمثال على القيم الاجتماعية، كانت من أهم الأسباب التي دعت لضرورة القيام بهذا البحث وقد اعتمد على المنهج الوصفي - التحليلي في دراسة الأمثال الشعبية المستخدمة والمنتشرة بين العرب في محافظة خوزستان. كما اتضح للباحث أنّ أغراض استعمال هذه الأمثال واسعة وتشمل أهمّ القيم الاجتماعية والأخلاقية التي تحتلّ مكانة عالية وتحظى بأهمية كبيرة لدى الشعب العربي في محافظة خوزستان كالمشورة والكرم وإقراء الضيف وكنمان السر والصداقة وصلة الرحم وحسن الجوار وما إلى ذلك من قيم اجتماعية أخرى مستخدمة في الأمثال الشعبية.

الكلمات الدلالية: الأمثال الشعبية، القيم الاجتماعية، عرب الأهواز، إقليم الأهواز.

^١. ماجستير أدب عربي جامعة بيام نور قم؛ Issa.damani@gmail.com

الأسماء في اللغة العربية الفصحى واللهجة الأهوازية (دراسة تطبيقية)

الدكتور اسحق رحمان^١ وعلي حيدري^٢

الملخص

للغة العربية ميزة خاصة من بين سائر اللغات. فهي قبل أن تكون لغة القرآن والإسلام كانت من أكمل اللغات عند الأمم. ولكنها مع وجود هذه الميزات، لم تسلم من التغيير التدريجي الذي يحدث في التحدّث بها على مرّ العصور. وانتشار الناس في أنحاء العالم وانقسامهم إلى جماعات منعزلة غير شكل ظاهرها في التكلم شيئاً فشيئاً إلى أن صار كلُّ بلد عربي يعرف بعربيته العامية. ولكن هذه العاميات الدارجة الآن بين البلدان العربية لم تتخلّ عن الأصول اللغوية ولا المفردات الأصيلة بل غير الزمان أقساماً من جلدتها وغشائها لأكثر. إحدى هذه العاميات المنشعبة من اللغة العربية هي اللهجة الأهوازية. فقد وقع التغيير عليها بمرور الزمن وتحوّل الصرف والنحو فيها إلى شكل خاص يُميّز فيه عن الفصحى. تسعى هذه المقالة أن تقوم بدراسة الصرف في اللهجة الأهوازية. وهي دراسة تطبيقية بين العربية الفصحى والعامية الأهوازية من حيث صرف بعض الأسماء واستخدامها و تلفظ بعض الكلمات و تبيين مدى قربها أو بعدها عن اللغة العربية الفصحى. فتؤدي هذه إلى تطبيق القواعد الأهوازية على الفصحى لدى متعلم العامية الأهوازية. كما تمهد الطريق للباحث اللغوي أن يكشف مدى احتفاظها بالفصحى على مر العصور مع ابتعادها عن الكتابة والقراءة بالعربية. فبدراسة الموضوع وتحليله، توصل الباحث إلى أن استخدام الأسماء في اللهجة الأهوازية قريب جداً من الفصحى إلا أن هذه الأسماء قد تتبدل تارة ويتغير شكل تلفظها تارة أخرى. وإنما هذا طبيعي في اللهجات المختلفة.

الكلمات الدليلية: اللغة العربية الفصحى، اللهجة الأهوازية، التطبيق، الصرف، الأسماء.

١. أستاذ مشارك بجامعة شيراز؛ esrahmani@yahoo.com

٢. طالب فرع اللغة العربية وآدابها بجامعة شيراز

دراسة تأثير الألفاظ الفارسية في مفردات اللغة العربية

الدكتور عبدالرزاق رحماني^١ والدكتور يعقوب خرسند^٢

الملخص

إنَّ اللغة العربية قد مرت كغيرها من اللغات بمراحل مختلفة، ولعل اتصال الفرس بالعرب كان على عهد الذي كانت قبيلة طيء صاحبة الشهرة في الجزيرة، وما زال الفرس حتى الآن يطلقون على كل عربي كلمة (تازي) أي طائي، ويتناول هذا المقال، بشيء من الشرح والتوضيح دراسة تأثير الألفاظ الفارسية في مفردات اللغة العربية، ومدارها حول بعض الألفاظ الفارسية التي وردت في اللغة العربية، لأنَّ التلاقح والتفاعل بين اللغات ليست جديدة، يرجع جذورها إلى العصور القديم وبهذا فإن اللغة العربية لا تخلو عن هذه القاعدة حالها كحال باقي اللغات فدخلت فيها ألفاظ أعجمية كثيرة؛ عن طريق النقل والترجمة من جانب، وعن طريق التزاوج والتصاهر من جانب آخر؛ فأدخل العرب في لغتهم من لغات هذه الأقوام ألفاظا كثيرة، ولكن اللغة التي حازت قصب السبق في إعارتها هي الفارسية؛ حيث نجد الكثير من الألفاظ، من صفات وعادات ولكنها تزداد في أسماء ما لم يكن معهودا بكثرة في الجزيرة العربية كمسميات الأواني والأزهار والنبات والموسيقى والثياب والعطور وغير ذلك؛ وهذا البحث محاولة لكشف عن جوانب التأثير، الذي حدث في مفردات اللغة العربية من قبل تلك الحضارة الوافدة.

الكلمات الدلالية: تأثير، الألفاظ، المفردات، اللغة.

١. أستاذ مساعد بجامعة هرمزكان - مركز هرمز للدراسات والبحوث؛ rahmani6038@gmail.com

٢. أستاذ محاضر في جامعة جهرم

أثر اللغة الفارسية في اللهجة القطيفية

الدكتور عبدالرزاق رحمان^١ وصديقة دريانورد^٢

الملخص

إنَّ التأثير والتأثر بين اللغات أمرٌ شائعٌ منذ القدم، فلا غرو أنَّ من أهم أسباب الاحتكاك بين اللغات هي الاحتكاك بين الشعوبها، وقد يحث هذا الأمر بين اللغات واللهجات؛ فقد تتأثر لهجة ما بلغةٍ فصيحةٍ غير اللغة التي تنتمي إليها، فاللهجة شأنها شأن اللغة تماماً؛ إذ هي أيضاً قد تتفاعل مع اللغات واللهجات الأخرى، فتنمو وتطور. للتفاعل اللغوي، ظواهر لغوية عديدة من أبرزها الاقتراض اللغوي؛ وهذا ما يتطرق إليه هذا البحث وهي اقتراض المفردات من اللغة الفارسية في اللهجة القطيفية وقد قام البحث على أساس المنهج وصفي- التحليلي بجمع المفردات القطيفية التي هي من أصل فارسي، ودراسة بعض التغييرات التي طرأت على بعض هذه الكلمات الدخيلة، إلا أنَّ عدداً من هذه الألفاظ لم يحدث لها تغييراً وبقيت على حالها واستمرت تداولها دون أيِّ تحوّل حتى يومنا هذا؛ يتبين من خلال هذه الدراسة أنَّ اللغة الفارسية بشكل بارز في اللهجات القطيفية ولا سيما لهجة القطيف.

الكلمات الدلالية: اللهجة القطيفية، اللغة الفارسية، الاقتراض اللغوي، المعرب، الدخيل.

١. أستاذ مساعد بجامعة هرمزكان- مركز هرمز للدراسات والبحوث؛ rahmani6038@gmail.com

٢. طالبة ماجستير في جامعة شيراز

فن الأبوذية في خوزستان نشأته وتطوره

محمد رضازاده كاوري^١، الدكتورة كبرى خسروي^٢ والدكتور حسين چراغی وش^٣

الملخص

فنّ الأبوذية من الفنون الكثيرة للشعر الشعبي في محافظة خوزستان (إيران). هذا الفن لا يختص بمحافظة خوزستان فحسب، لكنّ الأبوذية في هذه المحافظة تميّزت عن غيرها بمواضيعها وقدرتها وتنوع أشكالها و... الأبوذية إلى جانب سائر أشكال الشعر الشعبي الخوزستاني كالموال والهات والدارمي تُشكّل مجموعةً مقتدرهً من الأدب الشعري. نحن في هذا المقال نسعى للتعرف على تاريخ الأبوذية في محافظة خوزستان وأنواعها ورؤاها وأغراضها. ونتعرف على أنّ ما هي الأبوذية وكيف نشأت وما هي خصائصها؟ فنحن قمنا بالقاء نظرة على دواوين الشعراء والتقينا بعدد منهم عبر زيارة ميدانية من أجل الحصول على إجابة لأسئلتنا وقسّمنا البحث إلى أقسام، منها: نشأة الأبوذية وبحرها ورؤاها وأنواعها وأغراضها ووصلنا إلى نتائج، منها: أن للأبوذية أنواع كالمُدور والمشط والزنجيل و... وأن أغراضها متنوعه تنقسم إلى أغراض تقليدية وعصرية، مثل: المدح والرثاء والفخر و... وهو حدثٌ متكاملٌ ينتظم في أربعة أقطرٍ في البحر الوافر واختيارنا له كموضوع لهذا المقال لأننا رأينا فيه المؤهلات لأن يكون سفير الجمهورية الإيرانية الإسلامية الثقافي في ساير بلدان الخليج الفارسي ويقوم بالدور التقريبي.

الكلمات الدليلية: فن الأبوذية، الشعر الشعبي، خوزستان، الجنس.

^١ . طالب دكتوراه بجامعة لرستان

^٢ . أستاذة مساعدة بجامعة لرستان؛ Kobra.khosravi@gmail.com

^٣ . أستاذ مساعد بجامعة لرستان

التحليل السيميائي لقصيدة «الشهداء» للشاعر السعودي غازي القصيبي

الدكتورة كبرى روشنفكر^١ وطارق ياراحمدي^٢

الملخص

إنّ في الأدب وخاصةً في الشعر غموضاً أو بمعنى الآخر وجود الغائب الذي يكون حاضراً وهذا الغموض لا يعني عدم فهم النص، بل يحتاج إلى القراءة العميقة على منهجٍ خاصٍ لكي يوضح المعاني الغامضة في الشعر، التي لم تكن لتظهر إلّا بالإستدلال، وهناك علمٌ ينقلنا من المعنى العام والظاهر في الشعر إلى العلامات والإشارات فيه، وهو علم السيميائية الذي يضعنا في الطريق للوصول إلى غاية الشاعر. بما أنّ لأدب المقاومة في عصرنا الحاضر دور هامٌ لعدة أسباب منها هيمنة الدول الغاصبة وظلمها للمسلمين وإحتلال أراضيتهم، فقد قام كثير من الشعراء العرب بأداء واجبهم وأنشدوا أشعاراً في رد ظلم الغاصبين وتشجيع الأمة ورناء الشهداء والدعوة إلى المقاومة، ولهذا لم يغفل الشاعر السعودي "غازي القصيبي" من هذه المهمة وأنشد قصيدة حول الشهداء. نحاول في هذا المقال أن نلقى الضوء على هذه القصيدة خلال منهجٍ وصفي وتحليلي تركيزاً على السيميائية. تدل بعض النتائج أنّ دراسة السيميائية تساعد على وضوح الجمليات الخفية في هذه القصيدة، مثل مخاطبة الشهداء بدلاً من الأحياء، والدعوة إلى المقاومة، وتعظيم العمليات الإستشهادية التي تحضى بقبول الآخرين.

الكلمات الدليلية: السيميائية، أدب المقاومة، غازي القصيبي، قصيدة الشهداء، آيات الأخرس.

١. أستاذة مشاركة بجامعة تربيت مدرس طهران

٢. خريج مرحلة ماجستير بجامعة تربيت مدرس طهران؛ Targh.yarahmadi@gmail.com

إستراتيجية الحذف والإضافة في الترجمة من العربية إلى الفارسية

الدكتور علي سعيداوي^١

الملخص

لا يمكن لأي مترجم مهما بلغ من القوة والبراعة في عمله أن يأتي بنص مقبول في اللغة المقصد، من دون أن يتوسل بإستراتيجية الحذف والإضافة في الترجمة. إذا الحذف والإضافة لا بد منهما في عملية الترجمة. ولكن مهما كان الأمر بديهيًا لا بد أن هناك عوامل تجعل المترجم يلجأ إلى الحذف والإضافة. ما هي تلك العوامل؟ سؤال يطرحه المؤلف في بداية هذا المقال ثم يأخذ بالتنقيب عنه في بعض النصوص المترجمة من العربية إلى الفارسية. وقد انتهى إلى نتيجة وهي أن هناك خمسة عوامل تجعل المترجم يتوسل بإستراتيجية الحذف والإضافة وهي: ١. تعويض الاختلاف النحوي بين اللغتين. ٢. لجعل النص أكثر تلائمًا مع اللغة المقصد من حيث البناء اللغوي. ٣. تحميل النص في اللغة المقصد. ٤. التعويض عن الاختلاف الثقافي بين اللغتين. ٥. سد الثغرات. الكلمات الدليلية: الترجمة، الحذف والإضافة، الاختلاف الثقافي.

^١. أستاذ مساعد في جامعة بوعلي سينا همدان؛ alisaidawi@yahoo.com

ما الذي تقدمه الثقافة الإسلامية والثقافة الغربية للإنسان المعاصر

(العراق وإيران أنموذجا)

الدكتورة هدى محمد سلمان^١

الملخص

الثقافة الإسلامية هي معرفة مقومات الأمة الإسلامية العامة بتفاعلاتها في الماضي والحاضر، من دين، ولغة، وتاريخ، وحضارة، وقيم وأهداف مشتركة. تعد ثقافة المجتمع من أهم المفاهيم الحديثة في القرن الحالي، والتي تعبر عن مفاهيم ومعتقدات المجتمعات وسلوكياتهم. وإن الحضارة الإسلامية في العراق وإيران قد أسهمت وأثرت في بعض مجالات الحياة العلمية والأدبية والفنية للشعوب التي اتصلت بها فكل الحضارات على مر التاريخ الإنساني والذي شهدت له في العصور الماضية كل الأمم الأخرى لما كان يتمتع به الدين الإسلامي من رقي وسمو أخلاقي وإنساني ساهم في الارتقاء بالحضارة الحديثة.

فلا بد أن نتحد ونتعاون ونطبق كل ما تدعو له ثقافتنا الإسلامية من التأثير الإيجابي والبناء الفاعل في التطور المدني المعاصر ولذلك نرى أن من ثمرات مبدأ الثبات في الثقافة الإسلامية العراقية والایرانية:

١. ضبط حركة الإنسان الغير أعتيادية وتقييد تصرفاته ضمن إطار محدد.
 ٢. ضبط الفكر الإنساني فلا يتأرجح مع الشهوات والأهواء والمؤثرات. قال تعالى: (ولو اتبع الحق أهواءهم لفسدت السماوات والأرض ومن فيهن) (المؤمنون، ٧١).
 ٣. يعطي الفكر والمجتمع الإسلامي الحصانة القوية المنبوعة ضد دعوات الضلالة الهدامة.
 ٤. يبيث الطمأنينة في حياة الفرد وفي حياة المجتمع.
- الكلمات الدليلية:** الانسان المعاصر، الثقافة الإسلامية، الثقافة الغربية، العراق، ايران.

^١ . جامعة بغداد/ مركز البحوث التربوية والنفسية؛ Virgin_dr@yahoo.com

النشاط الثقافي والرحلات العلمية بين العراق وايران حتى القرن

الثالث عشر الميلادي

الدكتور محمد حسين علي السويطي^١ والدكتور علي خيرى مطرود^٢

الملخص

شكلت العلاقة الثنائية بين العراق وايران عبر الحقب الزمنية المختلفة، علامة بارزة ميزت تاريخ العلاقات بينهما، وكان ذلك لأسباب كثيرة، منها: التقارب الجغرافي والتاريخي والديني بين الطرفين، الامر الذي خلق حالة من التمازج عبّرت عن نفسها بظهور حالة ثقافية فريدة ميزت الجانبين، نتج عنها تلاقح وتلاقي ثقافة البلدين وتراثهما الخاص، ثقافة وتراث مشتركين، أصبحت من مميزات العلاقة بينهما.

ومما لاشك فيه ان ما يعيشه شعبي العراق وايران اليوم من استقرار في علاقتهما على الصعيد المختلفة بما فيها الثقافية والعلمية له جذور عميقة تمتد في التاريخ، إذ لم يكن الأمر وليد اللحظة، بل على العكس، إذ طالما تبادل الطرفان الرحلات العلمية ومارسا نشاطاً ثقافياً كبيراً ضجت به صفحات المصادر من كلا الطرفين، لاسيما في المدة الممتدة حتى نهاية القرن الثالث عشر الميلادي. فقد أثر وتأثر كلا البلدين ببعضهما البعض عبر وسائل عديدة كالتواصل الاجتماعي والرحلات العلمية المتبادلة والتأليف العلمي وغيرها، وظهر ذلك جلياً في المدن العراقية والإيرانية المختلفة، وكان للغة دوراً كبيراً في ذلك فوصل الامر ان امتزجت العربية بالفارسية والفارسية بالعربية حتى يخيل لغير المختص وكأنهما شكلا ثنائية قواعدية ولفظية في لغة واحدة، فاللغة العربية اليوم تعج بالكلمات الفارسية، والفارسية اخذت الكثير من العربية، فكان تعلم الفارسية أو العربية لعلماء كلا البلدين أمراً بديهياً، فطبيعة العلوم التي كانت سائدة يومذاك والرحلة للعلم تطلبت من علماء العراق اتقان الفارسية ومن علماء ايران اتقان العربية، فاسهم كل ذلك في خلق حالة من التمازج اللغوي والحضاري، أصبحت من علامات الثقافة الحديثة اليوم.

الكلمات الدليلية: رحلة، علم، عالم، خرسان، واسط، بغداد.

١. جامعة واسط/ كلية الآداب

٢. جامعة واسط/ كلية التربية؛ ali_matrod2007@yahoo.com

تعيين الأصالة فيما بين «عجائب الهند» و«الصحيح من أخبار البحار

وعجائبها»

محمد شكري^١

الملخص

تمثل هذه المقالة ردّاً لما ادّعه الكاتب يوسف الهادي وما نشرته جريدة الحياة معنونة «عجائب الهند» للأوسي السيرافي وليس لبزرگ بن شهریار». ففي عام ٢٠٠٠ الميلادي، وبعدما طُبعت مخطوطة «مسالك الأبصار في ممالك الأمصار» طبعة مصوّرة، نشر الكاتب العراقي مقالته المشار إليها زاعماً أن موسى بن رباح هو المؤلف الحقيقي لـ «عجائب الهند» ومُعلناً إنكاره لشخصية بزرگ بن شهریار. وفي خطوته التالية انتزع يوسف الهادي كتاب «الصحيح من أخبار البحار وعجائبها» لكاتبه موسى بن رباح السيرافي من طيّات «مسالك الأبصار في ممالك الأمصار» ونشره مستقلاً كي يُجسّد رأيه بين يدي الدارسين.

تُحاول هذه الدراسة الوقوف عند بعض الشواهد اللغوية وغير اللغوية والمعلومات التاريخية تابعة المنهج الإستردادي وأيضاً المقارنة بين النصّين من حيث الاختلافات ونوعها للكشف عن الحقيقة وبعد كل هذا الجهد وصَلت إلى أنّ ما فعله موسى بن رباح هو أنه جنى من كتاب «عجائب الهند» ما اعترف بصحّته وأدخل بعض التصحيحات عليه ثمّ أعطاه اسماً آخر يدل على ما فعله و هو «الصحيح من أخبار البحار وعجائبها».

الكلمات الدليلية: عجائب الهند، بزرگ بن شهریار، موسى بن رباح الأوسي السيرافي، الصحيح من أخبار البحار وعجائبها، يوسف الهادي.

^١ . طالب دكتوراه في اللغة العربية وآدابها بجامعة لرستان؛ shokri1360@yahoo.com

جهود الدكتور مهدي المخزومي وأثره في تيسير النحو

محمد ياسين عليوي الشكري^١

الملخص

يمثل هذا البحث بياناً لجهود الدكتور مهدي المخزومي، الذي هو من علماء العراق المحدثين في دراسة تيسير النحو وهو جزء من حركة التيسير التي قامت حول النحو منذ وقت مبكر واستمرت إلى وقتنا الحاضر، وأسهم فيها طائفة من العلماء في أنحاء الأمة العربية ومنها العراق. وتتمثل أهمية هذا البحث في أن موضوعه يُعدُّ من الموضوعات التي شغلت المهتمين بالنحو العربي، لأنه يمثل نحو أقدم لغة حية باقية إلى الآن تمثل هوية العرب والمسلمين المتكلمين بها، وقد علق به كثير من التعقيدات ومباحث المنطق والخلافات والتباينات حتى ظهرت دعوات قديمة تمثلت بدعوة ابن مضاء القرطبي في القرن السادس الهجري، تبعتها دعوات مماثلة لها في ازمان مختلفة، والذي لو اعتمدت في مناهج التعليم لوجدنا فيها الكثير من خلال ما توصل اليه الدكتور المخزومي في جهوده المذكورة، التي كانت نتائجها واضحة في الخاتمة والنتائج من البحث.

الكلمات الدليلية: العراق، مهدي المخزومي، النحو، التيسير.

^١ . الأستاذ المساعد الدكتور جامعة الكوفة / كلية التربية للبنات: mohammady.alshkrey@uokufa.edu.iq

الأثر القرآني في الموروث الشعري العماني (الشيخ سعيد بن محمد بن راشد

الخروصي نموذجاً)

الدكتور عايطي عبيات^١

الملخص

عمان بلد حضاري قديم ومركز إشعاع شامخ المجد والذرى وأرض خصبة بالعلماء والعظماء والمشايخ والشعراء ومن المشايخ الشعراء الذين عرفهم العمانيون عبر التاريخ ، " الشيخ سعيد بن محمد الخروصي " الذي كان يعيش في القرن الثاني عشر للهجرة وتأثر بشكل لافت من القرآن الكريم وتجلى ذلك الأثر في كل قصائده فاتخذ من هذا الكتاب المعجز منطلقاً لاغناء تجربته الفنية عبر آية (الاقْتِباس قديماً- أوالتناص حديثاً) وراح يستثمر معانيه ومفاهيمه وأساليبه وإيجاءاته في ابداعاته.

حاولت هذه الدراسة عبر المنهج الوصفي-التحليلي التوصل قدر الامكان في الكشف عن معطيات التناص الديني المتمثل ب(القرآن) في ديوان الشيخ الراحل "الخروصي"، فكانت هذه المعطيات بالحصلة لها الأثر المشهود في تطوير وتخصيب تجربة الشيخ الفنية. بحيث تمخضت في نهاية المطاف عن دعوة الشاعر الخروصي إلى الزهد والابتعاد عن ملذات الدنيا وزجر النفس وعدم اتباع الهوى ومناصرة الحق والوقوف بوجه الظلم، والدعوة والإنابة إلى الله عزوجل والتذكير بالموت والآخرة ونعيمها، وزوال الدُّنيا ولذائذها وزخارفها وماشابه ذلك بأسلوب فني فريد جمع فيه ما بين المفاهيم القرآنية والتجربة الشعرية. الكلمات الدليلية: القرآن الكريم، الشيخ سعيد بن محمد الخروصي، أشكال الأثر القرآني.

^١ . أستاذ مساعد بجامعة فوهنغكيان رسول الأكرم، الأهواز، ati.abiat@yahoo.com

أهل البيت (ع) في الموروث الشعري العراقي - نموذجاً عبدالحسين الحويزي

الدكتور عاطي عبيات^١ واهم باجي^٢

الملخص

يعتبر الشاعر الولائي الحويزي المعاصر "عبدالحسين الحويزي" من الشعراء المغمورين الذين تعلقوا بحب أهل البيت (عليهم السلام) وكترسوا معظم حياتهم الأدبية في الدفاع عن العزة النبوية مدحاً ورثاءً في توهج عاطفي، وفيض وجداني صادقين يعكسان مدى حبهم وولائهم للنبي الأكرم والإئمة الأطهار (عليهم أفضل الصلاة والسلام). لقد تركت عبقرية الشاعر تأثيراً عميقاً في المجتمع المعاصر واصبح ديوانه زاخراً بأشعار قد ترعرت وتغذت من رحم التشيع الدافئ، النابض بالمحبة الصافية لأهل البيت (عليهم السلام). فالشعر الولائي يعتبر من الاغراض السامية الخالدة التي يؤكّد عمق الولاء لرسالة الإسلام وشدة الارتباط بالقادة الرساليين، ويكشف عن التزام الشاعر بواحد من أهم المبادئ الإسلامية، ألا وهو مودة ذوي القرى أهل بيت النبي (ص)، التي تضمن سعادة الدارين. لذلك أختارنا بعض قصائد الشاعر لمعرفة ما بين السطور وما يربط ذلك من قنوات وروابط اتصال ورسائل التعبير اللغوي والدلالي المشوب بشحنات من العواطف النبيلة الصادقة والدفاع المستميت للشاعر عن أهل البيت (عليهم السلام) والتعريف بمكانتهم الدينية والعلمية وضرورة تطبيق منهجهم الفكري في الأمور الدنيوية والاخروية. جاءت هذه الدراسة حسب المنهج الوصفي - التحليلي.

ومن النتائج التي توصلت إليها الدراسة هي إنّ جنوح الشاعر نحو توظيف (شخصيات أهل البيت) جاء متناغماً مع تجربته المعاصرة وما يعانيه هو وشعبه من كبت ومضايقة من قبل الحكام الظلمة والمستعمرين في عصره مع ما تعرض له أهل البيت من مآسي وتضييق في الماضي، في محاولة لإضفاء التقديس والبعد الديني على مشروعية نضاله ونضال شعبه وتأليب العواطف والأفكار لدى الشارع العراقي بضرورة التلاحم والتكاتف في الدفاع عن حقوق أهل البيت (عليهم السلام) المستباحة وتوعية الشعب في مواجهة الشبهات والفتن والانحرافات المضللة.

الكلمات الدلالية: عبدالحسين الحويزي، فضائل أهل البيت، المدح، الرثاء.

^١ . أستاذ مساعد بجامعة فرهنغيان رسول الأكرم، الأهواز، ati.abiat@yahoo.com

^٢ . ماجستير في اللغة العربية وآدابها من جامعة اميرالمؤمنين، الأهواز

التناص في الشعر الشعبي الخوزستاني - ديوان الشاعر الراحل "فاضل السكراني" - نموذجاً

الدكتور عايطي عبيات^١ واحمد باجي^٢

المخلص

يهدف هذا البحث إلى معالجة ظاهرة التناص ودلالاتها في شعر "فاضل السكراني" الراحل والكشف عن ظاهرة تداخل النصوص وتفاعلها، وتأثير ذلك في إنتاج الدلالة الشعرية. فأهمية توظيف تقنية التناص في الشعر ترجع لما تشكله هذه الظاهرة من أبعاد فنية وإجراءات أسلوبية تكشف التفاعل وأشكاله المختلفة بين النصوص، إذ يقوم استدعاء النصوص بأشكالها المتعددة الدينية والشعرية والتاريخية على أساس وظيفي يجسد التفاعل الخلاق بين الماضي والحاضر. ومن أهم مصادر التناص عند الشاعر "فاضل السكراني"، هو التناص مع القرآن الكريم، إذ يعد القرآن أهم مصدر ديني وفكري لدى الشعراء العرب والمسلمين بعامه، والشعراء الخوزستانيين بخاصة. فعمد إليه "السكراني" اقتباساً وتضميناً واستشهاداً على سبيل التناص أو الاقتباس. فقد عكف الشاعر على امتصاص الثراء الدلالي للموروث الديني - فضلاً عن إفرازات الحديث النبوي والأدب من خلال محاوراته لشخصياته، واستثمار لقصصه، ومواقفه النفسية والإنسانية، وإعادة كتابتها من جديد في نتاجه الفني بصورة مميزة تعبر عن قضايا ورؤاه المعاصرة. فهذا المقال عبر المنهج الوصفي - التحليلي بصدد دراسة تقنية التناص و أشكاله في شعر الشاعر و بيان أثر ذلك التكنيك الفني على تجربة الشاعر الفنية.

الكلمات الدلالية: الشعر الشعبي الخوزستاني، فاضل السكراني، التناص، أشكال التناص.

^١ . أستاذ مساعد بجامعة فرهنكيان رسول الأكرم، الأهواز، ati.abiat@yahoo.com

^٢ . ماجستير في اللغة العربية وآدابها من جامعة اميرالمؤمنين، الأهواز

أحمد السقّاف .. شاعر الكويت وباني ثقافتها

الدكتور شاكِر عامري^١

الملخص

أحمد السقّاف شخصية أدبية لامعة في سماء الشعر الكويتي الحديث. له آثار نثرية تنوف على تسعة عدداً وآثار شعرية بلغت ثلاثة دواوين. كتب السقّاف في أغلب أغراض الشعر المعروفة. فقد كتب في الغزل والنسيب، والرثاء، والوطن، والعروبة، والحرية، والحياة، والأرض، والإنسان، والتاريخ، ويضم ديوان (شعر أحمد السقّاف) مجموعة من القصائد الوطنية والوصفية والوجدانية. أخذ عن السياب بعض سماته الشعرية، وخاصة اتجاهه لشعر التفعيلة، لكنّ القسم الأعظم من شعر السقّاف جاء حسب تقنية الشطرين. يمكننا تقسيم رحلة السقّاف الشعرية إلى مرحلتين زمنيتين، هما ما قبل الغزو العراقي للكويت وما بعد الغزو. يهدف البحث إلى إثبات كون السقّاف أحد رواد الشعر الكويتي الحديث بما تركه من آثار شعرية، وأنه شارك بفاعلية في بناء الثقافة الكويتية بما تركه من بحوث وآثار نثرية وبما أقامه من مشاريع ثقافية عملاقة، أهمها مشروعان، الأول إرساء اللبنة الأولى لمجلة العربي الشهيرة، والثاني قيامه بجمع أدباء الكويت وأدبياتها في رابطة الأدباء، حيث تنطق باسمها مجلة البيان. أما المنهج الذي اتبعه البحث فهو المنهج الوصفي الذي يقوم على استقراء المعطيات المتاحة وصولاً لنتائج محددة، والإفادة من المنهج التاريخي، علاوة على المنهج الفني، إن لزم الأمر.

إنّ النتيجة التي يزمع البحث الوصول إليها هي أنّ شعر السقّاف كان يراوح بين عدة مدارس أدبية من الناحية الفنية؛ الأولى هي المدرسة الكلاسيكية الجديدة، حيث كانت مضامين قصائده تركز على المناسبات وتستجيب للظروف، والثانية هي المدرسة الرومانسية، حيث اتجه للطبيعة وتنويع الموسيقى العمودية وانصرافه إلى شعر التفعيلة بالمواصفات السيابية، إن صحّ التعبير، والثالثة هي المدرسة الواقعية، بكل ما للكلمة الواقع من معنى، حيث اندمج مع هموم المواطن والوطن وتغيرت المفاهيم والمواقف.

الكلمات الدلّلية: أحمد السقّاف، الطبيعة، الغزو العراقي، الوطن، الشعر.

^١. أستاذ مشارك في جامعة سمنان؛ shakeramery02@gmail.com

علي السبتي .. شاعر متعدّد الأبعاد

الدكتور شاكّر عامري^١

الملخص

كاتب مقال مخضرم في الصحافة الكويتية، يُعد رائداً في الكتابة بقصيدة التفعيلة في الكويت، فهو أول من كتب بها محلياً، وهو أول من جدد في نسيج القصيدة العربية في الكويت، وأدخل عليها أغراضاً شعرية لم تكن مطروقة في الشعر التقليدي. كان عضواً في رابطة الأدباء الكويتيين وكان على وعي اجتماعي واضح يتبني قضايا البؤساء والمحتاجين. أصابه الغزو العراقي للكويت بصدمة نفسية وفكرية عنيفة فدخل في صراع شديد بين حبّه للعراق والسياب والبصرة التي طالما تغنى بها ووجه لوطنه المنكوب. هدف البحث هو التعريف بعلي السبتي شاعراً عبر أربعة محاور، هي: سبقه إلى شعر التفعيلة في الكويت؛ التفعيلة غرسها فيه السياب، غير أننا نرى فيها بعض ملامح لافتات أحمد مطر التي كتبها في الكويت. ومراوحته بين التفعيلة وعمود الشعر الكلاسيكي. وإحساسه بالظلم في وطنه، أو الغربة بين أهله لأنه كان يرى الأمور تسير ليس كما يجب. وصداقته الحميمة للشاعر بدر شاكّر السياب، رائد الشعر الحديث. أما النتائج المتوخاة من هذا البحث فيمكننا إجمالها في ما يلي: تذبذب السبتي بين الكلاسيكية والواقعية. واهتزاز قيمه الفكرية، خاصة فكرة القومية، بعد الغزو العراقي للكويت. وانتصار الوطنية على القومية لديه.

الكلمات الدلالية: علي السبتي، السياب، شعر التفعيلة، عمود الشعر، الوطن.

^١. أستاذ مشارك في جامعة سمنان؛ shakeramery02@gmail.com

إستمرار الفصحى في اللهجة الأهوازية (معلقة امرئ القيس نموذجاً)

طالب عسكرة^١، حسين مقدم^٢ وعباس عبيداوي^٣

الملخص

اللهجة مجموعة من الخصائص اللغوية يتحدث بها عدد من الأفراد في بيئة جغرافية معينة، وتكون تلك الخصائص على مختلف المستويات الصوتية والصرفية والنحوية والدلالية، وتميزها عن بقية اللهجات الأخرى في اللغة الواحدة، ولكن يجب أن تبقى تلك الخصائص من القلة بحيث لا تجعل اللهجة غريبة عن أحوالها، عسيرة الفهم على أبناء اللغة لأنه عند ما تكثر هذه الصفات الخاصة على مرّ الزمن لا تلبث هذه اللهجة أن تستقل، وتصبح لغة قائمة بذاتها وعندما تتعدد اللهجات في مجال لغوي واحد، يصعب وضع حدود لهجية بينها، لكن ذلك لا يعني بحال من الأحوال أن اللهجات لا تعرف الحدود مطلقاً، لأنّ لكل لهجة مجموعة من الصفات المشتركة التي تميز بينها وبين جارتها، واللهجة الأهوازية لا تستثنى عن هذه القاعدة وهي إحدى اللهجات العربية التي يتداولها العرب في جنوب إيران ولا تختلف عن بقية اللهجات العربية إلاّ بقليل من حيث الصوت. وهي قريبة إلى اللهجة البصراوية في العراق ما تسمى بالشرقاوية كثيراً، لهذا تسعى هذه الدراسة على النهج التحليلي الميداني بدراسة جذور بعض مفردات هذه اللهجة بمعلقة امرئ القيس المستخدمة في الأمثال والأشعار والأقوال الأهوازية، ومما توصلت إليه هذه الدراسة هو أن اللهجة الأهوازية لم تبعد كل البعد عن اللغة العربية الفصحى وإنما خضعت لبعض الإبدالات والحذف والقلب في المفردات لكن حفظت جذورها الأصلية ومع ذلك فإنها مليئة بالمفردات الفصيحة.

الكلمات الدلالية: اللهجة الأهوازية، اللغة الفصحى، معلقة امرئ القيس، المستوى الصوتي.

١. ماجستير في الأدب العربي من جامعة بوشهر؛ taleb.as220@gmail.com

٢. طالب ماجستير بجامعة قم

٣. طالب ماجستير بجامعة شيراز

الأضداد في ميزان الدّراسة والمقارنة (بين قطرب البصري وأبي الطّيب الخورستاني أنموذجاً)

الدكتور عبدالرضا عطاشي^١ وجعفر عموري^٢

الملخص

ظاهرة الأضداد في اللغة ظهرت مع اللغة فهي ألصق باللغة بسبب بسيط وهو أنّ العقل البشري اكتشف الأضداد. ممّا يدور حوله في عالم الطبيعة وفي نفسه مثل السّواد والبياض والحرارة والبرودة والطّول والقصر والفرح والتّرح والبخل والجود فكعف على بلورة هذه الظّاهرة الكثير من العلماء في تبويب المفردات التي تعنى العكس أو المقابل من كلام العرب فجحدوا في رتق هذا الفتق ولمّ هذا الشّعث ولأهيّة خطورة الموضوع يكفيننا القول إنّ الله لبيان أحكامه لقد استخدم ظاهرة الأضداد فانفتل فقهاء اللغة العربيّة بالبحث عن ظاهرة المقلوب أو المعكوس من كلام العرب فأطلقوا كلمة الأضداد عليها بعد ذلك كثرت نتاجاتهم في هذا المضمار. ومن الصّعب جدّاً علينا إصدار حكم حول فيمن أوّقد كانون هذا النّوع من البحث للمرّة الأولى لكنّ ممّا ليس فيه شك أنّ ظهور أوّل تأليف لهذا الموضوع صدر على يد هؤلاء اللغويين الثلاثة وهم قطرب وأبو عبيدة و الأصمعي. انقسم العلماء إلى فئتين إزاء بحث الأضداد، ففة منهم تؤيّد وجود هذه الظاهرة في اللغة العربيّة باعتبارها من سنن العرب- و هي أن يُطلقوا اسماً واحداً على المتضادين كالجون على اللون الأسود و الأبيض- و أصحاب هذه الفئة هم ابن فارس و ابن سيدة و ابن الأعرابي و ابو عبيدة و آخرون وهناك ففة أخرى ينكرون وجود ظاهرة الأضداد وأشهرهم ابن درستويه. فتدرس هذه الورقة البحثيّة موضوع الأضداد على أساس المنهج التّقليدي التحليلي وتستهدف مقارنة إبتجهاات قطرب البصري وأبي الطّيب اللغوي في مجال الأضداد وأسباب نشوئها من خلال الدّراسة والتّحليل لعرض آرائهما.

الكلمات الدليليّة: الأضداد؛ قطرب، عبدالواحد بن علي اللغوي، الاشتراك اللفظي.

١. أستاذ مساعد في جامعة آزاد الاسلاميّة، فرع آبادان؛ abdolrezaattashi2014@gmail.com

٢. طالب دكتوراه في جامعة آزاد الاسلاميّة، فرع آبادان

أثر الكتابات الفارسية القديمة في قراءة الكتابة المسمارية

الدكتور عادل هاشم علي^١

الملخص

في أواخر القرن الثامن عشر الميلادي ومع بدء التنقيبات الأثرية المنظمة أو العشوائية، كان يعتقد المنقبون أنّ العلامات المسمارية تمثل نوعاً من الرموز أو النقوش التي ليس لها دلالة. نقطة التحوّل في فهم هذه الكتابة كانت نابعة من مجاورتها للغات الفارسية القديمة في كثير من النصوص ذات اللغات المتعددة. أول من فتح الطريق نحو الكتابة المسمارية هو السفير الإسباني في إيران عام ١٦١١م حيث أنّ النقوش المدوّنة في مدينة النصب الأثرية برسيبوليس (اصطخر) هي نوع من أنواع الكتابة القديمة. استطاع العالم الألماني كروتفند عام ١٨٠٢م أن يترجم عشر علامات مسمارية وثلاثة أسماء من الملوك الأخمينيين من النص ذي اللغات الثلاثة وبالاعتماد على اللغة الفهلوية وبالمقابلة مع النص الثاني العيلامي توصل إلى ترجمة النص البابلي الذي تحدث عن أعمال الملك دارا أو داريوس وهي كالآتي: "داريوس الملك العظيم ملك الملوك ملك البلدان ابن هستاسبس الأخميني الذي بنى هذا القصر".

كل هذه الجهود تكّلت بعمل الضابط الإنكليزي رولنسن الذي استطاع أن يستنسخ خلال تسع سنوات النص الأثري المكتوب بثلاث لغات الفارسية القديمة والعيلامية والبابلية وقد استطاع من خلال معرفته باللغة الفارسية القديمة (الافستانية)، ترجمة نقوش جبل بمستون. هذه الاعمال كتبت كما ذكرت بثلاث لغات وهي الفهلوية (الفارسية القديمة) والعيلامية والبابلية، وكلها دونت بالخط المسماري المكتشف أصلاً في جنوب العراق، لذلك فأنّ الفضل كان متبادلاً بين الحضارتين، فالأخمينيين استخدموا الخط المسماري في كتاباتهم واستعاروا نظام التدوين البابلي وبالمقابل أنّ النص الفارسي الأخميني كان مفتاحاً لفهم وحل رموز الكتابة المسمارية. وهذا ما يمكن أن نسميه بالتبادل المعرفي بين الحضارة الفارسية والحضارة العراقية عبر العصور.

الكلمات الدلالية: الكتابات الفارسية، اللغة الفهلوية، اللغة العيلامية، اللغة البابلية، الكتابة المسمارية.

عبدالله بن المقفع بين حضارتين (كاتباً ومفكراً)

الدكتور عبدالحسين العمري^١ وفاطمة توانا^٢

الملخص

عبد الله بن المقفع كان فاضلاً، ونبيلاً، وكرماً، ووفياً. رافق الأزمات السياسية في الدولتين الأموية والعباسية. كان ابن المقفع صاحب علم واسع. وعرف الثقافة العربية والفارسية واليونانية والهندية. له عدة مؤلفات نقلت من الفارسية واليونانية والهندية. هو من أقوى الشخصيات في عالم الأدب العربي فكان قوياً في خلقه، قوياً في عقله وسعة علمه، وقوياً في لسانه.

البحث هذا يسعى أن يبحث عن حياة ابن المقفع كاتباً ومفكراً، فللوصول إلى النتائج يستخدم المنهج الوصفي. التحليلي ويعتمد على المصادر المرتبطة لتحليل الموضوع. يهدف البحث إلى تبين مدى تفاعل ابن المقفع مع الحياة واستخلاصه كماً وافياً من التجارب التي تحولت لديه إلى الحكم. توصل البحث إلى أنّ ابن المقفع كان في الذروة والقمة في المجالات المختلفة مثل السياسة والأخلاق والفن والآداب.

الكلمات الدلالية: ابن المقفع، الحضارة الفارسية، ابن المقفع الكاتب، ابن المقفع المفكر.

١. جامعة ذي قار/كلية الآداب؛ lionalem@gmail.com

٢. طالبة الدكتوراه في جامعة خليج فارس، بوشهر

رثاء الإمام الحسين (ع) في شعر الفقيه السيّد محمّد علي العدناني

مسعود فرهاني عرب^١

الملخص

مما لا شك فيه أنّ الرثاء له مكانة خاصة في الشعر العربي، حاله حال المدح والهجاء. لكن دوحة الرثاء لم تتعدّ في تاريخها بقدر ما تعدّت بعد استشهاد الإمام الحسين (ع) وأصحابه. لقد صار الرثاء بعد تلك الواقعة المؤلّدة صادق اللهجة أكثر من ذي قبل، ثمّ عظمة المرثي ومظلوميته جعلته أن يقع في محله ويفخم أي تفخيم؛ فبرع فيه شعراء كانوا هم من شيعة أهل البيت؛ مثل الحميري والشريف الرضي وغيرهما. إلى أن جاء دور شعراء خوزستان فأبلوا بدورهم بلاءً حسناً. فهذا السيّد العدناني يقدم لنا نموذجاً ممتازاً من الرثاء جُلّه في موضوع واقعة الطف. أمّا نحن في هذا البحث نبتغي دراسة موضوع الرثاء في شعره؛ لا سيّما. ففي دراستنا هذه لشعره الجميل ورثاءه الحار اعتمدنا على المنهج الوصفي التحليلي، وقسّمنا مواضيع الرثاء في شعره ثمّ استخرجنا مواطن الجمال فيه إلى أن خلصنا إلى النتيجة وأشرنا إلى ميزات رثاءه الأساسيّة.

الكلمات الدليليّة: الشعر، الرثاء، الأسلوب، سيد محمد علي العدناني.

^١ . عضو الهيئة العلمية في جامعة جامعة پیام نور؛ m_farahani@pnu.ac.ir

بحر فارس وخليج فارس في المصادر الدينية: بحار الأنوار نموذجاً

الدكتور علي أصغر قهرماني مقبل^١

الملخص

بغض النظر عن كثرة استعمال «البحر» في القرآن الكريم، ورد مثق «البحر» خمس مرّات في القرآن («البحران» مرّة واحدة «البحرين» أربع مرّات). قام المفسّرون في تفسير هذه الآيات بكشف مصداق «البحرين» في القرآن، بحيث نرى أنّ كثيراً من المفسّرين القدماء في تفسير البحرين يتفقون أنّ المقصود من البحرين هو بحر فارس وبحر الروم.

لم يقتصر هذا الرأي على كتب التفاسير فاتّفق طبقات الفقهاء والمحدّثين إلى جانب المفسّرين أنّ البحرين في القرآن هو بحر فارس وبحر روم، عندما يجزّ الحديث في الكتب الدينية إلى هذه الآيات الخمس التي ورد فيها «البحران» و«البحرين»، فنجد وراءها عادةً الحديث عن بحر فارس. هنا نريد أن ندرس أحد كتب الحديث المشهورة وهو كتاب بحار الأنوار للعلامة محمد باقر بن محمد تقي المجلسي الذي تويّ سنة ١١١١ هـ، إذ وجدنا في هذا الكتاب المشهور لدى الشيعة استعمال بحر فارس إلى جانب خليج فارس دون أيّ تعصّب قومي.

الكلمات الدلّيلية: بحر فارس، خليج فارس، بحار الأنوار، محمد باقر المجلسي.

^١. أستاذ مشارك في جامعة خليج فارس، بوشهر؛ ali.ghahramanim@gmail.com

القاموس المحيط للفيروز آبادي مصدراً عن اصنام العرب قبل الاسلام

"دراسة تاريخية، تحليلية، نقدية"

الدكتور شاکر مجيد كاظم ١

الملخص

هذا البحث يتناول دراسة القاموس المحيط للفيروز آبادي باعتباره مصدراً عن أصنام والهة وأوثان ومقدسات العرب قبل الاسلام، وقوام هذه الدراسة، النقد، والتحليل، والمقارنة مع المصادر الأخرى علاوة على أنها دراسة موضوعية، والنظر إلى المادة التاريخية المتعلقة باصنام العرب والمتناثرة والموزعة في اجزاء القاموس المحيط بنظره شمولية وليس جزئية وقد وجدنا ان الاصنام والمقدسات التي عبدها العرب وذكرها الفيروزآبادي بعضها يحمل أسماء ذكرية وأخرى أنثوية، والبعض منها يحمل أسماء صفات أو مظاهر طبيعية. وقد سميت العرب ابنائهم بما مثل عبد شمس، عبد ود، نائلة، نهم، عبد ياليل، وهذا يبين مدى أثر العامل الديني في تنشئتهم الاجتماعية كما تشمل الدراسة ما ذكره الفيروز آبادي عن القبائل التي عبدت تلك المقدسات، واماكن انتشارها في الجزيرة العربية قبل الاسلام، وتطرقنا إلى ذكر الاحداث التاريخية ذات الصلة بتلك الاصنام كقيام عمرو بن هند ملك الحيرة بالقصاص من بني تميم في يوم اواره وذلك عندما ذكر الصنم الحارق، وإلى قيام امرئ القيس الكندي بالاحذ بثأر أبيه من بني أسد وذلك عندما ذكر الصنم ذي الخلصة علما بان الفيروز آبادي لم يوسع الكلام ويبسط الحديث عن الاحداث التاريخية ولم يعط معلومات بشأنها حيث اضطرنا إلى توضيحها بالاعتماد على المصادر الأخرى ويتناول البحث ماجاء بالقاموس المحيط من ذكر لمججات العرب وما يقدمون إلى معبوداتهم من هدايا وقربان وآثرنا ذكر تلبياتهم التي لم يذكرها الفيروز آبادي في قاموسه.

الكلمات الدليلية: القاموس المحيط، الفيروز آبادي، اصنام العرب، ما قبل الاسلام.

حجة العراقيين حميد الدين الكرمانى (٤١٠ - ١٠١٩م) آتاره الفكرية والعلمية

الدكتورة غنية ياسر كباشي^١

الملخص

من أبرز الشخصيات الإسلامية في الدعوة الاسماعيلية هو حميد الدين الكرمانى ويعرف في المصادر الاسماعيلية ب: سيدنا الشيخ أحمد حميد الدين الكرمانى، تلقى علومه في مدارس الدعوة الفاطمية بالمشرق في بلاد فارس. كان له دوراً بارزاً في نشر الدعوة الاسماعيلية بالعراق، كما برز بالرد على من ادعى ألوهية الحاكم بأمر الله الفاطمي بعد دعوته لعقد مجالس الدعوة بالقاهرة. له العديد من المؤلفات العلمية.

وإننا في هذا البحث وفقاً للمنهج الوصفي - التحليلي نهدف إلى التعرف على هذه الشخصية العلمية المرموقة ومكانتها. فلماذا قسّمنا البحث إلى محاور منها: - سيرته الذاتية؛ - دوره في الدعوة الفاطمية؛ مؤلفاته العلمية.

الكلمات الدلالية: العراق، حميد الدين الكرمانى، الدعوة الفاطمية.

^١. جامعة بغداد/ كلية التربية، ابن رشد/ قسم التاريخ؛ dr.gahnaya2008@gmail.com

تجليات المقاومة والنضال الفلسطيني في الشعر العربي الفصيح في خوزستان

مالك كعب عمير^١

الملخص

الاهتمام بالشعر الفلسطيني المقاوم في خوزستان أخذ حيزاً كبيراً منذ البدايات. وتشكل نوع من الشعر الخاص بالمقاومة الفلسطينية، أهتم بالثورة، والجهاد والتحرير على الصهيونية، وقد نتج هذا النوع كردة فعل على العنف الصهيوني المستخدم ضد الفلسطينيين. وسيظل هذا الشعر نبعا لا يجف ومعينا لا ينضب على مر العصور.

والقصائد الخاصة بالمقاومة في غالبيتها كانت وليدة المناسبات الدينية، أو الأحداث السياسية، التي تأثر بها الشعراء وقبولها مدافعين محرضين، فخرجت قصائدهم من فرمها ملتبهة، تغصّ بالدلالات الثورية، التي تحث على الجهاد والثورة، وكذلك يتطرق في أكثر الأحيان إلى فلسطين وغضبها وما يعاني الفلسطينيون من العذاب والتشريد والحزن... وقد أدى الشاعر دورا إعلاميا مهما في هذا المجال نظرا لغياب وسائل الاتصال والإعلام المتطورة في ذلك الوقت.

وتأسيسا على ما تقدم، فإن هذا البحث الذي اعتمد في خطته على المنهج الوصفي- التحليلي، يهدف إلى دراسة الظواهر المختلفة للمقاومة الفلسطينية عند شعراء خوزستان من أشهرهم: عباس الطائي والسيد مسلم فاخر الجابري والسيد محمد شعاع و السيد محمد علي العدناني.

الكلمات الدلالية: فلسطين، المقاومة، خوزستان، الشعر، الثورة.

^١ . طالب دكتوراه في جامعة شهيد چران-اهواز؛ mko138990@yahoo.com

المرأة ورمزية الوجود المشترك في الأدبين العراقي والإيراني

الدكتور عواد كاظم لفته^١ والدكتور حسين لفته حافظ^٢

الملخص

تُعدّ المرأة رمزا للحياة في مختلف آداب الامم وقيل انها مانحة الخصب والحياة والوجود وقد الهت قديما وكما قيل انها عبدت وشبهت بالشمس والغزال وشكلت طوطما وجوديا في العصور القديمة وتمثلت بصور المعبودات كثيرا مما اباح الربط بينها وبين الحياة وتأسيسا على تلك المرويات والمقولات نحاول الكشف عن اوجه التشابه بينها في الادبين العراقي والايرواني فهل مثلت المرأة رمزا مشتركا بينهما؟ وكيف صور الادباء المرأة؟ وماهي الافكار التي يتقارب فيها الأدبان؟

نحاول ان نحلل تلك الرمزية في الادب الايرواني فنتخذ من المرأة القحارية مثلا بوصفها النموذج الاول الذي تأثر بالغرب في التاريخ الايرواني ونتابع تطور رمزيها وصولا إلى الرواية المعاصرة إذ على الرغم من كل التحولات التي مرت بالمجتمع الايرواني إلا أنّ المرأة ظلت محافظة على دلالتها الرمزية في منح الوجود وخصوصية الحياة والظهور الاخلاقي.

ومن ثمّ نحلل رمزيها في الادب العراقي ونستظهر الصور والشميم المتشابهة في الادبين ويبدو أن الأدبين حافظا على صورة المرأة المثالية على الرغم من انفتاحهما على المدنية الغربية فقد كانت صورة المرأة الايروانية تتجلى رمزيا بالعدرية فقد كانت قصيدة (ويس ورامين) وقصص (خسروشيرين وشيرين وفرهاد وليلي ومجنون وبيجان وماجنية) والمرأة القحارية في رواية (طوبا ومعنى بي شت) تحمل دلالات رمزية اخلاقية تتقارب أو تتطابق مع الدلالات ذاتها في الادب العربي في ثنائيات (عنتره وعبله وقيس وليلي وجميل وبثينة والفر ليلة وليله).

الكلمات الدليلية: المرأة، الرمزية، الأدب العراقي، الأدب الإيرواني.

١. جامعة ذي قار/ كلية الآداب

٢. جامعة الكوفة/ مركز دراسات الكوفة؛ Altamy176@gmail.com

توظيف الكلمات الفارسية في معجم جمهرة الامثال الشعبية لعبد الرحمن

التكريتي

الدكتور خالد جعفر مبارك^١ وعبد الكريم جعفر الكشفي^٢

الملخص

الأمثال بصفة عامة جزء من حياة الأمم والشعوب، نستلهم منها التاريخ وتتضمن الموروث وتعبّر عن الفكر والثقافة، ولذلك نجدتها عنصراً مهماً في الدراسات الأدبية والدراسات الأنثولوجية. وقد أُلّف أسلافنا فيها المؤلفات ككتاب (الأمثال) للمفضل الطيبي، و(مجمع الأمثال) للميداني، و(جمهرة الأمثال) للعسكري، ثم ظهر بعد ذلك نمط جديد من الأمثال نتيجة لاختلاط العرب بالأمم الأخرى وتلاقح الثقافات أطلق عليها الأمثال المولدة منها ما صنّفه الثعالبي والحوارزمي وغيرهم، وأما في العصور المتأخرة فقد جاءت الأمثال الشعبية ممثلة لصوت الشعب الذي يدل على أحواله ووسيلة تعبيره وتفكيره التي كان لها شأن عظيم في الدراسات التي تناولت أحوال الشعوب وثقافتها، لا سيما في الدراسات الاجتماعية والتاريخية واللغوية، والأمثال الشعبية بصفته جزءاً من الأدب الشعبي نجدتها مؤثرة في غيرها من الأجزاء الأخرى فالشاعر يضمنها في شعره والحكواتي يستخدمها في حكاياته؛ من هنا اهتم بها الباحثون في الأدب الشعبي وألّفوا فيها المؤلفات، ولعل أبرزهم هؤلاء من العراق أنستاس الكرمللي، والتكريتي، وجلال الحنفي، وعبود الشالجي وغيرهم.

لقد حظيت الأمثال الشعبية بعناية، لا سيما عند العرب والایرانیین والغرب على حد سواء، ولعل عناية الأدباء العرب بهذا الشكل التعبيري كان لها طابع مميز، نظراً للأهمية التي يكنسها المثل في الثقافة بجميع أنواعها. ولعل كتاب معجم جمهرة الامثال الشعبية لعبد الرحمن التكريتي من أهم تلك الكتب حيث يقع في ستة مجلدات تناول أكثر من ٦٥٠٠ مثلاً وفي ابواب مختلفة ونظراً لقرب الجارة العزيرة ايران من العراق وكثرة الزوار الإيرانيين لعبت اهل البيت عليهم السلام، فقد تأثر المثل العراقي وحتى اللغة العربية في العراق باللغة الفارسية، وقد تناولنا في بحثنا المتواضع الكلمات الفارسية المستخدمة في الامثال

١. دكتوراه أدب اسلامي / المديرية العامة لتربية ديالى

٢. بكالوريوس آداب شريعة، مدير عام تربية ديالى السابق؛ kremasd236@gmail.com

الواردة في هذا المعجم ودار بحثنا في ثلاثة محاور، تناولنا في الأول أهمية ودب الامثال، وفي الثاني تعريف بمنهجية معجم جمهرة العرب، وفي الثالث توظيف الكلمات الفارسية في معجم عبد الرحمن التكريتي. **الكلمات الدليلية:** الكلمات الفارسية، عبد الرحمن التكريتي، معجم جمهرة الامثال الشعبية.

أبوسعيد السيرافي وجهوده النحوية

الدكتور عيسى متقي زاده^١، سميرا حيدري راد^٢ وآزاده شه بخش مجبور^٣

الملخص

إن علم النحو من أهم العلوم التي اهتم به النحويون منذ البداية حتى عصرنا الحاضر ومن أشهر هؤلاء الكبار أبوسعيد السيرافي الذي بذل قصارى جهوده النحوية في القرن الرابع الهجري لتبسيط وتفهم هذا العلم. هذه الدراسة تحاول ضمن المنهج الوصفي-التحليلي أن تبين دور أبي سعيد السيرافي وموقفه في النحو العربي من خلال أهم جهوده النحوية منها؛ شرح كتاب سيبويه مع الإشارة إلى منهجه الذي يميزه عن الآخرين. أهم النتائج التي وصلنا إليها هي؛ اجتهاد أبي سعيد السيرافي لتيسير علم النحو، فتقدم النحو بأعماله تقدماً أساسياً في القرن الرابع وتمثلت جهوده أولاً في شرحه لكتاب سيبويه من خلال منهجه الذي لم يتطرق عليها أحد وثانياً في تنظير العلاقات بين النحو والمنطق من خلال مناظرته التي أفحم فيها متي بن يونس وكان موضوعها النحو والمنطق أيهما أدقّ في معرفة صحيح الكلام من سقيمه وسديده وثالثاً في ربط الصلات بين مناهج النحويين والفقهاء.

الكلمات الدلالية: النحو العربي، السيرافي، شرح سيبويه.

١- أستاذ مشارك، فرع اللغة العربية وآدابها، جامعة تربيت مدرس، طهران

٢- طالبة الماجستير، فرع اللغة العربية وآدابها، جامعة تربيت مدرس، طهران؛ s.heidarirad@modares.ac.ir

٣- طالبة الماجستير، فرع اللغة العربية وآدابها، جامعة تربيت مدرس، طهران

الواقع الاجتماعي الكويتي في الحياة الزوجية في رواية (بيني وبينك حكاية)

لخولة القزويني

الدكتورة سهيلا محسن نزاد^١

الملخص

ظهرت الروايات الخليجية بعد منتصف القرن العشرين، فتغيرت القيم السائدة في المجتمع؛ وتغير نمط الحياة وارتفاع المستوى المادي بسبب ظهور البترول وتصديره، خلق قصص وروايات في هذه الظروف الجديدة. وانطلاقاً من كون الأدب انعكاساً عن الواقع الحياتي، فإن الاغتناء المادي أدى إلى ازدهار الحياة الثقافية والفكرية في المجتمع الكويتي ونبوغ الإبداعات الأدبية مثل القصة والرواية، لأنها إحدى فصول السيرة الذاتية لأي مجتمع إنساني، حيث يحاول الروائي عرض الظواهر الاجتماعية ومحاورة سلباتها. وفي الزمن المادي الذي عاشه المجتمع الكويتي، برزت مشكلات فيه نقلتها لنا الكاتبة خولة القزويني في روايتها (بيني وبينك حكاية) من خلال تصوير واقع الحياة الزوجية التي سيطرت عليها، والتناقضات التي تعيشها من غيرة وخيانة زوجية وظن السوء بالآخر، ولم تكتف بعرض القضية وشرح جوانبها فقط بل قدمت الحلول بأسلوب بسيط ومباشر.

تسعى هذه المقالة باستخدام المنهج الوصفي - التحليلي أن ترسم تصويراً موجزاً عن حياة خولة القزويني وأفكارها وآثارها؛ وكذلك توضيح نظرة المجتمع للحياة الزوجية. وقد خلصت الدراسة إلى عرض أبرز ملامح الحياة الزوجية في المجتمع الكويتي من خلال رواية (بيني وبينك حكاية)، والأعمال الروائية للكاتبة جاءت في ضمن ما يوجه إليه الاسلام مما ينبغي أن يتخذ مبدءاً للسلوك اليومي في كل مكان وزمان، في ضمن ما تواجه به العائلة خلافاته، وتحل بموجبه نزاعاتها.

الكلمات الدليلية: المجتمع الكويتي، الحياة الزوجية، خولة القزويني، رواية "بيني وبينك حكاية"، الروايات الاسلامية.

^١ . أستاذة مساعدة في جامعة الامام الصادق (ع)؛ smohseny1967@yahoo.com

العلاقات الدبلوماسية العراقية- الإيرانية بعد عام ٢٠٠٣م وآفاقها المستقبلية

الدكتور علي خيرى مطرود^١

الملخص

شهدت العلاقات الدبلوماسية العراقية-الإيرانية عبر تاريخها الكثير من مراحل الشد والجذب، إذ تحكمت فيها الكثير من العوامل الداخلية والخارجية، وفي مقدمتها محاولات بعض الدول الإقليمية تعكبر صفو هذه العلاقات، عبر اختلاق الازمات والحروب كما حدث في المدة الممتدة بيني عامي ١٩٨٠-١٩٨٨، حينما أسهمت دول خارجية وإقليمية في تحفيز الخلاف بين الدولتين ليتحول فيما بعد الى حرب طاحنة طويلة امتدت على مدار ثمان سنوات.

ولكن على الرغم من كل تلك المحاولات فان العلاقات بين البلدين، ومنها العلاقات الدبلوماسية استمرت بالتطور بفعل عوامل عديدة منها طبيعة المشتركات الوجودية بين الجانبين جغرافية كانت أم تاريخية أم دينية، إذ شكلت تلك المشتركات عوامل تأمين وضبط وضمان للعلاقة بينهما، ومع أن العلاقة بين الطرفين شهدت توتراً كبيراً وركوداً سياسياً بعد عام ١٩٨٨ لغاية عام ٢٠٠٣م، إلا انها استمرت تسير بخطوات ثابتة وان كانت بطيئة، أما بعد عام ٢٠٠٣، وزوال النظام الصدامي وحكم البعث من المشهد السياسي، فقد اندفعت تلك العلاقات لحالة من التكامل السياسي قل نظيرها فانسحب ذلك التكامل على مختلف القطاعات الاخرى العلمية والاقتصادية والدينية والسياحية والعسكرية وغيرها، حتى باتت الدولتان في تقارب تاريخي قل نظيره في المنطقة والعالم، وسنحاول في هذه الدراسة تتبع مسار تلك العلاقات بعد عام ٢٠٠٣م وآفاقها المستقبلية.

الكلمات الدليلية: العلاقات الدبلوماسية، الآفاق المستقبلية، العراق، ايران.

اللغة والكتابة في بلاد فارس حتى نهاية العهد الساساني

الدكتورة مهدية فيصل صالح الموسوي^١ والدكتور ميثم عبد الكاظم جواد النوري^٢

الملخص

تكلم سكان ايران القدامى بلغات عدة، فتلك اللغات ماهي إلا لهجات أصلها من مجموعة اللهجات الهندو اوبية، وأول هذه اللهجات هي اللغة الفارسية القديمة (الفهلوية) وهي إحدى لغات جنوب غرب ايران، وقد دَوّن الاخمينيون بهذه اللغة وبخط مسماري اخميني نقوشهم المحفورة على الصخور، كما عرف الاخمينيون اللغة الآرامية واتخذ منها الملك الاخميني دارا الأول لغة رسمية لمملكته، وكان من نتيجة تأسيس المستعمرات اليونانية التي اقامها الاسكندر ثم السلوقيين في اجزاء مختلفة من ايران، انتشار اللغة اليونانية وصارت إحدى اللغات الرسمية في البلاد، وتطورت اللغة الفارسية القديمة وتفرعت إلى فرعين الافستائية اللغة التي كتب بها الكتاب المقدس الافستا، والبهلوية (الفارسية الوسطى)، وقد قسمت على مرحلتين البهلوية الفرثية أو الاشكانية وهي اللغة الرسمية للدولة الفرثية، والبهلوية أو الفهلوية الساسانية وهي اللغة الرسمية في العهد الساساني وظلت تسعتمل منذ بداية القرن الثالث حتى دخول العرب المسلمين إلى ايران في القرن السابع الميلادي.

ولم تكن اللغة البهلوية مطلقة في ايران في العهد الساساني فإلى جانب اللغة الآرامية التي صارت تعرف بالسريانية، كانت اللغة الصغدية متداولة في اقاليم ايران الشرقية وأيضاً اللغة الساجية وهي من مجموع اللغات الايرانية التي تكلم بها أهل بلخ، ونتج عن تفاعل البهلوية الساسانية مع اللغة العربية لغة جديدة عرفت بالفارسية الدرية وهي تمثل الفارسية الحديثة التي تطورت إلى الفارسية المعروفة في الوقت الحاضر.

أما الكتابة فإلى جانب الخط البابلي المسماري والخط العيلامي الذي هو في الاصل مقتبس من الخط السومري المسماري دَوّن الاخمينيون نقوشهم ومآثرهم على الصخور بالخط الفهلوي القديم، وهو الآخر مقتبس من الخط المسماري البابلي بعد تبسيط مقاطعه الصعبة وانقاصها من ثلاثمائة مقطع إلى ست وثلاثون، ولما كان الخط الآرامي الذي امتاز بسهولة تعلمه لاعتماده على الحروف الهجائية منتشراً في معظم اجزاء الشرق الأدنى، قرّر الملك الاخميني دارا الأول اعتماده في كتابة الوثائق الرسمية باللغة الفارسية، وتراجع استعمال الخط المسماري في العهد الفرثي وشاع استعمال الخط الآرامي السرياني إلى جانب الخط

^١. جامعة بغداد/ كلية التربية، ابن رشد/ قسم التاريخ؛ dr.historym.faisal@gmail.com

^٢. جامعة بغداد/ كلية الآداب/ قسم التاريخ

اليوناني، ومع مطلع القرن الاول الميلادي ضعف استعمال اللغة والخط اليوناني وبدأ بالزوال وقصر استعمال اللغة اليونانية على بعض جهات الامبراطورية، أما الخط الساساني فهو الخط البهلوي الذي دونت فيه نقوشهم وكتابتهم.

الكلمات الدليلية: اللغة، الكتابة، بلاد فارس، العهد الساساني.

اللهجة الأهوازية وتحريفاتها لقواعد العربية الفصحى (أنموذجاً لهجة الزوار الأهوازيين)

الدكتور أسعد عباس كاظم المياحي^١

الملخص

تعدّ العربية إحدى اللغات التي يتكلّمها الشعب الإيراني، وبخاصة في الأهواز؛ إذ إنّ الأهواز تقع بالقرب من الحدود العراقية الجنوبية، وبفعل الظروف الزمنية انتقلت اللغة العربية إلى أبناء تلك المنطقة، ولكن بلهجة عامية قريبة من اللهجات المستعملة في جنوب العراق وبعض مناطق الخليج الفارسي. ولبعض أفاظ هذه اللهجة العربية جذور في الفصحى، إلا أنّ فيها تحريفاً لقواعد الفصحى على مختلف مستوياتها اللغوية التي هي الصوت والصرف والنحو والدلالة.

هذا البحث يتعرّض لتلك العربية المتداولة في اللهجة الأهوازية وتحريفها لقواعد الفصحى؛ وقد اعتمدنا فيه على المنهج الميداني فقمنا برصد ظواهر هذه اللهجة في محادثات الزوار الأهوازيين في العتبات المقدسة أثناء زيارتهم للزيارات الدينية في العراق. وقد تضمّن البحث مقدمة وتعريفاً باللهجة العربية الأهوازية، ثم انتهى بخاتمة تضمّنت نتائج البحث وقائمة لمصادر البحث ومطابّته. الكلمات الدليلية: إيران، الأهواز، الزوار، اللغة العربية، اللهجة.

^١. جامعة واسط/ كلية الآداب؛ asaadabbaas@gmail.com

مناظرة بين السيرافي ومتى بن يونس القنائي حول مفاضلة النحو والمنطق

الدكتور سيد على ميرلوحى^١ والدكتورة سيده ريحانه ميرلوحى^٢

الملخص

لا ريب أنّ النحو هو عبارة عن قواعد استخرجها علماء النحو منذ القرون الإسلامية الأولى ومذ تكلم الإنسان بكلام. ولا ريب أنّ المنطق أيضاً عبارة عن قواعد اكتشفها علماء الفكر والفلسفة مذ تكلم الإنسان على أساليب المنطق الفطري. فإذا أردنا أن نعرف تفضيل أحد الفنين على الآخر كما جرى في مناظرة السيرافي ومتى بن يونس فعلينا أن نبسط المقال أولاً في وجوه اشتراك هذين الفنين ووجوه افتراقهما وماذا حمل المناظرين على عرض هذه المفاضلة.

والباحثان في هذا المقال يأتیان أولاً بترجمة السيرافي ملخصاً لأنّه مدار البحث وأنه من أعلام علم النحو في القرن الثالث والرابع الهجريين من بلد سيراف في إيران من سواحل الخليج الفارسي، ثم ترجمة متى بن يوسف الذي هو من مشاهير علم المنطق ومن مُتابعي مذهب أرسطو العقلي، وهو المترجم لآثاره إلى العربية، وأخيراً تأتي بما انتهى إليه هذا البحث من نتائج تنير المنهج لمتابعيه.

الكلمات الدلالية: النحو، المنطق، الجملة، الكلام، اللغة الطبيعية، اللغة الصوريّة.

١. أستاذ متقاعد في جامعة اصفهان؛ samirlohi1395@gmail.com

٢. دكتوراه في اللغة العربيّة وآدابها

التشاكل في شعر آمل عواد رضوان

الدكتور جمال نصاري^١

الملخص

اللغة هي ليست وسيلة تواصل فقط، بل هي عنصر جمالي وإيقاعي. من جماليات اللغة هو التشاكل، وما يحتويه من تنوعات لغوية ووحدة نغمية. إن نظرية التشاكل تنتمي إلى اللسانيات أكثر مما تنتمي إلى الشعرية و كان غريماس أول من نقل مفهوم التشاكل في الفكر اللساني الاوروبي. لكن عمم راستبي مفهوم التشاكل، حيث شمل كافة تنوعات الخطاب الصوتية والنبرية والإيقاعية والمنطقية والمعنوية. والتشاكل عند راستبي هو كل تكرار لوحدة لغوية مهما كانت، بما يعنيه من أن التشاكل لا يحصل، إلا من تعدد الوحدات اللغوية المختلفة. ومعنى ذلك؛ أن التشاكل ينتج من التباين

إحتفت الشاعرة آمل عواد رضوان بمحور التشاكل و استعملته على ثلاثة مستويات ابداعية. الأول: التشاكل الفكري. هذا التشاكل يعتمد على ثلاثة محاور جوهرية و هي: الإمتدادية والتوالدية والعدمية. الثاني: التشاكل النفسي. هذا التشاكل يعتمد على محورين أساسيين وهما التضادية و التناقضية. الثالث: التشاكل الإيقاعي. هذا التشاكل يعتمد على أربعة محاور جوهرية وهي: التكرار والقوالب الداخلية و التشاكل الحرفي والجناس. اعتمد هذا البحث على المنهج الوصفي - التحليلي مصوراً من خلال التشاكل ألم الإنسان الفلسطيني و سيطرت الموت على مفاصل الحياة الفلسطينية.

الكلمات الدليلية: التشاكل، آمل عواد رضوان، التناسبات اللغوية، الوحدات النغمية والإيقاعية، التكرار.

^١ . دكتوراه في اللغة العربية وآدابها؛ jamalnassari@yahoo.com

التناسق الأدبي في الشعر الشعبي الأهوازي

الدكتور يوسف نظري^١ وعلي حيدري^٢

الملخص

التناسق هو مفهوم حديث يتداول كثيراً على ألسن النقاد. وهو أساساً التفاعل والتشارك بين النصوص، وهذا يقتضي الحفظ والمعرفة السابقة بالنصوص السابقة، لأن النص يعتمد على تحويل النصوص السابقة وتمثيلها بنصٍّ موحدٍ يجمع بين الحاضر والغائب. وللتناسق أنواع، قد يستعملها الشاعر الشعبي الأهوازي في أشعاره. ولكننا حدّدنا وزن الأبوذية لأنه أكثر الأنواع بين الناس تداولاً وكتابةً. وهو يتشكل من ثلاثة أشطر بجناسٍ واحد والشطر الأخير ينتهي بكلمة آخرها (يّه). وقد تسمّى الأبوذيات مولداً، إذا تأثر شاعرها بشعرٍ قديم من الفصحى وأعاد صياغة الفكرة في هذا الوزن بالعامية الدارجة. وبعد دراسة عينة من الموالدات توصلنا إلى أن الشاعر إذا كتب المولد، يخلق جسراً بين ماضيه وحاضره الأدبي. وقد يؤدي هذا الجسر إلى تشوّق عامة الناس وتحببهم بالنسبة لأدبهم القديم، لأن الصور القديمة في صياغها القديم تأتيهم جديدة بطابع شعبي يألّفونه ويستأنسون به. وقد وجدنا أن أكثر المواضيع التي تكتب على هذا الشكل هي في إطار الحكمة أو الغزل. ويكون النص مأخوذاً من شاعر مشهور قديم كعنترة أو المتنبي وقيس الملوّح و.. أو من شعر مسموع بين الناس كالأغاني والمراثي وغيرها.

الكلمات الدلالية: التناسق، الشعر العربي القديم، الشعر الشعبي الأهوازي، الأبوذية، المولد.

١. أستاذ مساعد في فرع اللغة العربية وآدابها بجامعة شيراز؛ yusuf.nazari@yahoo.com

٢. طالب فرع اللغة العربية وآدابها بجامعة شيراز

صدى المقاومة والصمود في الشعر البحريني المعاصر ديوان "جراحات البحرين" للشاعر "ابن البحرين" أنموذجاً

الدكتور فاروق نعمتي^١ والدكتور حسين حديدي^٢

الملخص

مما لا ريب فيه أنّ الصحوّة الإسلاميّة في المنطقة تدلّ على الوعي الإسلامي والشعور بالحرية للشعوب واستعدادهم للوقوف أمام الظلم والبطش. بيد أنّ الشعراء الأحرار يُساندون شعبهم المضطهد في ذلك الموقف الشجاع ويتّهمون حكّام العرب بأنهم أداة ولعب بأيدي الدول الغربيّة يقودون المجتمع نحو اليأس ويهيئونهم لقبول الذلّ والهوان. إنّ هذه المقالة وفقاً على منهج الوصفي - التحليلي قامت على استخراج مظاهر المقاومة في ديوان «جراحات البحرين» للشاعر البحريني المكتب بـ «ابن البحرين» ووصلت إلى أنّ الاختناق والاستبداد الحاكم في البحرين والظلم في المجتمع، كان من أهمّ العوامل الرئيسيّة لبروز مظاهر المقاومة في هذا الديوان. ولصاحب الديوان مناهج متعدّدة في ساحة المقاومة والصمود أمام آل الخليفة، منها السخرية اللاذعة الموجهة إلى هذه العائلة، وتوظيف الأساليب البلاغيّة البديعة لتصوير دعوته إلى الحرية والاستقلال والخلاص من مخالف سلطة الظالمين. يشيرُ الشاعر في ديوانه إلى الثورة الإسلاميّة في إيران ويفتخر بها ويعتبرها ثورة مباركة للقضاء على الطغيان والظلم في العالم.

الكلمات الدليلية: أدب المقاومة، الشعر البحريني المعاصر، ديوان جراحات البحرين، ابن البحرين.

^١ . الأستاذ المساعد في قسم اللغة العربيّة وآدابها، جامعة پیام نور؛ faroogh.nemati@gmail.com

^٢ . الأستاذ المساعد في قسم اللغة العربيّة وآدابها، جامعة پیام نور

دراسة رثاء الإمام الحسين(ع) في شعر الشيخ محمد التستري

اياذ نيسي^١ والدكتور ولي بهاروند^٢

الملخص

تطوّر الأدب الشيعي تطوراً ملموساً بفضل أحداث معركة الطف التي أضرمت في نفوس الشيعة و الموالين لأهل البيت(ع) حزنًا كبيراً و الباعث الأساسي لهذا الأمر هي تلك الفاجعة الكبرى و المصيبة العظمى التي حصلت في اليوم العاشر من محرم سنة ٦١هـ.ق وهي إستشهاد سبط الرسول الأكرم(ص)، الإمام الحسين(ع)، بذلك المشهد المؤلم بشكل فجيّع يروّع القلب و يهزّ العرش. إنّ حادثة كربلاء أحدثت حزنًا رسالياً يثير الحماسة في النفوس و يُجري الشعر على الألسنة لذا أثارت هذه الواقعة المؤلمة عاطفة شعراء الشيعة ففاضت على ألسنتهم قصائد تفوح منها شذا مدح آل البيت(ع). يهدف هذا المقال عبر المنهج التوصيفي - التحليلي إلى تقديم دراسة الرثاء الحسيني في شعر الشيخ محمد التستري و بيان المآسي التي جرت على أهل بيت النبوة، من أهمّ نتائج البحث رسم الشاعر صوراً مؤثرة صادقة بألفاظٍ رقيقة و معانٍ حزينة، و إعماده على صياغة الحقيقة التاريخية، و تجاوزه من الحزن و التفجع إلى الرفض و المطالبة بالثورة على الظالمين بمعانٍ واضحة.

الكلمات الدلالية: الرثاء، عاشوراء، الإمام الحسين(ع)، الشيخ محمد التستري.

١. طالب ماجستير فرع اللغة العربية وآدابها بجامعة شهيد چمران الأهواز؛omidomid857.aan@gmail.com

٢. أستاذ مساعد قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة شهيد چمران الأهواز